

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

[www.karnil.com](http://www.karnil.com)

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زبان خوراکیما جلد سوم  
نویسنده : دکتر فیث الدین جزا پری

## اسم من «بابا آدم» است!

ریشه ام تصفیه کننده خون است. برای درمان نقرس و رماتیسم اثر فراوان دارم. بیماریهای پوستی را شفا میدهم. اگر به دندان درد مبتلا شدید از من استفاده کنید. آنان که با چاقی مبارزه می کنند هیچ دارویی را بهتر از من نخواهند جست. اثری معجزه آسا برای فرو نشاندن دانه های مخملک و سرخک دارم. فارسی من گیاه بابا آدم است. اعراب به من راءس الجامه می گویند، ولی در کتاب طبی قدیم از من به نامهای آراقیطون، ارقیطون که معرب آرگیتوم است یاد شده است. من همان گیاهی هستم که دارای برگهای بزرگ و پهن بوده و به موجب یک افسانه قدیمی حضرت آدم و حوا پس از آنکه به زمین آمدند، از برگ من برای پوشاندن و ستر عورت خود استفاده کردند. میوه من به صورت فندقه است، و دارای سه تا چهار سطح مشخص است. گلکهای من بدون واسطه دمبرگ روی نهنج مشترکی به تعداد سی تا پنجاه گل محصور در تارهای ابریشمی است، و رنگ آنها ارغوانی می باشد. در بالای میوه من که به رنگ خاکستری یا حنایی است، دسته ای از تارهای ابریشمی کوتاه به رنگ سفید یا زرد دیده می شود. من در اطراف تهران در نواحی البرز، راه چالوس و کوههای هراز، ولی آباد، رودبار - زیر درختان زیتون، تفرش و کوههای خراسان و کرمان می رویم، در اروپا به علت مصرف زیادی که ریشه من در صنعت داروسازی پیدا کرده است، مرا می کارند، ولی در ایران خودرو هستم. ریشه من دارای اینولین - یک ماده رزینی و چند عامل دارویی - است. از ریشه خشک شده من متجاوز از پنجاه تا هفتاد درصد اینولین می گیرند و بعلاوه دارای املاح کربنات دوپتاس و کربنات دو سود هستم. برگهای من دارای اکسیدازهای فعال و میوه من دارای هشت درصد روغنی است که زود خشک می شود و برای نقاشی مناسب است. ریشه من تصفیه کننده خون، پیشاب آور و معرق است و از قدیم برای درمان نقرس، رماتیسم و امراض جلدی تجویز شده، و اخیرا برای معالجه سفلیس به کار برده می شود. ریشه من برای درمان چاقی، ورم عمومی بدن که در اثر خرابی کلیه و سنگ مثانه می باشد مفید است برای بیماریهای پوستی و جوش غرور جوانی نافع است. برای تبهای دانه ای مانند سرخک و مخملک سبب آسان شدن بروز دانه ها می گردد. مضمضه جوشانده بیخ من مسکن درد دندان است، و لته را محکم می کند و جهت امراض دهان، دندان و سینه مفید بوده، و از خونریزی جلوگیری می کند. برای درد مفاصل، عرق النساء و ترک پوست و زخم سر انگشتان که به علت شدت سرما به رسیده باشد سودمند است و همچنین برای سوختگی آتش و زخمهای بیخ ناخن مفید است و روی هم رفته برای معالجه زخمهای مزمن - اولسزانو - التهابات مخاط دهان و گلو و آب آوردن انساج منافع شایان دارد. برای معالجه جرب و آگزمای خشک می توان از ریشه تازه له شده یا جوشانده غلیظ آن استفاده کرد. مالیدن جوشانده غلیظ ریشه من بر روی موی سر مقوی مو بوده، و از ریزش آن جلوگیری می کند. مخصوصا اگر صد گرم آن را با صد گرم ریشه گزنه در نیم لیتر آب بجوشانند، ضماد ریشه من مسکن درد مفاصل و التهاب بواسیر است. ریشه من بهترین پادزهر مار و سایر حشرات گزنده است، و برای این کار می توان از ضماد له شده ریشه من استفاده کرد. نوشیدن جوشانده یا دمکرده برگ من برای پایین آوردن قند خون اثر فوری دارد. اثر ریشه و برگ تازه من در معالجات بهتر از خشک شده آنهاست. برای تصفیه خون معمولا سی گرم ریشه مرا با سی گرم ریشه شیرین بیان و سی گرم تاجریزی در یک لیتر آب به مدت بیست دقیقه

جوشانده ، نصف آن را در روز به بیمار بدهید. در دامپزشکی از جوشانده پنجاه در هزار من برای معالجه جرب و ریزش مو و خارش بدن سگها استفاده می کنند. برای معالجه سرفه گوسفندان ریشه مرا قطعه قطعه کرده وارد غذای آنها می نمایند.

### من «هليلة» هستم !

فارسی من هليلة است ، اعراب آنرا معرب کرده اهلیج گویند. من دارای انواع و اقسام به نامهای هليلة زرد، هليلة سیاه ، هليلة کابلی و هليلة چینی هستم . هليلة کابلی محصول هندوستان است و چون سابقا آن را از راه کابل به ایران آورده اند، به کابلی معروف شده است . میوه انواع ما موقعی که تازه است ، بیضی یا گلابی شکل است که پس از خشک شدن سخت و ناهموار می گردد و دارای مواد صمغی ، تانن فراوان و مواد خلطآور و چند نوع قند است . در کتاب طب الاثمه از قول حضرت رضا روایت کرده اند که روزی جمعی از پزشکان در محضر ایشان از خواص چندین دارو توصیف می کردند، آنحضرت فرمودند که شما از این ادویه تعریف می کنید، ولی نمی دانم چرا هليلة و رازیانه را فراموش کرده اید؟ هر کس در روز یک هليلة کابلی را در دهان گذاشته و بمکده ، موی سر او سیاه نشود... این خاصیت در انواع دیگر ما هليلة ها نیز موجود است ، انواع ما هليلة ها برای تقویت معده ، حافظه ، ذهن و حواس ظاهری و باطنی مفید میباشند برای سردرد، مالخولیا و رفع وسواس و امراض روحی سود فراوان داریم . استعمال ما در موقع داشتن تب چه از راه خوردن و چه از راه تنقیه جایز نیست . برای رفع نسیان دارویی موثرتر از هليلة کابلی نمی باشد. هليلة پرورده و مربای هليلة مقوی کبد و حواس پنجگانه است ، و پاشیدن سوخته هليلة خون بواسیر را بند می آورد، و برای تقویت دندان و لثه مجرب است . خوردن خیسانده و جوشانده من بهتر از جرم من است . سابقا مرا برای معالجه جذام هم تجویز می کردند و با اینکه خوردن و تنقیه جوشانده مرا برای کسانی که تب دارند منع کرده اند، در مورد سرسام «منزیت» افزودن آن را به تنقیه تجویز نموده اند. مقدار خوراک من دو مثقال و در جوشانده تا هفت مثقال است .

### اسم من «گل سرخ» است !

گل من مقوی روح ، نشاطآور، ضد عفونی کننده و مسهل خوبی است . چکاندن عصاره من در بینی ، سردرد را درمان می کند. گلبرگهای خشک شده من ، التیام دهنده زخم است . برای پایین آوردن تب می توانید از من استفاده کنید. مسلولین ، می توانند داروی درمان خویش را در گلبرگهای من جستجو کنند. با اینکه اکثر گیاهان برای تولید مثل دارای گلی مخصوص هستند، معذک در فارسی و ادبیات وقتی صحبت از گل می شود، مراد گل سرخ است که به عربی آن را «ورد الاحمر» و به زبان فرنگی «رز» گویند. من همان گل درختی خوشبویی هستم که در ادبیات فارسی همه جا مرا هم نشین خاریا بلبل دانسته و به علت فراوانی انواع من در ایران ، این کشور با عظمت باستانی را کشور گل و بلبل لقب داده اند و با اینکه اسم من گل سرخ است معذک گونه های مختلف من به رنگهای گوناگون : سفید، زرد، صورتی ، تا سرخ آتشین دیده می شود، ولی هر قدر گل من سرخ تر باشد، تانن آن بیشتر بوده ، و خواص دارویی آن بیشتر است . گل چای که دارای گلهای نارنجی رنگ پرپر است ، نوعی از من می باشد که در اثر پیوند چند گونه به عمل آمده و وجه تسمیه آن به گل چای ، به مناسبت شباهت رنگ آن با گل بوته چای می باشد. گل خار گونه ای از من است که رنگ گلبرگهای آن سفید بوده و بوی آن چندان مطبوع نیست و به آن گل

سفید هم می گویند. گل دو آتشف گونگی ای از من است که به نام گل دو روی و گل دو رنگ معروف است. گل رشتی یکی از گونه های من است که در چهار فصل سال گل می دهد و گل های آن پرپر است و به آن گل همیشه بهار می گویند، گل زرد یکی از گونه های من است که رنگ گلبرگ های آن زرد بوده، اصل آن ایرانی است و بوی خوشی ندارد. اعراب به آن «ورد الاصفر» و «وردمتنن» گویند و مراد از زرد گل همین درخت گل است. گل سرخ فرنگی گلی است که از پیوند چند گونه گل سرخ به عمل آمده و به آن گل سرخ پیوندی و گل سرخ حوحم می گویند. گل سرخ صدپر گونه ای از من است که اصل آن ایرانی است و دارای گل های پرپر بوده و یکی از زیباترین گل های سرخ است و اعراب به آن گل کثیره الورق گویند. گل گلاب یکی از خوشبوترین انواع من بوده و به آن گل سرخ عطری، گل محمدی، و گل سوری هم می گویند. گل دنبه همان گل سرخ سفید ایرانی است. عربی من «ورد الاحمر وعاظ» است ولی عده ای گل را معرب کرده «جل» نوشته اند، بر روی ساقه های من دو نوع خار یکی خمیده و نسبتا بزرگ و نک تیز و یک نوع خار کوچک ظریف وجود دارد. قسمت مورد استفاده من غنچه های رسیده ناشکفته بدون کاسه گل آن است، چیدن غنچه های گل من بایستی موقعی باشد که غنچه رسیده و در شرف باز شدن است. پس از چیدن، گلبرگها را سوا کنید و در سایه خشک کنید و بعد آن را در شیشه سر بسته نگاهداری نمایید و نگذارید حشرات در روی آنها رخنه کرده و تخم گذاری کنند. بهترین گل سرخ آن است که گلبرگ آن پس از خشک شدن کاملا قرمز بوده و طعم قابض، بوی خوش آن و خاصیت ضد عفونی کننده ی آن است و به همین جهت برای مسلولین داروی ارزنده ای می باشد. گلبرگ های من برای درمان اسهال های مزمن، رفع ترشحات زنانه، اخلاط خونین و خونریزیهای عادی تجویز می شود... گل من مقوی روح، نشاط آور، ضد عفونی کننده، مسهل و مسکن صفرا و بلغم است و چون سی گرم گلبرگ تازه مرا بخورند، مسهل خوبی است، و چنانچه گفته شد گلبرگ های خشک شده قابض بوده و این خاصیت در غنچه های آن زیادتر است. چکاندن عصاره آب من در بینی در درمان درد سر و درد گوش موثر است. بوئیدن گل من مقوی قلب و دماغ بوده و خوردن آن جهت قلب و ریه و معده، جگر، کلیه، روده ها و رحم مفید بوده و مخصوصا برای درمان خونریزی سینه نافع است. خوردن شش گرم آن تب را پایین می آورد و برای درمان تب ربع مفید است. پاشیدن گلبرگ های خشک من روی زخم، آنها را ضد عفونی کرده و التیام می دهد. ضماد آن را جهت درمان زگیل و لکه های جلدی و روئیدن گوشت تازه «زئوی» استعمال خارجی می توان از جوشانده غلیظ من جهت مضمضه و غرغره و شستن زخمها استفاده کرد.

برای شستشوی چشم بایستی از جوشانده من در آب مقطر استفاده کرد. ضماد برگ درخت گسرخ جهت ورم نشیمنگاه مفید میباشد.

### گلنگبین - گلگند

از سرنوشت برگ گل تازه من با هم وزن آن عسل، گلنگبین و با قند و با شکر گلگند به دست می آید و چنانچه برگ گل کمتر و شکر زیادتر باشد، آن را گل شکری نامیده اند، گلنگبین و گلگند هر دو مقوی دماغ و معده می باشد. خوردن گلنگبین بعد از غذا جهت سرد مزاجان و پیران و اشخاص فالج و مبتلایان به درد مفاصل و نقرس و سنگ کلیه و سختی ادرار مفید است و مخصوصا در زمستان خوردن آن منافع بیشتری دارد، گلگند جهت اشخاص گرم مزاج و جوانان و جلوگیری از وسواس جنون

سودمند است . شیخ الرئیس ابوعلی سینا در کتاب قانون در قسمت سل می نویسد: بانویی مبتلا به مرض سل بوده و من او را با خوردن گلقدن معالجه نمودم و او مدتی آن را به مقدار زیاد بیش از آن مقدار که من دستور داده بودم می خورد، تا بکلی شفا یافت . مقدار خوراک آن تا چهار مثقال است .

## گلاب

چون که گل رفت و گلستان شد خراب++

بوی گل را از چه جوییم ، از گلاب

من آب مقطر گل گلاب می باشم ، طبق مدارک موجود که از منابع اروپایی در دست است ، نخستین ملتی که مبتکر گرفتن گلاب بوده و اصولاً قرع و انبیق را اختراع کرد و عمل تقطیر مایعات و اسانس کشی را معمول داشت ، ملت ایران است . حکمای قدیم یونان از صنعت گلابکشی و تقطیر مایعات اطلاعی نداشتند، و تنها از عصاره مایع گلبرگهای گل سرخ و جوشانده آن در روغن استفاده می نمودند و چون سهم اعظم علوم شیمیایی امروز وابسته به تقطیر است ، به همین جهت ایرانیان سهم بزرگی در راه پیشرفت این علم دارند و «جابر بن حیان صوفی» را به حق پدر شیمی لقب داده اند. من از تقطیر آبی که گلبرگهای گل سوری را در آن خیس کرده باشند به دست می آیم . من با صفرا و بلغم هر دو می جنگم ، من مقوی دماغ و دهانه معده هستم ، اگر مرا نیم گرم دم کرده بنوشید بهترین درمان برای خونریزی سینه و گلو هستم ، و سینه را نرم می کنم . عوارض نزله را از بین می برم و درد معده و روده و دل پیچه را معالجه می نمایم ، نوشیدن سرد من آتش دل را از بین می برد و بدن را تقویت می کند. بوئیدن من برای تقویت قلب و رفع غشی و بیهوشی و تقویت دماغ و حواس باطنی سود فراوان دارد. برای معالجه اشخاص گرمزده بهترین راه خوراندن گلاب همراه با یخ است ، بقدری که تولید قی نموده صفرا را خارج نماید. نوشیدن و بوئیدن من مسکن درد سر می باشد، مخصوصاً سر دردی که در اثر استنشاق هوای کثیف و شنیدن جار و جنجال باشد، و به همین جهت می توانیم بگوییم که مقصود خاقانی از این بیت از قصیده مداین :

از ناله جغد الحق ، ماییم به درد سر

از دیده گلابی کن درد سر ما بنشان

آب گل که از آب و خاک درست می شود، نیست بلکه مقصودش گلاب به ضم گاف می باشد و شاعر دیگری در مرزبان نامه چنین می گوید:

گل در میان کوزه بسی درد سر کشید

تا بهر درد سر ما گلاب شد

برای گل که از مخلوط آب و خاک به دست می آید چنین خاصیتی ذکر نشده است ، و تنها بوئیدن کاهگل خشک که به آن آب زده باشند، برای به هوش آوردن مبتلایان به مرض غش و تقویت دل تجویز شده است .

## جلاب

جلاب با ضم جیم و تشدید لام ، یکی از شربت های قدیمی است که از ساخته های داروسازان سنتی ایران جهت تقویت قلب و درمان خفقان و توحش و مالیخولیا و امثال آنها ترتیب می دادند و دستور ساختن آن چنین بود. یک من نبات سفید با شکر را گرفته ، با سه من گلاب روی آتشی ملایم می جوشاندند و کف آن را می گرفتند تا میزان آن به نصف برسد. بعد دو گرم زعفران را در کمی گلاب ساییده و در آن می ریختند و بعد آن را در یک شیشه سر بسته ریخته نگاهداری می کردند و در موقع مصرف آن را با یکی از عرقهای بیدمشک یا عرق کاسنی مخلوط کرده و در آن تخم شربتی ، یا تخم ریحان یا اسفرزه ریخته می نوشیدند.

## عطر گل سرخ

همزمان با گرفتن گلاب در ایران قدیم ، گرفتن عطر آن نیز به روش قدیمی معمول گردید، ولی تهیه اسانس گل سرخ در اروپا در قرن پانزدهم شروع شد. - بوی این اسانس خیلی قوی است ولی پس از رقیق شدن مطبوع تر می گردد - اسانس گل سرخ مصرف درمانی ندارد، ولی به علت داشتن بوی خوش در ساختن ترکیبات آرایشی مخلوط می گردد.

## اسم من «نسترن» است !

قسمت گوشتدار و میوه سان من دارای مقدار زیادی ویتامین «ث» است . از رقت خون جلوگیری می کنم . ورمهای کلیوی را رفع می کنم . خوردن تارهای من کرم معده را دفع می کند. اگر از جوشانده ریشه من استفاده کنید رفع کننده مرض هاری هستم . اثری آرامبخش دارم .

نسترن لولو بیضا دارد اندر مرسله

ارغوان لعل بدخشان دارد اندر گوشوار

فارسی من نسترن است ، به من نسترن، نسترون و گاهی به غلط نسرين گویند. عربی من وردبری است . به من گلاسکانه ، بنگل ، شجره العلیق ، آیت مورنی و گلبک هم می گویند. من یکی از انواع بیابانی گل سرخ می باشم که معمولا مرا پایه پیوند برای انواع گل سرخ قرار می دهند. من انواع و اقسام رنگهای سفید، زرد، قرمز پرپر و کم پر دارم . گلهای من به صورت منفرد و مجتمع هر دو دیده می شود، میوه من کوزه ای است که پس از خشک شدن سخت شدن می شود، و رنگ آن قهوه ای یا سرخ می گردد. بوی آن ضعیف و طعم آن کمی شیرین است . قسمت گوشتدار میوه من دارای ترشیهای مختلف ، نظیر ترشی سیب و جوهر لیمو است . مقداری قند، مقداری تانن و به مقدار زیاد ویتامین ث دارد و به همین جهت ضد رقت خون ، قابض و پیشاب آور است و بیشتر برای معالجه اسهال مسلولین تجویز می شود و برای مبتلایان به اخلاط خونی - ورم کلیه و دردهای کلیوی که نتیجه سنگ باشد توصیه شده است . جوشانده میوه من به شرط آنکه بیشتر از ده دقیقه نجوشیده باشد، برای عوارض کمبود ویتامین «ث» به کار می رود، و با قسمتهای گوشتدار میوه من کمپوت - مارمالاد و شیرینی درست می کنند، تارهای درون کوزه گل من مانند تارهای کل سرخ عطسه آور بوده و خوردن آنها دافع کرم معده است . بر روی شاخه های بعضی از انواع من

بر اثر گزش حشره ای مخصوص ، برجستگیهایی پیدا می شود. این برجستگیها مقوی بوده برای رفع عرق کردن مسلولین به کار می رود و خوردن آنها باعث کم شدن آلومین ادرار می گردد. اثر آرامبخش نیز دارد. از جوشانده ریشه من سابقا برای معالجه مرض هاری استفاده می شد، تارهای گلبن من التیام دهنده جراحات است . اگر مقداری براده آهن یا زاج سبز یا املاح دیگر آهن در پای درخت من به عنوان کود بریزند، گلهای من بیشتر و با دوام تر می شوند و همچنین موقعی که انواع رز را روی پایه من پیوند می زنند برای آنها ترکیبات آهن لازم است ، ولی گاهی در اثر دادن آهن ساقه های خود من هم رشد می کند و در اینجا با باغبانان آن را که معمولا تیغ می گویند می چینند تا گل پیوندی را ضعیف ننمایم .

### نسرین

عده ای مرا نسترن خوشبو می دانند، ولی حقیقت چیز دیگری است . من از خانواده گل نرگس می باشم ولی گل من شبیه گل سرخ و از آن کوچکتر می باشد و بیشتر به رنگ سفید و مایل به زرد دیده می شوند. گل من پرپر است ، عطر گل من فراتر از گل گلاب است و به همین جهت گلاب من بوئی ندارد. درختچه من هم شبیه درخت گل سرخ است ، ولی کوچکتر از آن می باشد. من در جنگلها و نقاط مرطوب به حالت وحشی می رویم ، و در مازندران فراوان می باشم . طاقت من ، در برابر سرما زیاد است ، بطوری که در زمستان می توانم زیر برف باقی بمانم ، و در عطرسازی نیز از من می توان استفاده کرد. به من نرگس زرد، گل عنبرین ، گل مشکین و در اصفهان مشگینچه گویند. عربی من ورد الصین است . بوئیدن گل من مقوی قلب و دماغ است ، و برای زکام و آبریزش بینی بسیار نافع بوده و از ابتلا به نزله جلوگیری می کند، و دماغ را باز کرده و گاهی تولید عطسه می نماید. اگر جوشانده گل مرا که در روغن جوشیده باشد در گوش بچکانید، چرک آن را از بین می برم . و برای رفع صدا کردن گوش بسیار مفید می باشم . و مالیدن گل من بر دندان لثه را محکم و درد آن را ساکت می کند. خوردن پنج گرم من سینه را پاک می کند و ورم لثه ، گلو و لوزتین را از بین می برد. مقوی معده و کبد بوده ، و از سسکه قوی جلوگیری می کنم و درمان خوبی برای یرقان هستم . یک گرم و نیم گل من با شش گرم برگ من مسهل قوی است ، «محمد بن زکریای رازی» «طیب عالی قدر ایرانی می نویسد که در خراسان دیدم گل نسترن را یک گرم و نیم تا پنج گرم می دادند. مسهل و پیشاب آور خوبی بود، مربای گل آن نیز مسهل خوبی است . ضماد گل نسرین مسقط دانه بواسیر و دافع ورم مفاصل است . ضماد گل من با حنا جهت تقویت مو و مالیدن آن در حمام بر بدن ، بدبوئی عرق را از بین برده و آن را خوشبو می نماید. مالیدن گل من کک مک را از بین می برد، و خوردن مرتب گل خشک شده من ، مانع سفید شدن مو است و «انطاکی» برای جلوگیری از سفید شدن مو است همه روزه دو مثقال مربای مرا بخورند. این مربا چنانچه گفته شد مسهل است .

### گل رعنا زیبا

فارسی من گل رعناست ، در شیراز به من گل قحبه می گویند، عربی من «ورد الحماق» است . گل من کمی بدبوست و در دسته گلهای بدبو قرار دارد. در کتب قدیم داروسازی ایران به نوع خوشبوی من هم اشاره شده است ، گل من مصرفی ندارد و بیشتر از میوه من استفاده می کنند که قوی تر از میوه گل سرخ است ، و ویتامین «ث» آن زیاد است . خوردن ۱۵ گرم در



وسط گل من قرار دارند، خونریزی را بند می آورد. در ایران انواع نسترن و نسرين زياد است ، و بطور کلی گلبرگ تمام آنها خوراکی است «به استثنا گل رعنا» و با آنها مربایی به نام گلقد می سازند که طرز تهیه آن را در گل سرخ شرح خواهیم داد. میوه همه آنها به شرحی که داده شد، قابل استفاده است و نباید آنها را دور ریخت . مخصوصا میوه نسترن وحشی که در اطراف تهران به آن تیغ می گویند، و این همان شاخه های پر خار است که پایه پیوند گلهای زینتی می باشد.

### من «راج» هستم!

فارسی من راج است ، ولی در اطراف رشت به من خج و خج ، در آستارا هس ، در دیلمان خاس و خاش ، در شهسوار کنگه می گویند. عربی من شرابه طیم و عود الخیر است میوه من به اندازه آلبالو و قرمز رنگ می باشد و دارای سه تا پنج هسته است و طعم تندی دارد، از بافتهای زیر پوست من پس از سائیدن نوعی چسب به دست می آید که مانند سریش است . برگهای من همیشه سبز بوده ، و خزان نمی کنم . گلهای درشت من به صورت مجتمع سفید یا صورتی است . از مشخصات برگهای من خاردار بودن و نک تیز آنهاست - برگ من دارای جوهر مازو «تانن»، کمی قند، صمغ و کمی موم است . برگهای من به علت داشتن جوهر مازو یک ماده دارویی پیشاب آور، ملین ، مقوی و تب بر است و در معالجه تب و لرز تجویز می شود. میوه درخت من قی آور و مسهل است و چنانچه به وسیله اطفال بلع شود، خطرناک می باشد. مقدار خوراک برگ من یک فنجان تا سه فنجان از دمکرده سی تا شصت در هزار است . گرد برگ خشک من به مقدار ۴ تا ۱۵ گرم بطور جوشانده یا محلول داده می شود.

### راج اربو

من نوعی راج هستم که در فارسی به من بارانک می گویند. درخت من خاردار بوده ، دارای گلهای سفید و قرمز است . میوه من قرمز رنگ ، کوچک و تلخ است . من دارای گونه های زیادی هستم که در سرتاسر جنگلهای شمال و همچنین در اهر و ارسباران می رویم و در طولش به من میانز می گویند. میوه درخت من دارای تانن ، مواد قندی و ترشیهای مختلف است . از میوه من برای معالجه اسهال ساده و خونی استفاده می کنند. فرنگیها به آن سوربیه ضد اسهال خونی گویند «آنتی دیزانتری».

### دیو آلبالو

در اطراف کرج به من دیو آلبالو و در قوشخانه سوختال گویند. من در اطراف کرج ، پس قلعه ، ارتفاعات البرز و ارسباران می رویم . قسمت مورد استفاده من میوه من است که عده ای آن را آلبالوی وحشی می دانند. میوه من ترش و کمی گس بوده ، و دارای تانن و ترشیهای مختلف بوده ، ضد اسهال و ضد سرفه است . ایران مانند شیروان ، از گیاه من برای تیزابی کردن کشمش استفاده میکنند. گیاه من بارتفاع ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر و گاهی بیشتر است . من دارای ساقه ای بند بند، بی کرک ، سخت و چوبی میباشم . قسمت های هوایی گیاه من دارای چند عامل دارویی است مهمترین آنها «آنابازین» نام دارد که پس از ترکیب با جوهر گوگرد بصورت سولفات در آمده ، یکی از حشره کش های قوی میباشد و از همین جهت است که آنرا برای تیزابی کردن انگور و از بین بردن انگلهای گیاهی بکار میبرند. در کشور روسیه و اتازونی از محلول ۴۰

مواد عامله ی من بمنظور مبارزه با انگلهای گیاهی استفاده میشود. ما از مطلعین شیروان و سایر شهرهائیکه از این گیاه جهت تیزابی کردن کشمکش استفاده میکنند، تقاضا داریم اسامی محلی این گیاه را برای ما بنویسند.

### اسم من «آبنوس» است!

من درختی هستم از تیره ی پروانه داران که در جزیره ی موریس ، هندوستان و ماداگاسکار، میرویم . چوب من سیاه سخت و قیمتی است ، و سنگینی آن بحدی است که زیر آب میروود. درخت من شبیه درخت عناب و به بزرگی درخت گردو است ، و میوه ی آن شبیه انگور زرد متمایل بسرخ شیرین و کمی گس بوده ، در اوایل پائیز میرسد. برگ درخت من مانند برگ صنوبر و از آن عریضتر است . تخم و گل درخت من شبیه حنا میباشد. چوب درخت من هنگام بریدن کمرنگ میباشد، ولی چون آنرا مدتی در آب بیاندازند سیاه و براق میگردد. چوب درخت من هنگام سوختن بوی خوش میدهد و این بهترین وسیله برای تشخیص نوع اصلی از انواع بدلی آن است . چنانچه چوب درخت مرا با آب بارهنگ سوده ببویند و قدری از آنرا بر پیشانی بمالند، خون دماغ را بند می آورد. سرمه خاک اره نرم من بعلت داشتن ویتامین «آ» برای درمان شب کوری بهترین دارو است ، و برای بسیاری از امراض چشم مانند ورم ملتحمه ، ناخنه ، چشم درد و آبریزش مفید بوده و مژه را تقویت میکند. پاشیدن خاک اره چوب من روی زخم خون را بند می آورد، و باعث التیام جراحات میشود. برای درمان سوختگی بهتر آنست که ابتدا سفیده ی تخم مرغ بمالند، و بعد خاک اره ی مرا پاشند تا از تاول زدن جلوگیری کند.

### آبنس های بدلی

علاوه بر نوع اصلی ، درختان دیگری در تیره پروانه داران وجود دارد که چوب آنها سیاه و شبیه آبنوس است ، به آنها آبنوس دروغی ، «شجره النحل» و قصاص و قطیس میگویند. بهترین راه تشخیص بوی بد آنها هنگام سوختن است . الوار آبنوس اصلی بیش از یک وجب نمیشود، ولی بعضی از انواع بدلی وسعت بیشتری دارند.

### من «حلبوب» هستم!

فارسی و عربی من حلبوب است ، اعراب بمن طفره هم میگویند، گیاه من بطول یک وجب است . من در شمال غربی ایران ، آذربایجان ، قره داغ ، جنگلهای حسن بگلو و همچنین در گیلان - ایسپیلی و ییلاق میرویم . نوع دیگری از من در نواحی مختلف جبال البرز بعمل میاید که ارتفاع آن تا یک متر میرسد. برگهای آن علاوه بر ساقه ، در طول ساقه نیز میروید. در صورتیکه برگهای من در سطح زمین قرار گرفته و از پهلوی آنها ساقه های خزنده بیرون آمده پیش میروند، و در محلهای مناسب تولید ریشه در زمین کرده ، گیاه جداگانه ای تولید میکنند. برگهای من پوشیده از تارهای پنبه ای است که از وسط آنها پایه گل بالا میروود. گلهای من بدون دمگل بوده ، بر روی نهنج آنها گلهای زبانه ای منظره قشنگی را بوجود میآورند. میوه من باندازه یک تخم مرغ بوده و یک دسته تار ظریف منتهی میشود. گیاه من در فاصله بین اردیبهشت تا شهریور گل میدهد، و بیشتر در چمن زارهای خشک و ماسه های لب دریا و سنگلاخها حتی نزدیک قلل کوههائیکه برف دائمی دارند بعمل میایم ، قسمت مورد

استفاده من تمام اندامهای تازه من است ، و چون خشک شوم تمام خواص خود را از دست میدهم . من دارای یک ماده تلخ - جوهر مازو - مواد قندی - مواد سفیده ای - مواد زینتی و صمغی بوده ، در خاکستر گیاه من مقدار زیادی املاح منگنز وجود دارد و مالیدن این خاکستر بر سر موهای سفید آن را مشکی می نماید. جویدن ساقه تازه گیاه من ترشح بزاق را زیاد میکند. دمکرده گلهای تازه من برای کبد مفید بوده ، خستگی عمومی بدن را کاهش میدهد و بعلاوه ادرار را زیاد کرده ، حجم آنرا دو برابر و گاهی سه برابر میکند. معذکلهک هیچگونه اثر سوئی بر روی کلیه ندارد، بهمین جهت آنرا در بیشتر امراض کلیوی مانند پیدا شدن آلبومین در ادرار، سنگ مثانه ، استسقا، خیز عمومی بدن و نقرس تجویز مینمایند و همچنین برای تنگ نفس و گریپ مفید میباشد. اندامهای مختلف گیاه من بعلت داشتن جوهر مازو برای معالجه اسهال ساده ، اسهال خونی و خونریزی های بیجا در فواصل قاعده گی سودمند می باشد. ضماذ برگهای تازه و له شده من بر روی زخمهای کهنه مفید می باشد. گیاه من دارای شیرابه ای است که ابتدا سفید بوده و بعد بعلت غلیظ شدن قهوه ای میگردد. این شیرابه جراحات را التیام می دهد و چنانچه با تجویز چشم پزشک از سرمه آن استفاده شود، قوه ی بینائی را تقویت کرده التهاب و ورم چشم را بر طرف می نماید. بهترین دستور استفاده از من آنست که صد گرم از گیاه ریشه دار بقطعات کوچک خرد کرده در یک لیتر آب جوش بمدت نیم ساعت دمکرده بعد با عسل شیرین کرده ، سه تا چهار فنجان از آنرا در روز در فواصل غذاها میل نمایند. در داروسازی جدید دو تا چهار گرم عصاره روان مرا در نیم لیتر آب مخلوط کرده ، بدفعات در ۲۴ ساعت می نوشند. گونه بلند من که در ارتفاعات البرز میرید، اشتهاآور و تب بر بوده ، سرفه را بر طرف می کند. من دارای چندین نوع دیگر هم میاشم که در ایران روئیده نمی شود و بیشتر در اروپا در دامنه ی کوههای آلپ و منطقه مدیترانه بعمل میآیند.

### من گیاه «دم اسب» هستم!

فارسی من دم اسب است ، اعراب بمن ذنب الخیل و آمسوخ گویند، و در شام مرا ذنب انفرس نامند. من از گیاهان بی گل بوده ، و در عوض دو نوع شاخه دارم . شاخه های زاینده و شاخه های ناز. شاخه های زاینده من بند بند و پر گره بوده ، و در اول بهار ظاهر می شوند. رنگ آن قرمز بوده ، و سبزینه ندارند، ولی ساقه های نازا، در اردیبهشت و خرداد ظاهر شده و رنگ سبز داشته ، باریکتر و بلندتر از شاخه های زاینده اند. من در شمال ایران ، گرگان ، بندر گز، پیر بازار و اطراف تبریز بعمل میایم و نوع دیگری از من در کردستان می روید. برگ های من در محل بندهای نازا بفواصل متوالی بصورت دسته هایی که شبیه دم است ، در میآیند و باین جهت به گیاه من که علفی است دم اسب می گویند. من دارای یک ساقه ی زیرزمینی هستم که بطور افقی دو متر در خاک نفوذ می نماید و بهمین جهت خارج کردن من با ساقه ی زیرزمینی بطور کامل مقدور نیست ، در بالای ساقه های زاینده ی من سنبله ای پر از دانه ، مرکب از قطعات فلس مانند در چند ردیف ظاهر می شود و بطوری این فلس ها بهم فشرده اند که یکپارچه بنظر می رسند. قسمت مورد استفاده از گیاه من شاخه های ناز می باشد که رنگ آنها سبز است . آنها را در فصول مساعد سال چیده ، در آفتاب یا دستگاه های خشک کننده خشک کرده ، بصورت شاخه یا گرد نگاهداری می نمایند. خاکستر گیاه من دارای مقدار ۶۴ تا ۷۰ درصد سیلیس آزاد، ولی در گیاه خشک مقدار سیلیس در حدود هفت درصد می باشد.

مقدار آن در گیاه های مسن زیادتر است . در گیاه جوان سیلیس بصورت اسید محلول می باشد، و بعلت وجود همین املاح سیلیس است که من خون را بند می آورم یکی از داروهای ضد خونریزی می باشم . داروسازان سنتی ایران بدون آنکه از وجود سیلیس در من آگاه باشند، مرا بهترین دارو برای معالجه سل و خونریزی سینه و خونریزی زنان می دانستند و از ضماد من جهت التیام جراحات و زخم های سخت استفاده می کردند، و در جراحی پس از قطع عضو یا عصب آنرا برای التیام بکار می برند. من جهت سرفه مزمن و اخلاط خونی ، استسقا، ورم کبد، بند آوردن انواع اسهال بدون تب توصیه شده ام . شیر و عصاره ی من خون دماغ را بند می آورد، برای درمان زخم معده و روده نوشیدن جوشانده این گیاه معجزه می کند. ضماد نوع کردستانی من با سرکه جهت جراحات پلید و خوردن جوشانده ای آن جهت اورام مقعد، کبد و استسقا نافع می باشد.

جوشانده ای ۳۰ تا ۵۰ گرم گیاه خشک من در یک لیتر آب پیشاب آوری قوی است . خون را بند می آورد و کمبود مواد معدنی را در بدن جبران می نماید، و بهمین علت است که بهترین دارو برای درمان سل شناخته شده است . در استعمال خارجی جوشانده من اثر ضد عفونی کننده و التیام دهنده زخم ها را دارد. جوشانده ای گیاه من مقدار ادرار را زیاد می کند و بهترین دارو برای درمان استسقا است . بعلت داشتن اثر مقوی در بیماریهای کلیه مانند عدم دفع ادرار، ورم مثانه ، سنگ کلیه و قولنج های کلیوی اثر قاطع دارم و خون را تصفیه می کنم و برای تنگ نفس مفید می باشم . من بعلت داشتن سیلیس ، قوه ای ارتجاعی پوست را زیاد می کنم و آنرا نرم می نمایم ، بهمین علت موقعیکه دست و پا کبره می بندد، می توان از من جهت از بین بردن آنها استفاده کرد.

### اسم من «جنطیانا» است !

فارسی من کوشاد و عربی من کف الذئب - دوا الخیه و قبطنی الملک است . در کتب طب سنتی بمن جنطیانا که معرب زانسیانای لاتینی است گفته اند، و چنانچه می گویند این نام منسوب به پادشاهی است بنام جنطین که برای اولین بار با استفاده از من شفا یافت . من بیش از ششصد نوع دارم ، نوع معروف آن جنطیانا رومی است که در ایران نمی روید، ولی نوعی شبیه به آن در شمال ایران مخصوصا شمال غربی آذربایجان - قره داغ - حسن بگلو - کالیبار و کوه های اهر می روید و در کتب سنتی آنرا جرمغانی خوانده اند. نوع ایرانی من گیاهی است علفی پایا که ارتفاع آن ۱۰ تا ۱۵ سانتی متر است ، ساقه آن بصورت استوانه ای ضخیم می باشد. علاوه بر ایران در اروپا و قفقاز نیز می روید و به آن جنطیانا صلیبی و یا صلیبک «صلیب کوچک» می گویند - برگهای من دراز - نک تیز بوده پنج رگبرگ متمایز دارد. گلهای من زیبا، آبی رنگ مایل به خاکستری بصورت مجتمع در کنار برگها ظاهر می شود. مرا بعلت زیبایی گلهایم پرورش می دهند. قسمت مورد استفاده ی من بیشتر ریشه گیاه من است که تب بر بوده ، و سابقا از آن برای معالجه ی هاری استفاده می کردند. محمد بن زکریای رازی و شاگردان او بنوع ایرانی من عقیده ی زیادی داشته ، و آنرا داروی بسیار مفیدی می دانستند و در بسیاری از امراض استفاده ی آنرا توصیه کرده اند، و در ساختن پادزهرها از آن و عصاره آن استفاده می نمودند. نوع رومی من از داروهای مقوی تلخ بوده ، و اشتهاآور است و با این که مسهل نیست دفع را تسهیل می نماید، و آنرا برای معالجه ی مالاریا و دفع کرمک اطفال تجویز می نمایند. ریشه من قابض بوده

و پاک کننده معده است و گرفتگی روده ها را باز می کند و قلب را از زیان سموم حفظ می نماید. پیشاب آور و مخرج حنین است. پادزهر حشرات است، و از دوستان کبد بوده، ورم آنرا برطرف می کند، خوردن یک مثقال عصاره ی ریشه ی من جهت تسکین درد پهلو و شکم و پیچیدگی اعصاب مفید می باشد. ضماد ریشه ی من با سرکه جهت از بین بردن لکه های جلدی سودمند می باشد، و گویند مالیدن آن با حنا در کف دست قاطع خون قاعدگی است. داروسازان سنتی ایران عصاره ی ریشه ی مرا در شیافهای مسکن خود وارد کرده و اثر آنرا برابر با تریاک سیاه می دانستند، تریاک سیاه چنانچه قبلا خود را در کتاب زبان خوراکیها معرفی کرده است، شیره ی نوعی شقایق است که در دامنه ی کوه های البرز بعمل آمده و بعلت داشتن تبائین یکی از مسکن های بسیار قوی است، و با آن میتوان ترکیباتی ساخت که هزار برابر مرفین قدرت تسکین دهنده داشته باشد. ربیع اخوین در کتاب راهنمای دانشجویان پزشکی که نخستین کتاب طبی بزبان فارسی است و در قرن چهارم هجری نوشته شده است، نسخه هائی جهت معالجه امراض سنگ کلیه - سیاتیک - ورم طحال و چند بیماری دیگر تجویز کرده که در همه ی آنها جنطیانا وارد شده است.

### قنطوریون باریک

داروسازان سنتی ایران به گل گندم قنطوریون بزرگ و بمن که از خانواده ی جنطیانا می باشم قنطوریون کوچک و قنطوریون باریک می گویند. عربی من مراره الحنش می باشد. در زبان فرنگی بمن ساتوری کوچک می گویند. من در آذربایجان میشواداغ - یام سردره - شن زارهای شمال ایران - اطراف رشت و سنگر - شرق و غرب ایران می رویم و یک نوع من در اصفهان - کرمان - رازمان - شمال ایران تا رضائیه و اطراف کرج می روید. در خارج از ایران می توانید انواع مرا در شمال افریقا و الجزیره پیدا کنید. در بعضی از کشورهای اروپا مرا پرورش می دهند - برگهای زیرین من بیضی نک تیز بوده، و دارای پنج تا هفت رگبرگ است، ولی برگهای قسمت بالای ساقه ی من کوچک و متقابل است. رگبرگهای من سبز مایل بزرده، گلهای من زیبا و قرمز است، و بیشتر در انتهای ساقه در یک سطح می روید، و در ماه های تیر و مرداد گلهای من ظاهر می شوند. قسمت مورد استفاده ی من کلیه اندام های هوایی من است، ولی ریشه ی من چندان مصرف ندارد، برای مصرف داروئی بهتر آنست که ساقه های هوایی مخصوصا سر شاخه های گلدار مرا هنگامی که هنوز گل دار است قطع کرده، و قسمت های نازک آنرا همراه با شاخه های گلدار در حرارت آفتاب خشک کرد. من اشتها آور - مقوی معده - صفرابر - تب بر و بطور خفیف ملین می باشم، خوردن اعضا هوایی من ضعف مزمن معده را از بین میبرد، و یبوست را معالجه می کند. حرکات دودی و ترشحات معدی را تقویت می نماید، و درد شکم را که در نتیجه ی سوء هاضمه و نفخ معده باشد، تسکین داده و از تخمیر غذا جلوگیری می کند. من برای درمان ناراحتی های کبد و کلیه مفید می باشم. کم خونی دختران و زردی رخسار آنها را معالجه می کنم، و برای اورام مفاصل - نقرس و مرض قند توصیه شده ام. ضماد له شده گیاه و گلهای تازه من جراحات را التیام می دهد - سرمه شیره گیاه تازه من همراه با عسل نور چشم را زیاد و تاریکی آنرا برطرف می نماید. یک نوع ایرانی من که نزدیک برکه ها و کنار جویبارها می روید مفیدتر بوده و چنانچه دو مثقال آنرا با هفتاد مثقال آب بجوشانند تا مقدار آب آن نصف شود و بعد با شکر یا عسل

شیرین کرده بنوشند سودا، صفرا و بلغم را دفع کرده پادزهر سموم حشرات مخصوصا عقرب است، برای هیستری - قولنج و درد مفاصل مفید است. گرفتگی جگر و سختی طحال را برطرف می کند. ضماد تازه آن برای جراحات چشم نافع است و با پیه جهت التیام زخم های تازه و کهنه مفید می باشد. عصاره آن با جوشانده ی شنبلیله جهت امراض سینه سودمند است، مالیدن عصاره آن با سرکه جهت تسکین سر دردی که در اثر آفتاب بهمرسیده باشد مفید می باشد، و چون موی سر را بانوره از بین برند، و عصاره مرا با سرکه بمالند جهت درمان زخم سر و روییدن مو نافع می باشد. مالیدن عصاره ی آن با عسل جهت دفع شپش و رشک مفید است، مالیدن عصاره ی آن با کاکنج جهت ورم چشم سودمند بوده برای تراخم نافع است، و نیز برای رفع دردهای کهنه چشم و آثار قرنیه و مو در آوردن پلک چشم مفید می باشد، و برای تراخم و جرب پلک چشم دستور داده اند که پلک را برگردانند. و به آن عصاره قنطوریون باریک و آب انار بمالند تا بفعوری بر طرف شود چکاندن این عصاره با روغن در گوش جهت ضربات گوش و با آب شفتالو جهت کرم گوش و با آب ترب جهت رفع سنگینی گوش سود فراوان دارد. مالیدن این عصاره با روغن نرگس و خردل و سرکه جهت فرو نشاندن ورم پشت گوش مفید است. چکاندن این عصاره با سرکه و آب پیاز عنصل در بینی، زخم آنرا بر طرف کرده و از خون دماغ جلوگیری می کند، مخصوصا اگر مقدار کمی زاج و کافور به آن بیافزایند، مززه عصاره من با گلاب بوی بد دهان را از بین می برد، و جوش های دهان را برطرف می کند و غرغره آن با آب بارهنگ و تاجریزی جهت ورم لوزتین نافع می باشد، و با جوشانده ی میوه سرو جهت دندان درد مفید است، حمل این عصاره قاعده آور بوده و بخور آن از کزاز جلوگیری می نماید.

### من «انگور فرنگی» هستم!

در گیلان به من گالش انگور و در مازندران دیو انگوری می گویند، و با اینکه از قدیم در شمال ایران مخصوصا نور و کجور، رود سر، دره چالوس و نواحی البرز روئیده ام، معذک این روزها به من انگور فرنگی لقب داده اند، دلیل این امر آن است که ایرانیان مرا به صورت یک میوه حتی در مازندران که زیاد به عمل می آیم نگاه نمی کنند، در صورتی که در بازارهای اروپا همیشه مرا در ردیف سایر میوه ها می گذارند. گلهای درخت من نوش فراوان داشته، زنبور عسل به آن رغبت فراوان دارد. میوه من که به صورت انگوری کوچک است، طعمی میخوش دارد و دارای ویتامینهای آ، ب و ث بوده، و سرشار از آهن و املاح معدنی است. غوره میوه من ترشی فراوان دارد، و به همین جهت خوردن آن دندانها را کند می کند و کمتر بطور خام مصرف می شود، ولی رسیده میوه من شیرین است و خام می توان آن را خورد. خوردن میوه من مسرت آور و ملین است، مخصوصا نیم رس آن خاصیت نرم کننده بیشتری دارد، و پس از رسیدن نیز به علت داشتن مواد صمغی و دانه های ریز حرکات دودی روده ها را تقویت کرده، و ضد یبوست می باشد و خوردن آن بعد از غذا سبب تحلیل آن می گردد. بهترین خاصیت قابل توجه من آن است که میوه من ضد اختناق کبد است و خوردن آن از جمع شدن خون در جگر جلوگیری می کند. زیاده روی در خوردن میوه من جایز نیست با میوه من مربا، شربت، کمپوت و ژله درست می کنند که خوردن آنها مفرح است. از میوه من مانند انگور می توان سرکه درست کرد. میوه من ادرار را زیاد می کند. برای مبتلایان به رماتیسم، نقرس و امراض جلدی و آب

آوردن انساج و سنگ کلیه مفید است . شربت من عطش راتسکین می دهد، و ژله میوه من طعم خوشی دارد. دمکرده برگ درخت من به نسبت پنجاه گرم در لیتر، چنانچه دو فنجان در روز بنوشید، اسید اوریک را کم می کند، ولی مبتلایان به زیادی اسید اوریک بهتر آن است که روزی پنج گرم برگ مرا در صد گرم آب دمکرده و ناشتا بنوشند. من انواع سیاه و قرمز نیز دارم ، ولی تاکنون در ایران دیده نشده است و به همین جهت اجازه معرفی به آنها داده نمی شود.

### اسم من «ارزن» است !

دانه هایم ، درمان کننده بیماریهای سینه است . تب بر هستم و دل درد را نیز برطرف می کنم . زیاده روی در خوردن من تولید سنگ مثانه می کند برای تصفیه خون ، از من استفاده کنید. با شیر و روغن ، مزاج را لینت می دهم . نفخ شکم و دل پیچه را می توانید با من درمان کنید...

فارسی من ارزن است ، اعراب به من دخن گویند. در آذربایجان به من دری بر وزن قری «قوری» و در فارس الم گویند. برادری دارم که در فارسی به آن گاورس ، در شیراز به آن گال گویند. اعراب آن را معرب کرده جاورس گویند و در تهران به ارزن آتنی معروف است . من و گاورس انواع مختلف داریم ، من بیشتر در آذربایجان ، بادغیس و بلوچستان بطور خودرو به عمل می آیم و در اکثر زمینهای کم قوت و شنی کاشته می شوم ، و برادرم گاورس در آذربایجان ، یزد، بلوچستان و مازندران کاشته می شود. من و برادرم گونه های مختلف داریم و من بیشتر به غذای پرندگان می رسم ، قدرت غذایی من کمتر از گاورس و فواید طبی من بیشتر از آن است و از قدیم خواص دارویی من مورد توجه بوده است . چنانچه یکی از رجال عرب می نویسد: من در مدینه دچار اسهال سخت شدم ، حضرت صادق به من دستور دادند که ارزن را با کمی زیره به صورت قاووت در آورده میل نمایم . من به این دستور عمل کرده ام و معالجه گردیدم . دانه های من درشت و پوست آنها سخت تر از دانه های گاورس است . کارخانه های داروسازی آلمان چندین داروی اختصاصی از دانه های من جهت درمان بیماریهای سینه ، اسهال و تب می سازند، در روسیه نوعی الکل از من می گیرند. دانه های گاورس چون پوستشان نرمتر است ، در بعضی از شهرهای ایران به مصرف تهیه نان می رسد و در اروپا از آن نوعی آبجو به نام «دوئو» و نوعی نوشابه به نام «کوسکو» می سازند. دانه های مقشر من شکم روش را بند می آورد و پیشاب را زیاد می کند، ولی چون دارای پوستی سخت و سلولز زیاد هستند برای تهیه نان صلاحیت ندارند. مقشر من با شیر و روغن تازه لینت می دهد، و شهوت را زیاد می کند. پزشکان سنتی ایران عقیده داشتند که زیاده روی در خوردن ارزن تولید سنگ مثانه می نماید. چنانچه آرد ارزن یا گاورس را در روغن پخته و آن را در حمامی گرم بر شکم بمالند و بنشینند تا عرق کنند و یا آنکه پارچه ای را در این روغن آغشته و آن را گرم گرم بر شکم بندید، نفخ شکم و دل پیچه و دل درد را برطرف می کند. مالیدن این روغن برای درمان بواسیر و نواسیر مفید است ، اگر گاورس را با شیر بپزند تا حلیم شود، خوردن آن خون را تصفیه می کند. بد نیست بدانید که ارزن و گاورس با اینکه به هم شباهت زیاد دارند، و اکثر مردم آنها را یکی می دانند، از نظر ترکیبات غذایی یکسان نیستند و نوع نشاسته آنها با هم فرق دارد. نسبت نشاسته در گاورس بیشتر و نسبت سلولز در ارزن زیادتر است ، روغن دانه های گاورس سبکتر از روغن موجود در دانه های ارزن است ، مواد معدنی ارزن بیشتر

از مواد معدنی گاورس می باشد، این نکته قابل توجه است که در دهات بین یزد و کاشان - بین یزد و کرمان که نان خود را با آرد گاورس درست می کنند اشخاص سالمند که سن آنها از صد سال بیشتر بوده و غالبا تندرست و با نشاط می باشند، خیلی زیاد دیده می شوند. نویسنده کتاب زبان خوراکیها که روی علل طولانی شدن عمر آنها مطالعه کرده است ، چنین می نویسد: اینها با اینکه جزو طبقات زحمتکش بوده و کار و کوشش را تا آخر عمر ادامه می دهند، معذالک غذایی بسیار ساده و کم قوت دارند. نان آنها بیشتر با آرد گاورس تهیه می شود و گوشت و چربی خیلی کم و به ندرت مصرف می کند و در عوض از لبنیات و سبزیهای گوناگون مخصوصا سبزیهای صحرایی و خودرو زیاد استفاده می کنند. نان گاورس قدرت غذایی زیادی ندارد، و حرارت بدن را بالا نمی برد و دیر هضم می باشد، کسی که نان گاورس می خورد باید حتما کار و فعالیت داشته باشد تا غذایش هضم شود و چون اشتها را سد می نماید، میل به خوردن غذاهای دیگر ندارد. خوشبختانه نان گاورس نه تنها برای معده مضر نیست ، بلکه یبوست را هم معالجه می کند و چون این غله در معده زیاد می ماند. و به تدریج جذب بدن شده و نیروی لازم را می دهد، چیزی از آن ذخیره نمی شود، و به همین جهت است که اینها همگی قلمی و لاغر اندام می باشند و استخوانی محکم دارند. فشار خونشان زیاد نیست ، و حرارت بدنشان از ۳۷ درجه کمتر است . ضربان قلب آنها کندتر از اشخاص دیگر است . هرگز دچار زیادی چربی خون ، تصلب شرائین نمی شوند و بطوری که می گویند در بین آنها کسی به سرطان مبتلا نشده است .

### درختچه ارژن

نباید لغت ارژن را با ارژن که نوعی بادام کوهی است اشتباه کرد. گونه های مختلف این گیاه در زمینهای خشک و کوهستانی اطراف تهران و کرج مخصوصا در ارتفاعات و گونه دیگری از آن در کوههای بختیاری و دشت ارژن بطور خودرو به عمل می آید. به این گیاه اعراب ارجن و ارجان گویند و در شیراز به نوعی از آن بخرک و به عربی نور البربر گویند و ارژن نوع بزرگ خاردار آن است که از آن روغن می گیرند که شیرین و خوشبو است داروسازان سنتی ایران روغن ارژن را قائم مقام زیت السودان می دانستند و معتقد بودند که این روغن خونساز و مولد خون پاک است ، اخلاط را نرم می کند و جهت امراض سوداوی ، جنون و وسواس نافع است ، مالیدن روغن آن بر بدن فالج و عضلات بیحس سودمند بوده و ورمها را فرو می نشاند.

### اسم من «کاکائو» است !

در میوه ام به قدر کافی نشاسته موجود است . از مواد معدنی نیز بی بهره نیستم . انواع روغنهای طبی را از من می گیرند. روغن من برای ترکهای پوستی و نیز ترک پاشنه پا اثر معجزه آسا دارد. از پوست دانه های من نوشابه ای بسیار مقوی می توان ساخت . گرد میوه من بهترین فرآورده غذایی جهت تقویت قوای جسمانی است .

اسم من کاکائو است ، اعراب به من لوزهندی گویند، زادگاه اولیه من آمریکای مرکزی و مکزیک است ، ولی امروزه در اکثر نواحی مستعد برای پرورش من می باشند، تاکنون نسبت به کشت من در ایران اقدام نشده است ، ارتفاع درخت من به ده متر می رسد. میوه درخت من به اندازه خیار است که در آن ۳۰ تا ۴۰ دانه وجود دارد. برای استفاده من میوه را چیده می گذارند بپوسد تا دانه ها از آن جدا گردند. دانه های من دارای پنجاه درصد روغن هستند که به نام کره کاکائو معروف است ، میوه من دارای



هشت تا ده درصد نشاسته ، یازده تا هجده درصد مواد سفیده ای ، و دو تا سه درصد کافئین ، یک تا سه درصد تئوبرومین ، و چهار درصد مواد معدنی است و به همین جهت است که گرد میوه من یکی از مواد مقوی به حساب می آید و با گرد میوه من شکلات و فرآورده های غذایی و دارویی می سازند. کره دانه های من در صنعت داروسازی جهت ساختن شیاف «اوول» و روغنهای طبی به کار می رود، و برای معالجه ترک پوست مخصوصا ترک پاشنه پا روغنی مناسبتر از روغن من نیست ، از پوست دانه های من در صنعت داروسازی تئوبرومین استخراج می کنند که یکی از داروهای پیشاب آور است . از پوست دانه ها من نوشابه های مقوی می سازند.

### من «آش انگور» هستم !

فارسی من آش انگور است به من خوشه سیاه و سیاه درخت هم می گویند در کلاردشت به من خرز در نور کجور کلی کک ، در گرگان اشنگور، در دیلمان شر، در خلخال الجاره گویند. در فرانسه مرا «نوپرن» خطاب می کنند. عربی من عوسج است ، من درختچه ای هستم از خانواده عناب به اندازه درخت انار، پر از خار و به ارتفاع شش تا هشت متر، به همین جهت به من خار درخت هم گفته اند. شاخه های نامنظم و کج و معوج من که به طور متقابل قرار دارند بهترین وسیله تشخیص من هستند. برگهای شاخه های جوان من دندانه دار با گلهای کوچک زرد مایل به سبزی است ، میوه من به اندازه یک نخود که در داخل آن شیره ای به رنگ قرمز مایل به سبز یا مایل به بنفش همراه با دو تا چهار دانه دیده میشود. شیره درخت من کمی تلخ و بدبو است . شیره میوه من مسهلی است بسیار قوی ، که معمولا آن را با شربت قند مصرف می کنند. برای به دست آوردن این شیره میوه های تازه را ۳ تا ۴ روز پس از چیدن می گذارند تا تخمیر شود. بعد آن ها را له کرده از الک یا پارچه ای می گذرانند تا کمی از مواد رنگی آن گرفته شود، و شیره ای به رنگ سبز مایل به بنفش در آید. مقدار خوراک این شیره پنج گرم بوده ، و در صنعت داروسازی شربتی از آن می سازند و به نام شربت «نوپرن» معروف بوده ، و مقدار خوراک آن ده تا پنجاه گرم در ۲۴ ساعت برای اشخاص بالغ است . مقدار خوراک این شربت برای اطفال دو گرم در ضرب در سن آنها است ، میوه من در جمیع احوال دارای خواص برگ من است که شرح آن داده خواهد شد.

چکاندن آب برگ من در چشم هفت روز پی در پی جهت رفع سفیدک چشم خواه تازه باشد خواه کهنه مجرب است و چون میوه مرا بکوبند و آب آن را گرفته ، و صاف کرده و خشک نمایند و در موقع لزوم مقدار یک گرم آن را با سفیده تخم مرغ و شیر سوده در چشم بچکانند، جهت رفع سفیدی و درد چشم نافع است . مالیدن ضماد برگ من بر پیشانی از چشم درد جلوگیری می کند، و پرورده آن بهترین توتیاست و چون برگ مرا بجوشانند تا عصاره آن گرفته شود، بعد صاف نموده بجوشانند تا غلیظ گردد، جهت رفع لکه سفیدی چشم موثر است . جوییدن برگ درخت من جهت جوشهای دهان سودمند می باشد. ضماد برگ تازه من جهت باد سرخ نافع است . خوردن عصاره برگ من جهت جرب و تسکین التهاب صفرا سود فراوان دارد. یکی از طرق معالجه جذام در طب سنتی ایران چنین بود که بیخه درخت مرا گرفته ، ریزریز کرده ، هر روز ۷/۵ مثقال آن را با یک لیتر آب می جوشانید تا مقدار آن یک سوم شود، سپس صاف کرده می نوشیدند، تا چهار پنج بار عمل کند و دفع سودای سوخته

نماید، معمولا دو روز پی در پی به بیمار جذامی قلیه گوشت با اسفناج می دادند و روز سوم جوشانده فوق را می نوشیدند و روز بعد به حمام می رفت و از روز بعد دوباره این عمل را تکرار می کردند.

«انطاکی» این جوشانده را جهت معالجه جرب و خارش مفید می داند، پوست درخت و دانه های میوه من هم اثر ملین و مسهلی دارند. معمولا خوراک دانه های میوه من چهار گرم است برای درمان یبوستهای مزمن می توان از جوشانده پوست ساقه های قدیمی من یک فنجان قبل از غذا نوشید.

### سیاه توسکا

فارسی من «سیاه توسه» است به من «سیاه توسکا» هم می گویند، عربی من «عوسج اسود» است و عده ای از اعراب به من «شجر حب الشوم» می گویند. درخت من شبیه درخت آش انگور ولی بدون خار است، من در جنگلهای شمال ایران و جنگلهای مرکزی و شمالی اروپا و جنگلهای سیبری می رویم. پوست ساقه های من صاف تیره رنگ و دارای لکه های مخصوص به صورت راه راه است. گلهای من کوچک به رنگ سبز مایل به قرمز می باشند. میوه من از عناب کوچکتر بوده، و پس از رسیدن سیاهرنگ می شود.

پوست درخت من دارای اثر مسهلی است، پرورش گیاه من به صورت یک گیاه زیتنی اخیرا معمول شده و قسمت مورد استفاده من پوست ساقه و سر شاخه های من است که در ماههای خرداد تا مرداد باید آنها را چید و پوست ساقه های آنها را به صورت نوار بریده و خشک کرد. این نوارها دارای بویی ضعیف و طعمی لعابی است که بعدا رفع می شود. ساقه های سه تا چهار ساله دارای حداکثر خاصیت است. پوست درخت من به مقدار زیاد مسهل و به مقدار کم ملین است و معمولا آن را به جای «سنا» به کار می برند، اثر آن در درمان یبوستهای مزمن انکار ناپذیر و قابل توجه است. جوشانده غلیظ پوست من در استعمال خارجی برای معالجه کچلی، جرب، سودا و اولسرها مفید است. مقدار خوراک گرد پوست من یک تا سه گرم به صورت کاشه و جوشانده دو تا چهار گرم در صد گرم آب آن را می توان قبل از خواب نوشید، مشروط بر اینکه زیاد نجوشد، و پس از جوشیدن دوازده ساعت در جای خنک گذاشته شود، امروزه از پوست گیاه من در کارخانه های بزرگ داروسازی داروهای اختصاصی زیادی درست می کنند و می توان آن را به مقدار زیادی صادر کرد.

### اسم من «شبدرد» است!

اگر از عصاره من سرمه تهیه کنید، برای چشم بسیار نافع هستم، بذر من را برای از بین بردن کک مک صورت تجویز کنید. ضد تشنج هستم و شکوفه هایم تنگ نفس را درمان می کند، اگر از سکتة قلبی می ترسید، از من استفاده کنید...

فارسی من شبدرد است، در مازندران به من شرویت گویند. به نوع بیابانی و وحشی من در فارسی «دیواسپست» صحرايي و به شیرازی «ادقوقو» نامند. عربی بستانی من دزق و بیابانی آن حباقا می باشد و در کتب قدیم به نام حندقوقی یاد شده ام، من دارای گونه سفید و گونه قرمز می باشم و این نامگذاری به اعتبار رنگ گلهای ما است، ذوثلاث الوان و ذوحمس الوان هم از گونه های مختلف ما می باشد و روی هم تاکنون پانزده گونه از ما دیده شده است که همه آنها علوفه حیوانات می باشد، ولی

شبر و حشی شباهت زیاد به شنبلیله داشته و برگهای آن را مانند سبزیهای خوراکی می توان خورد و در داروسازی جدید از شبر گل قرمز زیاد تعریف می شود، ولی داروسازان سنتی ایران شبر گل سفید را مفیدتر می دانند. سرمه عصاره نوع بساتانی من جهت درمان زخم چشم و سفیدک آن مفید است. نوشیدن آب ساقه گیاه من با شراب جهت استسقاء و یرقان توصیه شده است برای رفع قولنج - دل پیچه و دمل نافع است. کمی ملین و اشتهاآور است، خوردن برگ پخته من که با کمی روغن بریان شده باشد و آب مقطر برگ من برای استسقا تجویز می شود. اگر برگ مرا در روغن زیتون بجوشانید این روغن برای درد ورم مفاصل و ورم بیضه سودمند می باشد، بذر گیاه من مهیج باه و مالیدن آن جهت پاک کردن کک مک به کار میرود، مقدار خوراک بذر من پنج گرم است.

شبر گل قرمز که آن را شبر کوهی می گویند، دارای برگ بزرگتر و بدطعم است. قسمت مورد استفاده آن گل و شکوفه های خشک شده آن می باشد که بوی خوشی دارند. این شبر فقط در زمینهای قوی به عمل می آید، و باید به آن کودهای پتاسمی و فسفوری داد، ولی احتیاجی به کودهای ازتی ندارد، زیرا خود سازنده آن می باشد و اجازه فرماید خودش را معرفی کند. من دارای ترکیبات شیمیایی زیاد و قابل توجه می باشم، برگهای من دارای مواد سفیده ای زیاد است. داری روغن، قند و املاح معدنی مانند کلسیم، منیزی، پتاس، سرب، فسفر، گوگرد، سیلیس، سدیم، آهن، آلومینوم، منگنز، روی، مس، سرب، نیکل، کوبالت می باشم برگهای من کلسیم زیادتری دارند، ولی پس از رسیدن فسفر آن کم می شود. من دارای ویتامینها «ب» «ا» و «ای» و ویتامین «کا» هستم. وجود اسید سالسیلیک و یک ماده دارویی ضد قارچ در برگهای من قابل توجه است. خاصیت گیاه من جهت جلوگیری از انفاکتوس «سکته قلبی» و طول عمر اهمیت زیاد دارد. در رنگرزی نیز از مواد رنگی من جهت رنگ کردن پشم و پنبه استفاده می نمایند، جوشانده - شربت و عصاره شکوفه گلهای من ضد تشنج و خلطآور بوده، برای درمان سیاه سرفه، برنشیت تجویز می شوند. از عصاره گیاه من به صورت ضماد برای درمان سیاه سرفه، برنشیت می شوند. دمکرده شکوفه های من ضد تنگ نفس می باشد. خلاصه می توان گفت من به علت داشتن ویتامینهای گوناگون و املاح مختلف زیاد، اهمیت به - سزایی دارم.

چکاندن آب ساقه من در بینی جهت هیستری و جنون و مالیدن آن بر محل نیش عقرب، جهت سرعت حرکت اطفال و شستشوی آب آن جهت باز شدن بشره مفید است، بذر شبر قرمز شهوت را زیاد می کند، و مالیدن آن بر صورت برای رفع کک مک موثرتر از نوع بستانی و سفید است. در کتاب دستور - الاطبا نوشته شده است که چون ریشه شبر را در سایه خشک کرده، و آن را با آب و گلاب بسایند و در چشم کنند، جهت در آمدن موی مژگان ریخته و آبریزش چشم و تراخم مفید است.

### من «کور» هستم!

فارسی من «کور» بر وزن سفر می باشد. به من «کورک» هم می گویند. اعراب مرا معرب کرده «کبر» خطاب می کنند. من در دامنه البرز و کوههای فارس و بلوچستان می رویم. زادگاه اصلی من ایران و بعضی از کشورهای همسایه است. ولی امروز به علت داشتن گلهای قشنگ و منافع دارویی مرا در سایر قاره ها نیز پرورش داده اند. برگهای من دارای دو زایده خار مانند

است . گلهای درشت من به رنگ سفید مایل به گلی می باشد و پس از شکفتن منظره ای زیبا به وجود می آورند. در وسط گل من تعدادی پرچم بلند دیده می شود، میوه من به قدر خیار کوچکی است و به آن خیار کثیر گویند. این میوه پس از رسیدن قرمز رنگ می شود و اهالی خوزستان به آن لگجی میگویند.

قسمت مورد استفاده من جوانه های مولد گل است که بایستی آنها را قبل از گل کردن چید و سه ماه در سرکه نگاه داشت و یا مدتی در آب نمک انداخته و پرورده نمود تا سفید و شیررس شود و بعلاوه در طب سنتی ایران از ریشه و پوست ریشه من استفاده می نمودند.

پوست ریشه من جهت کبد و طحال مفید است ، و از آن به عنوان پیشاب آور قابض و مقوی استفاده می کنند - در موارد آب آوردن انساج - کم خونی و رنگ پریدگی دختران جوان - ضعف اعصاب و هیستری تجویز می شود و اثر آن در باز کردن عادت ماهانه دختران جوان در موارد قطع قاعدگی به تجربه رسیده است . جوانه ناشکفته من پیشتاب آور قوی است ، و در الجزیره برای درمان نقرس جوشانده آن را تجویز می کنند.

ریشه من قوی تر از سایر اعضای من می باشد، و در امراض سرد دماغی مانند قولنج ، بیحسی اعضا و دردهای مفاصل ، نقرس و سیاتیک نافع است .

جویدن پوست ریشه من رطوبات دماغ را از بین می برد، و مضمضه جوشانده آن مسکن درد دندان است . عصاره ریشه من اگر در گوش چکانده شود، درد آن را ساکت می کند. شستن سر با آب جوشانده من مانع کچلی است و جوشانده ریشه من همراه با ادویه خوشبو مانند سنبل الطیب و اسطوخودوس محلل بلغم سینه و خلطآور است . نمک پروده ریشه من جهت ریه مفید بوده و باز کننده طحال و مسهل و اخلاط خام است . کرم معده و روده ها را می کشد و عادت ماهانه زنان و دختران را باز می کند و زیاد کننده شهوت مردان است . خوردن نمک پروده آن پیش از غذا محلل خوبی است و بهترین دوا برای سپرز است . نوشیدن آب برگ من نیز کشنده اقسام کرم معده و روده است و شیرین نکرده آن برای زیاد شدن شهوت بهتر از نمک پروده آن است - ضماد پوست ریشه من جهت درمان خنازیر و ورمهای سخت و با سرکه جهت تومورهای سخت و بدخیم سودمند می باشد. جوشانده آن تریاق اکثر سموم است .

مقدار خوراک برگ من دوازده گرم و مقدار خوراک ریشه من تا هفت مثقال است .

### اسم من «نیلوفر آبی» است !

بوییدن گل من تقویت کننده قلب است . برای یک خواب راحت گل مرا ببویید و نتیجه اش را ببینید. اگر از زخم روده رنج می برید، از گل و ریشه ام استفاده برید. عرق گل من تسکین دهنده سردرد است . از دانه های من برای جلوگیری از خونریزی مثانه و درد آن سود برید.

این روزها در زبان فارسی به من نیلوفر آبی می گویند، ولی در زبان فارسی نیلوفر فقط به من اطلاق می شود و گیاهی که این روزها به نام گل نیلوفر معروف است ، نیلوفر بیابانی بوده است . عربی من کرنب الماء و حشیشه السمک می باشد. من در

مردابها و در استخرها و حوضها و تالابهای راکد می رویم و بطور خودرو از قدیم در آبهای راکد شمال ایران، مخصوصا اطراف رشت و پهلوی به عمل می آمد.

ساقه من نرم، تو خالی و به اندازه عمق آب است، و تا چهار متر می رسد. برگ من پهن بوده و بر سطح آب فرش می شود. گل من خارج از آب به رنگهای سفید، سرخ، آبی، ارغوانی، زرد و نیلی دیده می شود و بعد از ریختن گلبرگها تبدیل به میوه ای به اندازه یک سیب می شود که داری دانه هایی است که داروسازان سنتی ایران به آن «حب العروس» می گفتند و در هند آنها پخته می خورند.

من دارای انواع و اقسام می باشم که عموما آبی می باشند. ساقه های انواع من که بر کف حوضها و برکه ها و استخرها می خزند، در مداوا به عنوان قابض به کار می روند، از دانه های من جهت جلوگیری از ازدیاد شهوت استفاده می کنند. یک نوع من گل آب نامیده می شود که دارای گلهای رنگارنگ است. نوع دیگر من نیلوفر بزرگ است که پهنای برگ آن به دو متر می رسد و چون لبه های آن بالا می آید، به شکل قایق کوچکی می شود که می توان یک بچه را در وسط آن خوابانید. گلهای این نوع نیز بزرگ است - میوه این نوع کروی و خاردار می باشد و دانه های آن که به ذرت آبی معروف است، دارای نشاسته بوده و خوراکی است. نیلوفر آبی سفید که اعراب به آن حشیشه السمک «گیاه ماهی» گویند. دارای گلهای سفید است. نوع هندی من مانند نیلوفر آبی معمولی است. با این فرق که برگها و ساقه های آن به اندازه یک متر از سطح آب بالا می آید و دانه های آن دارای نشاسته بوده و به باقالای مصری معروف است. ولی اعراب به آن «الغول مصری» گویند.

تمام قسمتهای انواع گیاه من دارای جوهر مازو است. در دانه ها و جوانه های گل من عوامل دارویی زیاد است که یک نوع آن از سموم قلبی است و عضلات قلب را منقبض می کند. بیخ گیاه من دارای اثر ضد تشنج می باشد، بوییدن گل من مقوی قلب و دماغ است و کمی مسکن و خواب آور می باشد. سردرد را ساکت می کند و خوردن آن برای درمان، سرفه، نزله، و سختی سینه نافع است. نگاه داشتن کمی از بیخ من در دهان، محلل ورم گلو است. ضماد گل من بر سر مسکن حرارت آن است. خوردن گل و ریشه من شکم را بند می آورد و برای زخم روده مفید است، سیلان منی را بند می آورد و آن را خشک می کند و مسکن شهوت و مانع احتلام است. خوردن گل و گلاب من جهت حصبه بعد از بروز دانه ها مفید است، ولی خوردن آن قبل از بروز دانه ها جایز نیست چون مانع بیرون آمدن آنها است، ضماد بیخ من نافع است، و با غسل جهت داءالثعلب تجویز شده است. دانه های من مضعف و منجمد کننده ترشحات جنسی است، و خوردن آن جهت رفع ترشحات رحم و ضماد آن مانع خونریزی و درد مثانه و درد قاعدگی می باشد. شربت نیلوفر آبی جهت سردرد و تبهای صفراوی و سرفه و ذات الجنب و ذات الریه و خشونت سینه تجویز می شود و دستور ساختن آن چنین است: گل نیلوفر تازه را در چهار برابر وزن آن بخیسانید و بخوشانید، و بعد از صاف کردن با مقداری قند به قوام آورید و اگر گل تازه نباشد، گل خشک را در هشت برابر آب خیس کنید. عرق گل من مسکن سردرد و تبهای صفراوی و تبهای شدید و ذات الجنب است. برای تهیه آن گل مرا در چهار برابر آب خیس کنید و تقطیر نمایید.

### من «وشا» هستم!

من صمغ گیاهی هستم که به فارسی به آن اشه اشک و کندل می گویند. عربی من اشق معرب اشه می باشد. فرنگیها به من "گم" امونیاک" گویند و همچنین مرا از گیاه دیگری که در باد قیس به کمای اسب معروف است، می گیرند ولی معلوم نیست خواص ما یکی باشد.

من در " ایزد خواست اصفهان "کوه کهرود، نواحی کوهستانی کرمان و زرند کرمان، نوکواه و بلوچستان می رویم و کمای در باد قیس، کوه الوند، اطراف اصفهان، کهگیلویه، دنا و اشترانکوه می روید.

من همان صمغی هستم که معمولا در ایران مرا همراه با اسفند دود می کنند و بوی آنرا برای رفع چشم زخم مفید می دانند. من در اثر شکاف طبیعی یا مصنوعی که در ساقه ها و یقه گیاه بوجود می آید بیرون می آیم و بهتر است با ابزارهای مخصوص شکافهای متعدد بر ساقه های من ایجاد کنند تا صمغ بیشتری بگیرند ولی این عمل تیغ زدن بایستی قبل از گل دادن گیاه من صورت گیرد و چون مقدار صمغ در ریشه من زیاد است، در یقه گیاه من «قسمتی که ریشه از ساقه جدا می شود» همیشه مقدار زیادی صمغ توده می شود. ولی چون با خس و خاشاک مخلوط است، به مرغوبی صمغهای اشکی که از شکاف شاخه ها می چکد نیست. صمغ من کمی معطر بوده و در اثر گرمای هوا نرم می شود و با آب ممزوج می گردد. من مقوی، قاعده آور، خلطآور، و برای رفع حساسیت اثر قطعی دارم، و در صنعت داروسازی از من فراورده های بسیاری جهت جلوگیری و درمان حساسیت، برنشیت مزمن، تنگی نفس «آسم» و امراض ریوی می سازند که در داروخانه ها به اسامی مختلف مشهور می باشند. در طب قدیم در ماهیت من اختلاف کرده اند و فواید زیادی را به من نسبت داده اند، و چون علت اصلی بسیاری از بیماریها حساسیت است، برای بیماریهایی که ناشی از حساسیت می باشند سود فراوانی دارم و روی هم رفته، برای رفع کهیر دارویی مؤثرتر از من نیست، و از راه نوشیدن و شستشوی بدن هر دو مؤثر می باشد. نوشیدن آب و خوردن من کرم روده را می کشد و رطوبت معده را از بین می برد. خوردن آن با سرکه جهت سپرز و جوشانده جو جهت تنگی نفس و امراض ریوی و با عسل جهت صرع «هیستری» و زهکشی رطوبات سینه نافع است، خوردن من به مقدار کم بعد از داروهای مسهل، بر طرف کننده مضار آنها می باشد.

من مسکن درد کمر و عرق النساء «سیاتیک» می باشم و ضماد من با سرکه مفاصل را نرم می کند و کک و مک و آثار سیاهی پوست را برطرف می کند. اگر سر شما شوره می زند مرا با کمی حنا مخلوط کرده و به سر بمالید تا بر طرف شود. سرمه کردن صمغ من برای رفع رطوبت چشم و جوش پلک مفید است. مرهم من جهت از بین بردن گوشت زیادی و رویاندن گوشت تازه سودمند می باشد. مقدار خوراک من از نیم مثقال تا یک مثقال است و زیادی آن برای معده و کلیه ضرر دارد.

### ما «خارهای دارویی» هستیم

شش شاخ: اشتها رازیاد می کنم، پادزهر سموم هستم، برای نفخ معده مفیدم.  
خار مزرعه: برای معالجه هاری مفیدم، ورم چشم را بر طرف می کنم، ریشه ام بسیار قوی است.

کنگر بزرگ : در درمان ذات الجنب اثر فراوان دارم . مرا برای معالجه سرطان مفید می دانند. برای خونریزی معده از من استفاده کنید.

خارمهک : ضد تشنج هستم . حرارت بدن را زیاد می کنم . اثر زهر را از بین می برم .

### شش شاخ

فارسی من شش شاخ است ، در مازندران به من " رولنگ " و در شهسوار " ششاک " گویند که در واقع شش شاخ است . عربی من " قرصنه مسدس " است . در داروسازی سنتی ایران به بسیاری از خارهای دارویی که تعداد آنها از ده گونه بیشتر است ، قرصنه گویند، ولی مراد از مطلق آن من می باشم . گیاه من خاردار و از تیره چتریان است ، دارای برگهای بزرگ با بریدگیهای عمیق می باشد. لبه برگهای من مژرس و هر لبه به خاری منتهی می شود و بعلاوه تمام قسمتهای گیاه من حتی گل آن خاردار است . برگهای من قهوه ای رنگ و کله قندی بوده ، بوی هویج می دهد و در بعضی از انواع بیابانی من تا عمق دو متری در زمین فرو می رود. گلهای من با اینکه نوش فراوان دارد، مورد استفاده زنبور عسل نیست . قسمتهای هوایی گیاه مرا هنگامی که تر و تازه است ، می توان پخته و خورد و بهترین سبزی خورشتی است . تمام قسمتهای گیاه من پیشاب آور و ملین بوده ، و اشتها را زیاد می کند و عادت ماهانه بانوان را باز می نمایند. خوردن بیخ من اشتها و شهوت را زیاد می کند و پادزهر سموم است ، و جوشانده آن مسکن درد پهلو است . آشامیدن جوشانده بیخ من با شکر، بادشکن بوده و جهت از بین بردن نفخ و درد پهلو مفید است . ادرار، شیر و عرق را زیاد می کند و سنگ کلیه و مثانه را می ریزاند و برای دلپیچه نافع است . مربای بیخ تازه من خوشبو کننده شکم و محرک باه است . عصاره بیخ من باز کننده حیض است . عصاره بیخ من باز کننده حیض است ، ضماد بیخ من با آرد جو و برگ کاسنی نرم کننده ورمهای سخت می باشد.

### خاره زرعه

فارسی من خار مزرعه و عربی من «شوکة البواسیر» است . به من علف دوالی هم می گویند. گیاه من به طول ۱/۵ تا ۰/۴ متر است که غالباً در کنار جاده ها و اماکن بایر می رویم . پیدا شدن من در کشتزارها زیان آور است ، زیرا قطعات ریشه من می توانند تبدیل به گیاه جدید شده ، تمام سطح مزرعه را بگیرد. برگهای من دارای بریدگیهای عمیق است که بریدگیهای آن به یک تیغ سوزنی منتهی می شود. مجموعه گلهای من مانند تاجی کوچک از گلهای لوله ای ارغوانی رنگ تشکیل می شود، فرق من با «کنگر خر» در آرایش گل بوده و برگها به صورت زائده ای بال مانند نیست . گلهای من به دو صورت متفاوت است ، بعضی دارای پرچم و بعضی دارای مادگی است ، و زیر مجموعه و گلهای من زائده هایی قهوه ای رنگ بیضی مانند دیده می شود که در نصف قسمت آزاد آنها، یک خط برجسته دیده می شود، و همین امر می تواند باعث تشخیص من شود و یکی دیگر از نشانه های تشخیص من آن است که انشعابات ساقه گیاه من در قسمت بالای ساقه است . زنبور عسل به نوش گلهای من علاقه زیاد دارد. من در کرج ، اطراف تهران ، اراضی سنگلاخ اراک ، اصفهان ، ازنا، لرستان و مغرب ایران می رویم . سابقاً از من جهت معالجه هاری زیاد استفاده می کردند. ریشه من مقوی و پیشاب آور است ، اشتها را زیاد می کند و برای معالجه بیماریهای پوستی

تجویز می شود. سرمه آبی که در محل گودی اتصال برگهای من جمع می شود، ورم چشم را از بین می برد و مالیدن آن پوست را نرم و لطیف می کند.

### کنگر بزرگ

من کنگر بزرگ هستم که کنگره معمولی در معرفی خود به من اشاره کرد. در فارسی به من چرخه و در بعضی از شهرها "کنگر" می گویند. خر در فارسی به معنی بزرگ است، ولی فرنگیها بدون توجه به این موضوع گنکر خر را ترجمه کرده و نامی روی من گذاشته اند که "خارخران" معنی می دهد عربی من "شکاعی" و طوبه و شوک الحمار است. من در شمال غربی ایران، تبریز، رضائیه، نواحی مختلف البرز مثل گچسر، دماوند و کوههای کردستان می رویم. ساقه گیاه من یک تا دو متر قد می کشد و پوشیده از تارهای پنبه ای سفید است که ظاهرا آن را کاملا مشخص می نماید. ساقه گیاه من انشعاب کم دارد. و دارای کناره های بال مانند است که همه خاردار می باشند. برگهای من بزرگ بوده و دارای کنگره های بال مانند است که همه خاردار و نوک تیز است. مجموعه گلهای من بزرگ بوده از گلهای لوله ای قرمز تشکیل شده و دارای تارهای پنبه ای است که به نوکی دراز و خمیده منتهی می شود. میوه من سفت، خاکستری و با لکه های سیاه است، و یک دسته تارهای خرمایی رنگ بر سر آن قرار دارد. مرا به علت قشنگی و داشتن گلهای بزرگ و ظاهری سفید، در باغچه ها پرورش می دهند. و زنبوران عسل از نوش من بهره برداری زیاد می نمایند. دانه های من ۲۵ درصد روغن قابل استخراج دارند. جوشانده ریشه من پیشاب آور، مقوی معده و اشتها آور بوده و برای درمان ذات الجنب مفید است. شیره گیاه و برگهای تازه له شده من برای درمان زخمهای جلدی و کچلی تجویز می شوند، و برای جذب و اولسره های ناحیه صورت مفید می باشد. عده ای مرا جهت معالجه سرطان مفید می دانند. قوت قبض ریشه من زیادتیر از «بارآورد» می باشد. بیخ و میوه من جهت جلوگیری از خونریزی سینه به کار می رود. جوشانده آن جهت معالجه امراض کبد و تبهای کهنه، مخصوصا در اطفال نافع است. جهت معالجه رعشه و فلج نیز توصیه شده است. برای معالجه جزام، برص و لکه های سیاه جلدی و قطع ترشحات زنانه می توانید از جوشانده قسمتهای هوایی و بیخ من استفاده کنید.

### خارمهک

من نوعی کنگر خر می باشم که در جنوب ایران، مخصوصا سیستان و بلوچستان روئیده و به زبان شیرازی به من خارمهک می گویند. عربی من «راس الشیخ» است ولی در کتب داروسازی قدیم «افسون» ذکر کرده اند. گل و برگ من شبیه به «بارآورد» ولی ساق من کوتاهتر است و هنگام تری آن را پوست کنده و می خورند. گل من پر خار و خارهای دو طرف برگ من مانند سوزن و تخم میوه من زرد و ریز است، و چون بیخ مرا بچونند احساس گرمی زیاد می شود. خوردن یک مثقال از برگ من جهت درمان کزاز و تشنج امتلابی مفید است، ضماد برگ من جهت نرم کردن اورام گردن و بیخ ران به کار می رود. مقدار خوراک بذر من سه گرم و برگ من هشت گرم می باشد.



## اسم من «سندروس» است!

از خونریزی معده جلوگیری می‌کنم . دشمن کرم کدو هستم . اگر مرا با سکنجبین بخورید از چاق شدنتان جلوگیری می‌کنم . سرمه من با غسل تراخم را مداوا می‌کند. ضد شب کوری هستم . فارسی و عربی من سندروس است . ولی عوام اشتباهاً مرا نوع کهربا می‌دانند. در صورتی که من صمغ نوعی سرو کوهی هستم که در مراکش و اطراف اقیانوس اطلس زیاد است و کسانی که مرا معدنی تصور کرده و نوشته‌اند که من در وسط دریا از زمین می‌جوشم صحیح نیست . گیاه من در اسپانیا هم می‌روید ولی صمغ نمی‌دهد علاوه بر مصرف دارویی و صنعتی با صمغ من دانه‌های تسییح ، گردن بند و سایر قطعات زینتی می‌سازند. صمغ من در روغن محلول است ، مخصوصاً اگر آن را بجوشانند. سابقاً مرا در روغن بزرگ حل کرده و روغنی به نام روغن کمان می‌ساختند که از آن برای چرب کردن کمانها استفاده می‌شد و هنوز هم برای کمان حلاجی مصرف می‌شود. در هند مرا در روغن کنجد حل کرده و در نقاشی به کار می‌برند و بر پارچه حریر می‌مالند و با آن موم جامع می‌سازند. داروسازان سنتی ایران با من روغنی می‌ساختند به نام دهن - الصوانی که نسخه آن در قرابادین نوشته شده است . صمغ من خشک ، شکننده شفاف به رنگ زرد لیمویی است و شبیه مصطکی می‌باشد. بو و طعم آن رزینی است و دارای یک درصد اسانس می‌باشد. کهربا ضمن معرفی خود اختلاف ظاهری خود را با من شرح داد و به همین جهت در اینجا تکرار نمی‌نمایم . گاهی در قطعات من اجساد کرم و پشه دیده می‌شود. زیرا این حشرات وقتی من از درخت مترشح می‌شوم روی من نشسته و می‌چسبند. من از خونریزی سینه و معده جلوگیری می‌کنم ، و درمان اسهال خونی می‌باشم . بلغم معده و روده را از بین می‌برم . کرم روده و کرم کدو را می‌کشم و قاعده زنان را باز می‌نمایم . برای درمان خفقان ، تنگ نفس و بواسیر مزمن مرا تجویز کرده‌اند. خوردن من با کمی سکنجبین جهت رفع چاقی مفید است ، و با سرکه جهت اسقاط جنین مرده توصیه کرده‌اند. سرمه من با غسل جهت سفیدی و زخم چشم و تراخم مجرب است . برای درمان شب کوری کمی از مرا روی جگر گوسفند یا حیوان دیگر بپاشید و آن را بر روی آتش بریان کنید و آن که از آن خارج می‌شود گرفته ، و در چشم بکشید. چکاندن آن در گوش برای تسکین درد و ناشنوایی آن مفید می‌باشد صمغ من برای التیام جراحات مخصوصاً محلول در روغن زیتون به کار می‌رود. بخور من با «عود» یا به تنهایی جهت رفع سردرد و معالجه زکام و جلوگیری از سرما خوردگی نافع است ، برای ساختن خمیر دندانهای طبی که برای جلوگیری از خونریزی به کار می‌رود، صمغ مرا داخل می‌نمایند. محلول من در روغن بادام جهت ترک پوست و شقاق مقعد مفید می‌باشد. فرزجه آن جهت اسقاط جنین مرده مجرب است . در صنعت از صمغ من در ساختن ورنیهای مختلف استفاده می‌شود.

## صمغ ناشتار

درخت من در بلوچستان ، اطراف تخت سلیمان می‌روید. درخت من پنجاه متر طول و یک متر و نیم قطر دارد و بیش از پانصد سال عمر می‌کند، و زبان محلی به آن ناشتار می‌گویند. با ایجاد شکافی در تنه درخت من صمغی از آن خارج می‌شود که در

صنعت داروسازی با آن مشمع می سازند و چون در اثر گرما روان می شود آن را مخلوط با موم می نمایند. صمغ من معطر و نیمه روان است ، ولی پس از خارج شدن از درخت به سرعت منجمد می شود و بوی قوی و مخصوص پیدا می کند.

### من «اگیر ترکی» هستم!

فارسی من سوسن زرد و سوسن باتلاقی است ، ولی بیشتر به من اگر - اگیر ترکی و اکسیر ترکی می گویند. علت نسبت من به ترکی برای آن است که سابقا مرا از تاتارستان که زبان آنها ترکی است می آورند، ولی بهترین نوع من در بلوچستان به عمل می آید. مخصوصا در تپه های یوب و جلوان که به زبان محلی به آن کول می گویند. عربی من قصب الذریره ، ترکی من بچه و به زبان فرنگی آکور می باشد. در کتب قدیم به من وج ، باش ، آلوا و اشباطه خطاب کرده اند. گیاه من شباهت زیادی به زنبق دارد، گلهای آن زرد رنگ بوده و در انتهای ساقه قرار دارند. قسمت مورد استفاده من ساقه زیرزمینی من است که آن را به غلط ریشه می گویند، و ما به پیروی از داروسازان سنتی ایران آن را بیخ خطاب می نمایم ، چه آنها به کلیه ساقه های زیرزمینی بیخ می گفتند. بیخ من سفید - خوشبو و گره دار است . عطر آن را در بازار به نام عطر سوسن زرد می فروشند. طعم بیخ من ابتدا گرم و سوزان و بعد تند و تلخ می شود. بیخ من دارای صمغ و لعاب بوده و چندین عامل موثر دارویی دارد. محرک و مقوی باه و معده بوده ، برای رفع نزله مفید است . برای سوء هاضمه که منشا اصلی نارسایی اعمال معده باشد، داروی بسیار خوبی است برای درمان رماتیسم ، نقرس ، لنفاویسم تجویز می شود. جوشانده من برای رفع خوردن دماغ و خونریزی رحمی مفید است و برای کبد سودمند می باشد.

بیخ من دافع بلغم ، ضد عفونی کننده ، بادشکن و پادزهر سموم است . خوردن من با مصطکی جهت زه کشی دماغ و همچنین جهت فلج ، بی حسی اعضا، استسقا و لکنت زبان نافع می باشد. جویدن و در دهان نگه داشتن آن سبب زود به حرف آمدن اطفال می شود، و برای این کار بهتر است که آن را ریزریز کرده ، اندک اندک در دهان کودک گذاشت و خورانید، این عمل برای تسکین درد دندان نیز مفید می باشد. سرمه آن برای برطرف کردن لکه سفیدی چشم و غلظت قرنیه و جلای چشم و رفع تاری و ظلمت آن تجویز می شود، و برای این کار بهتر است از عصاره تازه آن استفاده شود. خوردن آن جهت تقویت حافظه و کم شدن رطوبات دماغ و معده و زهکشی شکم و تصفیه خون و صفرا و درد سینه ، درد پهلو و سرفه سود فراوان دارد. نفخ معده را از بین می برد و کبد را تقویت می کند و برای طحال نافع است ، همچنین برای دل پیچه ، درد معده ، قطره قطره آمدن ادرار، سنگ کلیه و مثانه سودمند است . ادرار و حیض را باز می کند. ضماد آن جهت درمان فلج ، رعشه ، درد مفاصل توصیه شده است . فرزجه آن یا شیر مادیان و زعفران جهت آسان شدن زایمان موثر است . خوردن آن پادزهر سموم خوراکی و ضماد آن بر جای نیش حشرات مسکن درد آن است . نوشیدن دمکرده بیست در هزار من به مقدار سه فنجان در روز، رنگ رخساره را باز می کند. و ضماد بیخ من جهت از بین بردن لکه های جلدی و برص نافع است . مربای من جهت فلج ، هیستری ، قراقرشکم و قولنج مفید می باشد. معجون آن که دستور تهیه آن در قربادین نوشته شده است ، جهت جلوگیری از آب ریزش چشم و پیشگیری از آب آوردن و رفع خیالات باطله و تقویت معده توصیه می شود. مقدار خوراک بیخ من به صورت پودر یک تا چهار

گرم ، و حداکثر یک مثقال است . در داروسازی جدید بیشتر از عصاره الکلی من استفاده می نمایند. استفاده از نوع ایرانی من که در بلوچستان و احتمالا کرمان می روید، نقش مهمی در احیای داروهای سنتی ایران خواهد داشت ، زیرا چنانچه قبلا اشاره شد از بهترین انواع بوده و فواید و منافع زیاد مخصوصا در باز شدن لکنت زبان دارد و موقع برداشت محصول آن شهریور ماه می باشد.

### اسم من «کهربا است»!

بوئیدن من برای مبتلایان به خون دماغ نافع است . دود من ضد تشنج است . اگر زنان آبستن از من استفاده کنند، از سقط جنین آنان جلوگیری می کنم . ضد تاول هستم و اشتها را تحریک می کنم ..

فارسی من کهربا است . به من کاوه ربا هم می گویند و چنانچه می دانید اگر مرا روی پارچه پشمی مالش دهید نیروی الکتریسیته پیدا کرده و ذرات ریز کاغذ را به خود جذب می نمایم . به من حجرالکهربا و بیجاده هم می گویند.

من صمغ فسیل شده نوعی کاج هستم که در دوران سوم زمین شناسی در روی زمین زیاد بوده و به همین جهت مرا در طبقات زمینهای دوران سوم ، در اطراف دریای بالتیک می توان یافت ، و به مقدار زیاد همراه با فسیل درختان کاج استخراج می شوم . در وسط من علاوه بر فسیل گیاهان ، حشرات مختلف و سنگ ریزه هم دیده می شود. چنانچه حکیم مومن در کتاب تحفه نوشته است ، با چشم خود فسیل یک مگس را در میان کهربا دیده است و از این بالاتر چنانچه در کتب قدیم نوشته اند، در خزانه های یکی از پادشاهان هند، تکه بزرگی کهربا وجود داشت که در وسط آن فسیل بچه میمونی دیده می شد. قطعات من زرد رنگ ، شکننده و شفاف می باشند. و انواع قرمز رنگ هم دارم . چنانچه قطعات مرا مالش دهید، علاوه بر قوه کهربایی ، بوی معطر شبیه لیمو از من استشمام می شود. من شباهت زیادی با سندروس دارم ، با این فرق که سندروس با مختصر مالشی تولید نیروی الکتریکی کرده ، جذب کاه و ذرات کاغذ را می نماید، در صورتی که من احتیاج بیشتری به اصطحکاک دارم .

سندروس نرم بوده و بوی لیمو نمی دهد و جلا نمی پذیرد و قابل حکاکی نیست ، در صورتی که بوی لیمو می دهم و جلائی بسیار پیدا می کنم و اگر مرا بسوزانید، از من بوی خوش مصطکی استشمام می شود. در صورتی که سندروس هنگام سوختن بدبو بوده ، بوی کریه می دهد. در صنعت با تکه های من دانه های تسبیح ، گردنبند و قطعات زینتی می سازند. من مفرح و مقوی قلب بوده و از خونروی از سینه و خون دماغ جلوگیری می کنم . خوردن نیم مثقال من با ادویه مناسب دیگر مانع خونریزی سینه است ، حتی اگر این خونریزی مربوط به پاره شدن یکی از رگهای سینه باشد. خوردن من با گلاب برای رفع خفقان نافع است . اسهال خونی را بند می آورم . مرا برای جلوگیری از خونریزی از سوزش ادرار و سنگ مثانه تجویز کرده اند. من برای یرقان نیز مفید می باشم . مالیدن کهربا با صبرزد برای جلوگیری از خونریزی بواسیر و افتادن دانه های آن سودمند می باشد. اگر آن را به محل سوخته شده با آتش بمالند، از تاول زدن جلوگیری می کند و برای رفع کوفتگی و شکستگی مفید است . بوئیدن من برای مبتلایان به خون دماغ نافع بوده و در هوای وبایی یعنی هنگام شروع وبا، اثر بوئیدن لیمو را دارد. من حافظ جنین از سقوط بوده و مقدار خوراک من نیم مثقال است .

در طب و داروسازی جدید بیشتر از دود من استفاده می کنند. برای جلوگیری از خونریزی گرد مرا با توتون مخلوط کرده ، مانند سیگار می کشند. کشیدن دود من اشتها را زیاد می کند. ضد تشنج است . در داروسازی جدید با من تتور و شربت کهربا نیز درست می کنند. برای اطفال از خمیر چشمی من به طور سرمه استفاده می نمایند. در علم شیمی از تقطیر من در قرع وانبیق ، چندین ترکیب شیمیایی که هر یک خواص جداگانه دارد می سازند و املاح مختلفی نیز از ترکیب من با فلزات و شبه فلزات به دست می آید.

### کهربای سفید

ماده ای است که از روغن عنبر ماهی «کاشالوت» استخراج می شود و در داروسازی جدید به نام بلان دوپالن خوانده می شود، و ارتباطی به کهربا ندارد.

### کهربای سیاه

کهربای سیاه که به آن شبق هم می گویند، نوعی سنگ است که از تراکم ذرات زغال و پاره ای تغییرات شیمیایی به دست آمده است و قابل استعمال می باشد. شبق معرب شبه فارسی است .

### من «ناخنک» هستم!

فارسی من ناخنک است ، به من ناخنه و «شبدر عطری» هم می گویند. عربی من نفل است ، ولی در کتاب دایره المعارف داروسازی فرانسه «درولت» عربی مرا اشتباهاً، «اکلیل الملک» نوشته و عده ای از مترجمان و لغت نویسان اشتباه او را تکرار کرده اند. در حالی که اکلیل الملک نوعی لاله سرنگون است که به آن شاه افسر و گیاه قیصر می گویند و با گلهای زیبای خود شایسته این اسم می باشد. گیاه من در اطراف تهران ، قلهک ، جاجرود، آبگرم لاریجان ، آذربایجان ، بلوچستان می روید و یک نوع دیگر من که گلهای سفید مجتمع دارد، در هفت حوض درکه ، کرج ، اطراف رشت ، و کردستان فراوان است ، و به علاوه در عربستان مخصوصاً اطراف مدینه و طائف کثیرالوجود است و عطاران حجاز آن را به نام نفل می فروشند. روزی یکی از عطاران مکه پرسیده شد که آیا نفل نام دیگری هم دارد یا نه . جواب منفی داد و چون پرسیده شد که آیا راست است که عده ای به این اکلیل الملک هم می گویند؟ صاحب دکان که پیره مردی شوخ و بذله گو بود، خندید و گفت هیچ ملکی بی سلیقه نیست که این را تاج خود قرار دهد. شباهت آن بتاج باعث شده است که آنرا عطاران اکلیل گویند.

گیاه من شبیه یونجه و بسیار معطر است ، میوه من هلالی و شبیه سر ناخن چیده شده می باشد، و به همین جهت به آن ناخنک گویند. قسمت مورد استفاده من سرشاخه های گلدار و میوه من می باشد و بهتر است که سرشاخه های گلدار مرا قبل از باز شدن گلها چید و خشک کرد. من دارای چندین نوع عوامل موثر دارویی از جمله کومارین می باشم و بعلاوه دارای عطری هستم که هنوز ترکیب شیمیایی آن مشخص نشده است . داروسازان سنتی ایران سرشاخه های کمتر دارد. سرشاخه های گلدار من آرامبخش و پیشاب آور بوده ، برای هضم غذا و نرم کردن سینه نافع می باشد. برای رفع تحریکات عصبی و بی خوابی نافع

است ، مخصوصا در مورد بی خوابی اطفال سود فراوان دارد. برای سر درد یکطرفه ، دردهای عصبی و مفاصل ، ورم کلیه و قولنج کبدی تجویز می شود. برای تسکین درد مفاصل مشمی با من می سازند که نسخه آن به شرح زیر است :

سرشاخه های گلدار ناخنک ۲۵۰ گرم - افسنتین ۱۶ گرم - گرد بابونه و برگ بو ۱۶ گرم از هر یک - روغن زیتون ۹۰ گرم - وشا ۹۰ گرم - صمغ کاج ۹۰ گرم - موم یک کیلو.

"وشا" و کاج را در اسانس تربانتین حل کرده مواد دیگر را در آن حل کنید و با حرارت ملایم مخلوط نموده به صورت مشمع در آورید و هنگام مصرف کمی آن را گرم کرده ، به موضع دردناک بچسبانید تا درد را تسکین دهد.

### اسم من «پرسیاوشان» است !

درمان کننده تنگ نفس هستم . اگر به سنگ کلیه دچارید، مرا مصرف کنید. با سر درد دشمنم و استنشاقم برای برطرف کردن زکام اثر فراوان دارد. تقویت کننده مو هستم . زخمهای چرکین را مداوا می کنم . یکی دیگر از خواص من درمان سرفه و نرم کننده سینه است ...

فارسی من پرسیاوشان است . به من پرسیاوش - سنبل - پرسیاوشان هم می گویند. شعر الجبل - شعر الجبار - شعر الجن - شعر الجنازیر - شعر الکلاب - شعر الغول - کربرالبئر - کنره القنا - جعده القنا - ساق الاسود - ایوصیف از القاب من می باشد. ترکان به من "بالدیری قره" می گویند، من از خانواده سرخسها می باشم . گیاه زیبای من در جاهای مرطوب و دیوار چاهها و اماکن نمناک در اطراف تهران ، پس قلعه ، اطراف شهرری ، مازندران گیلان ، گرگان مخصوصا بندر گز، بلوچستان و خوزستان می روید. یک نوع من به پرسیاوشان سیاه معروف است و به آن سرخس بلوط و به ترکی "قره بالدیری قره" می گویند. نوع قرمز من برای طحال مصرف زیاد دارد. در نواحی البرز و اطراف دریای مازندران زیاد می روید و اعراب به آن لحاء الغول ، شعر الغول ، پرسیاوشان احمر و به ترکی «قیرمیزی بالدیری قره» می گویند. یک نوع مرغوب من پرسیاوشان کانادایی است که ترکی آن "فانادا بالدیری قره" می باشد، یک نوع مکزیکی هم دارم که اعراب به آن کریزه البئر مکسیکیه می گویند. گیاه من پایاست ، یعنی ریشه آن در زمین می ماند و سال بعد ساقه تازه می دهد، از ساقه های زیرزمینی من همه ساله شاخ های سبز به درازای ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر، با دمبرگی صاف به رنگ قهوه ای تیره خارج می شود. قسمت مورد استفاده من بیشتر برگهای دراز من است که دارای بویی ضعیف و طعمی گس است و دارای صمغ ، مواد قندی ، تانن ، ترشی مازویی و یک ماده تلخ و کمی اسانس می باشد. مصرف من بیشتر برای نرم کردن سینه و درمان سرفه است و به همین جهت عده ای به من دواء الصدر هم گفته اند. سینه را نرم کرده و اخلاط آن را از بین می برم . مسهل سودا، بلغم و صفرای موجود در معده و روده ها هستم . تنگ نفس را درمان می کنم . سینه را زهکشی می نمایم . برای ریه ، طحال و سنگ کلیه مفید می باشم . ادرار و عادت ماهیانه زنان را باز می کنم و خون نفاس را بند می آورم و به همین جهت مرا برای اخراج مشیمه تجویز کرده اند. استنشاق جوشانده من جهت باز شدن بینی و زکام و خنازیر و بواسیر و دنبیل سودمند است . خوردن گرد خشک من برای اسهال مفید می باشد، ضماد پخته آن ورم بیضه را فرو می برد. و ضماد تازه آن برای زخمهای پلید و چرکین و داءالثعلب مفید می باشد، مشروط بر اینکه آن را خوب

و به سختی بر محل ریزش مو بمالند، ضماد سوخته من جهت جلوگیری از ریزش مو و رویاندن آن سود فراوان دارد - مالیدن و پاشیدن سوخته ساقه های من روی زخمهای چرکین و خوره ای نافع است . از دمکرده دو تا سه درصد برگ من که با قند یا عسل شیرین شده باشد، به مقدار سه فنجان در روز - برای گریب - نزله و برنشیت توصیه شده است . معمولا کمی شیر هم به آن اضافه می نمایند. وعده ای توصیه کرده اندکه آن را با شربت شقایق با افیون کاهو «شیر خشک شده ساق کاهو» مصرف نمایند.

### من «خون سیاوشان» هستم !

فارسی من خون سیاوشان است . عربی من "دم الاخوین" یعنی خون دو برادر است ، ولی عطاران مکه و مدینه مرا "خاطرالزجاجی" گویند. ترکی من "ایکی قار داش قانی" می باشد که آن هم به معنی خون دو برادر می باشد. به من دم التین - دم الثعبان و قاطر الدم نیز می گویند. سیاوش به معنی اسب سیاه نر است و نام فرزند کیکاوس پادشاه کیانی بوده . در افسانه ها آمده است که سودابه زن کیکاوس عاشق پسر شوهر خود شد و امر را بر شوهر مشتبه ساخت . کیکاوس برای آزمایش پسر را امر داد که از میان شعله های آتش بگذرد. او چنین کرد و از میان شعله های فراوان آتش سالم بیرون آمد، و به توران زمین رفت و در آنجا با فرنگیس دختر افراسیاب ازدواج کرد. ثمره این زناشویی پسری به نام کیخسرو بود که بعدها پادشاه ایران شد. گرسیوز برادر افراسیاب حسادت کرد و به تحریک او سیاوش کشته و خون او به ناحق بر زمین ریخت و از قطرات خون او درختی از زمین روید که نام آن را خون سیاوشان گذاشتند. آنچه گفته شد، افسانه ای بیش نبود و مانند بسیاری از افسانه ها حقیقت ندارد. مخصوصا اینکه می دانیم سیاوش در توران زمین کشته شد و درخت خون سیاوشان بومی جزایر برنئو و سوماترا و در خاور دور متعلق به اندونزی می باشد. من صمغی به رنگ خون هستم که از درخت خون سیاوشان تراوش می کنم و چون بلور و شیشه را با من رنگ کنند، صاف رنگین تر از عقیق می شود. در صنعت آن را برای رنگ کردن ورنیها به کار می برند.

صمغ من غالبا مخلوط با برگ و چوب است و سه نوع در بازار عرضه می شود: چکیده ، چوبی و خاکی ... و بهترین آن چکیده بدون برگ و چوب است . صمغ من بی بو، بی طعم ، سخت شکننده و قابل سوختن است ، و هنگام سوختن بوی یلسانی مطبوعی از آن خارج می شود. صمغ من قابض و ضد خونریزی است ، و برای لثه و دندان مفید می باشد. سابقا در جنگهای پودر مرا به محل زخم شمشیر می پاشیدند تا زودتر التیام یابد. خوردن من از خونریزی معده و سینه جلوگیری می کند و برای اسهال ، دل پیچه و شقاق مقعد، با تخم مرغ جهت زخم روده مفید می باشد، سرمه من جهت تقویت لثه و پاشیدن گرد من جهت بند آمدن خون سودمند است . مقدار خوراک من یک تا پنج گرم است و می توان آن را با زرده تخم مرغ جهت بند آوردن خون از جمیع اعضاء بدن و گوشت نو آوردن زخمها، و برای کم شدن حرارت کبد و تقویت معده خورد.

### اسم من «سرخس» است !

مربای من با عسل ، از حاملگی جلوگیری می کند. برای دفع انواع انگلهای بدن از من استفاده کنید. ساقه های من اثر لینت دارد. مبتلایان به مالیخولیا می توانند از من سود بسیار برند. برای جذامیان مفیدم و اگر به دل درد کهنه گرفتارید مرا به کار برید...

فارسی ما سرخس است . به ما بطاریس و دیشار هم می گویند. ما دارای انواع و اقسام نر و ماده تیغی و آبی هستیم و روی هم رفته نوع نر ما در دفع کرم اثر بیشتری دارد. در دوران اول پیدایش زمین ، انواع ما رشد بیشتری داشت ، ولی امروزه انواع بزرگ ما از بین رفته است .

### سرخس نر

\*\*\*متن = در فارسی به من سرخس می گویند. در گیلان و مازندران به من جماز و کلیدارو می گویند. در بعضی از نقاط بسوره و شرده هم گفته اند. در داروخانه ها اسم فرنگی من که فوزومال می باشد بیشتر مشهور است . گیاه من بی ساق بدون میوه و بدون گل است . از بیخ من برگ بزرگی می روید که نیم - متر تا ۱/۵ متر طول دارد و منقسم به برگچه های کوچکی می شود که بریدگی آنها دو طرفه است ، منظره قشنگی داشته و تقریبا شبیه به پر مرغان می باشد. من در سواحل مازندران بین درختان خالودشت بین قزوین و لنگرود در آذربایجان بین حسن بگلو و قره داغ می رویم .

قسمت مورد استفاده من بیخ من است که در حقیقت یک شاخه زیرزمینی است و انواع کوهی من که بین سنگلاخها می رویند، بهترین نوع می باشند. بهترین موقع برداشت محصول من شهریورماه است که ماده موثر آن زیاد است و در ایران تا نوزده درصد دیده شده است . من بهترین دارو برای انداختن کرمهای کبد، و روده ، مخصوصا کرم کدو و کرمهای دراز معده هستم ، و بعلاوه کرم کبد را هم ساقط می نمایم . داروسازان سنتی ایران دستور داده اند که قبل از خوردن من بهتر است مقداری سیر خشک میل نمایند، و بهتر است مرا با خریق سیاه و صمغ محموده «سقمونیا» میل نمایند، ولی در طب جدید دستور می دهند که دو ساعت بعد از خوردن بیخ من ، یک مسهل غیر روغنی خورده شود تا کرمهای فلج شده با زیادی دارو دفع گردد. خوردن مسلهای روغنی مثل روغن کرچک جایز نیست . برای اسقاط کرم کدو و پس از خوردن مسهل بیمار بایستی بر روی پشتی که در آن آب جوش ریخته باشند بنشینند، تا کرمهای کدو پشت سر هم نوار مانند در آن بیفتند. مربای من با عسل مانع آبستنی و باعث سقط جنین است ، و به همین جهت نباید از بیخ من بدون تجویز پزشک استفاده شود، چه من برای مبتلایان به امراض قلبی و کبدی خطرناک می باشم و چنانچه زیاده تر از مقدار خوراک خورده شوم ، تولید عوارض معدی و اختلالات چشمی خواهم کرد، و گاهی ممکن است باعث مرگ شوم ، مقدار خوراک ساقه زیرزمینی من به صورت آن برای اطفال دو تا سه گرم می باشد. در داروسازی جدید عصاره اتره من بیشتر مصرف می شود، و مقدار خوراک آن برای اشخاص بالغ ۲ تا ۸ گرم است که معمولا در کپسولهای سربسته عرضه می شود. اثر این عصاره در کشتن انواع کرم قطعی است ، مشروط بر اینکه از بیخ تازه تهیه شده باشد.

### بسپایه

فارسی من بسپایه و بس پایک است . معرب آن که بیشتر در کتب دارویی قدیم به کار برده اند، بسفایج می باشد. در مازندران و گیلان به من وارجماز گویند. عربی من اضراس الکلب ، ثاقب الحجر، و تشمیز است . در مصر به من اشتران گویند. گیاه من سرخص کوچکی است که بیش از ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر قد نمی کشد. ساقه زیرزمینی من شبیه هزارپا می باشد و به همین جهت است که به آن بسپایه گفته اند. بیخ من به صورت افقی و با ضخامت کم بوده و پوشیده از فلسهای نازک است که

پس از خشک شدن دارای برجستگی و خار می شود. برجستگی در محل پیدایش برگها و خار بقایای ریشه من است . من بیش از دویست گونه دارم ، برگهای من مرکب از برگچه های متعددی است که ممکن است تعداد آنها در حدود بیست عدد باشد. رنگ ساقه زیرزمینی من قرمز تیره است ، و پس از خشک شدن سیاه می شود. بیخ من دارای بویی ناپسند و طعمی شیرین است که به تدریج گس می شود. من در روی دیوارها و تخته سنگها و تنه درخت می رویم . در ایران بیشتر در گرگان ، مازندران ، گیلان ، آذربایجان بین خزه های نواحی سنگلاخی حسن بگلو و قره داغ به عمل می آیم . بهترین نوع من در بندر گز و کهرزنگ مازندران است .

ساقه زیرزمینی من دارای تانن ، صمغ ، مواد لعابی و یک ماده موثر دارویی است . ساقه زیرزمینی من خلطآور، ملین بوده و اثر ساقه خشک بهتر از تازه است .

جوشانده من اخلاط و نفخ را از بین می برد، و آن را برای سودا و جذام هم تجویز کرده اند. نوشیدن جوشانده من همراه با شیرین بیان و انیسون جهت سرفه ، تنگ نفس مفید و مداومت در خوردن جوشانده من با عناب برای افتادن دانه های بواسیر توصیه شده است . جوشانده سه مثقال من با ۴ تا ۵ تا مثقال فلوس یا ترنجبین جهت نفخ معده و دل درد کهنه و هیستری مفید بوده و برای درمان بواسیر نیز موثر است . چنانچه مبتلایان به مالیخولیا و جذام هر روز ۱/۵ گرم بیخ مرا با ۳۰ گرم مغز فلوس هفت روز بخورند، به درمان مرض کمک خواهد کرد. برای معالجه قولنج و نفخ معده می توانید، جوشانده مرا با ماءالشعیر «جوشانده جو» و غسل میل نمایید. ضماد من جهت پیچ خوردگی عصب و ترک بین انگشتان نافع است . من برای سینه خوب نیستم ، مگر مرا با پرسیاوشان همراه نموده بجوشانید. صاحب کتاب شفاء الاسقام نوشته شده است که استاد من عقیده داشت که باید پوست بسپایه را تراشیده و مغز آن را کوبیده و بعد استعمال نمایند تا اثر آن بهتر باشد.

## گرف

من نوعی سرخس زینتی هستم که در جنگلهای کنار دریای مازندران می رویم . در گیلان به من کرف می گویند. ساقه زیرزمینی من راست و خزنده است ، و تاکنون خواص دارویی آن مطالعه نشده است . فقط آنرا به عنوان بک گیاه زینتی در باغچه ها می کارند.

## اسم من «خرنوب» است !

در زبان فارسی و عربی به چند نوع گیاه مختلف خرنوب می گویند، ولی خرنوب اصلی من هستم . به خرنوب بستانی معروف می باشم . درخت من بسیار بزرگ و شبیه درخت گردکان است . میوه من غلافی به اندازه یک وجب و نیم و ضخیم است . درخت من بسیار زیبا است و ارتفاع آن به ده متر می رسد، و در جنوب ایران مخصوصا بین فارس و بندر شاهپور به عمل می آید، و درخت آن شبیه درخت گردو است اشتباها خرنوب تصور کرده اند، در صورتی که چنین نیست . درخت من از خانواده پروانه داران و لارک ، از خانواده گردو می باشد و مانند درخت گردو و دارای ترشحات سمی است و خوابیدن زیر آن مخصوصا در شب خطرناک است . ماهیگیران شمال بیشتر از میوه لارک جهت صید ماهی استفاده می کنند. در وسط میوه من شهدی شبیه



عسل وجود دارد که در میان آن دانه هایی شبیه به عدس دیده می شود. تکثیر درخت من از راه دانه است ، ولی هشت سال طول می کشد تا میوه بدهم . من یکی از درختانی هستم که به آسانی و بدون احتیاج به توجه زیاد رشد می کنم و هر قدر هوا مرطوب تر باشد، بهتر به عمل می آیم و همه ساله ۲۵۰ تا ۵۰۰ کیلو میوه می توان از من چید. میوه مرا در مرداد و شهریور باید چید و روی پارچه ای پهن نمود و در آفتاب خشک کرد تا میوه تخمیر نشود و کرم نگذارد.

شاهد میوه من هفتاد درصد مواد قندی ، کمی موم ، کمی صمغ و مقدار کمی ویتامینهای آ- ب و ث دارد و بعلاوه دارای فسفر، منیزی ، کلسیم ، سیلیس ، و چند فلز دیگر است ، و روی هم رفته یکی از مواد خوراکی است که بایستی نسبت به ازدیاد آن کوشش کرد، و از میوه آن در تغذیه استفاده نمود. از دانه های من صمغ و چسب می سازند. عصاره پوست درخت من بهترین دارو برای درمان اسهال مزمن است ، و یک گرم آن را در روز می توان خورد.

میوه درخت من پیشاب آور بوده ، برای درد سینه و تقویت معده و چاق شدن تجویز می شود و چون شهد مرا داخل شیر کنند، طعم آن را لذیذ می کند و اشتها به غذا را زیاد می نماید. بهترین دارو برای درمان سرفه کهنه و مزمن است و خوردن آن با دانه جهت چاق شدن بدن مفید می باشد.

ضماد میوه من جهت ضرب خوردگی و زگیل مفید است و چون میوه مرا دو پارچه کرده و یک پارچه را روی زگیل بچسبانند، آن را از بین می برم . دانه های میوه من محلل ورمها، مخصوصا ورم مقعد است .

### اسم من «چوب چینی» است !

خون را تصفیه می کنم . در معالجه ناراحتی های روانی بی همتا هستم . از پیشترت سرطان جلوگیری می کنم . یکی از خواص بی نظیرم ، از بین بردن جذام است . علاج کند ذهنی هستم و از خواص بی شماری برخوردارم که کمتر کسی از آن مطلع است ...

فارسی من چوب چینی است و به زبانهای فرنگی به من ژین سگ گویند و اینکه عده ای از لغت نویسان اسکوئین را که گیاه دیگری است چوب چینی ترجمه کرده اند اشتباه می باشد.

عربی من جنسه و جنسج است . هزار سال پیش من در داخل حصار چین محبوس بوده و کسی از خواص معجزه آسای من جز چینها اطلاع نداشت و به همین جهت درکتاب دانشمندان و پزشکان بزرگ ایرانی «محمد بن زکریای رازی» و «شیخ الرئیس ابوعلی سینا» وارد نگردیم و چون پایه طبابت در اروپا را کتب دو دانشمند نامبرده تشکیل می داد، به همین جهت اروپاییان اطلاع کافی در مورد من نداشت ، ولی اخیرا پی به خواص من برده و کارخانه های بزرگ داروسازی مشغول مطالعه می باشند تا بتوانند خواص دارویی مرا پیدا کرده و از آن بهره برداری نمایند، غافل از اینکه پس از باز شدن دیوار چین عده ای از پزشکان ایرانی مانند حکیم میرعمادالدین شیرازی ، حکیم میرزاقاضی یزدی ، حکیم میر محمد - تهرانی و حکیم مؤ من ، روی من قبلا مطالعه کرده و خواص استفاده از من را پیدا کرده اند و چنانچه کارخانه های بزرگ داروسازی بخواهند می توانند تمام اینها را در کتب ایرانی خوانده و از آن بهره برداری نمایند.

زادگاه اصلی من چین است و چون مرا در جاهای دیگر بکارند یا سبز نمی شوم و یا تغیر ماهیت داده بسیاری از خواص خود را از دست می دهم . چنانچه صاحب کتاب مخزن الادویه توانست ریشه مرا با مقداری خاک قرمز زادگاه اصلی من بدست آورد و آن را در باغچه منزل خود در مرشد آباد بکارد. گیاه من روئید، ریشه آن شیرین تر از گیاه چینی ولی خواص آن کمتر بوده و چون سال دیگر ریشه جدید را کاشتند پوسیده و سبز نگردید. اخیرا نیز در آمریکا، ژاپن ، کره و بسیاری از کشورهای دیگر مرا کاشته اند ولی هیچکدام مانند گیاه اصلی من نیست . من برای تقویت قوه باه و برگشت شهوت ماءیوسان ، تصفیه خون و معالجات روانی و انواع جنون ، مالیخولیا و مانیا و معالجه امراض صعب العلاج مثل انواع سرطان و تومورهای بدخیم و خوش خیم و زخمهای پلید و چرکین جذام ، فلج ، رعشه ، تشنج امتلایی «اسپاسم» ، سردرد مزمن ، درد شقیقه ، کندی ذهن ، حواس پرتی ، و فراموشی مفید می باشم . ریشه من کمی خواب آور، پیشاب آور و قاعده آور می باشد و سریع النفوذ در رگهای موئین بوده و برای بسیاری از امراض تجویز شده ام . بزرگترین خاصیتی که داروسازان سنتی ایران به من نسبت داده اند و داروسازی جدید از آن بی اطلاع است معالجه بیماری اوراق که به ندرت دیده می شود و اخیرا در ایران چند مورد دیده شده است ، نوعی خوره عصبی است ، در این بیماری که از نوک انگشتان شروع می شود مغز خاکستری عصب به تدریج خورده شده و به تدریج از بین می روند. به این جهت به آن زمور عضلانی نیز می گویند.

همینکه این خوره به اعصاب قلب رسید، بیمار تلف می شود. حداکثر دوره این بیماری از تاریخ ابتلا تا رسیدن مرگ کمتر از دو سال و دو ماه می باشد. نام فرنگی بیماری اوراق «سارکو» می باشد. خاصیت دیگری که داروسازان سنتی ایران به آن داده اند، درمان معتادان به تریاک می باشد که شرح مفصل آن در قراباد کبیر نوشته شده است .

قسمت مورد استفاده من ریشه ام می باشد و در بازار متاءسفانه ریشه های دیگر را به جای ریشه من می فروشند مخصوصا در بازار اروپا بیشتر ژین سنگ ژاپنی که فقط شباهت به ریشه من دارد زیاد دیده می شود. اینکه می گویند چوب چینی را نباید با یک نمک و ترشی خورد صحیح نیست .

### عشه چینی

من نوعی ساقه زیرزمینی هستم که مرا از چین و ژاپن می آورند و غالبا مرا با چوب چینی ترجمه کرده اند. عربی من جزوار چینی است و منافع چوب چینی را ندارم . من ، بی بو، بدون طعم چوب چینی کمی شیرین است . من دارای تانن صمغ بوده و خاصیت مسهلی دارم و نباید مرا با گیاه عشبه معمولی که خود را قبلا در زبان خوراکیها معرفی کرده است اشتباه کرد. من در کنار بحر خزر نیز می رویم و نوع ایرانی من برای تصفیه خون و نقرس مفید است و بهترین دارو برای معالجه سفلیس می باشم

### اسم من «گل طاووسی» است !

فارسی من گل طاووسی است و با گل پر طاووسی فرق بسیار دارم . اعراب به من «رتم وست الخدیجه» گویند. در بعضی از کتب مرا بدسقان نامیده اند.

چون تعداد برگ در گیاه من کم است ، به این جهت همه مرا بدون برگ می دانند و ساقه های سبز من کار برگ را انجام می دهند - یعنی هنگام روز، گاز کربن هوا را گرفته اکسیژن پس می دهد - در اکثر خانه ها و گل خانه ها گیاه مرا به علت داشتن گل‌های درشت خوشه ای ، به عنوان یک گل زینتی می کارند. رنگ گل‌های من طلایی است ، گل‌های من دارای نوش فراوان است ولی زنبور عسل کمتر به سراغ آن می آید. گل و دانه های من دارای اثر سمی هستند و از آنها در صنعت داروسازی چند نوع داروی مفید که یکی از آنها اسپارتین نام دارد می گیرند، یکی از داروهای مفید برای قلب است ، دانه هاو گل من به مقدار کم پیشاب آور و مسهل می باشد، و این خاصیت در دانه های من بیشتر است . از دمکرده هشت در هزار گل من فقط یک قاشق می توان نوشید و در شبانه روز بیش از دو قاشق جایز نیست ، و نمی توان بدون اجازه پزشک از آن استفاده کرد. از ساقه های گیاه من الیافی به دست می آید که با آن می توان طناب و پارچه های ضخیم بافت . در جنگلهای قره داغ نوعی از گیاه من می روید که به آن گل طاووسی پاکوتاه می گویند. سه گرم دانه های آن قی آور و کشنده اقسام کرم معده و مخرج جنین مرده است ، ولی هرگز بدون اجازه ی پزشک نباید از آن استفاده نمود. گل و دانه های آن ادرار را زیاد می کند و معرق است ، و برای معالجه اسهال خونی به وسیله ی پزشکان تجویز می شود، و برای سیاتیک نافع است . خوردن یکی دو دانه آن چند روز متوالی تولید اسهال می کند، و برای رفع دمل مفید است .

### گل پر طاووسی

چنانچه گفتیم ، گل پر طاووسی با گل پر طاووسی فرق دارد، این گل از خانواده گل‌های مرکب بوده و به آن پریمور هم می گویند، زادگاه اولیه آن نواحی گرمسیری است . ولی امروزه به عنوان یک گل زینتی در ایران و سایر کشورهای جهان پرورش می یابد. گل‌های آن مانند سایر مرکبات از جمع چندین گلچه تشکیل می شود و گیاه آن دارای شیرابه است . تاکنون روی خواص دارویی آن مطالعه نشده است .

### اسم من «سبستان» است !

فارسی من سبستان بر وزن دبستان است ، ولی این روزها مرا بر وزن زمستان می خوانند. معرب من سبستان و عربی من دبق - مخاطه - مخیطات است . داروسازان سنتی ایران به من «اطباءالکلیه» لقب داده اند، چون بهترین دارو برای امراض کلیوی می باشم . در بندر عباس به من انبوه گویند. درخت من که به شجر الدین معروف است ، در سواحل خلیج فارس ، جزیره خارک و امارات خلیج ، مکران و بلوچستان می روید. میوه من به شکل آلبالوست و دارای شیره لعاب داری است که برای اسهال و ناراحتیهای دستگاه تنفس و سرفه مفید است . پوست درختچه من قابض بوده و خاصیت مسهلی دارد. از برگهای من می توان مانند گل گاو زبان استفاده کرد. دمکرده میوه من چه تازه و چه خشک به عنوان نرم کننده به تنهایی یا همراه با داروهای دیگر تجویز می شود. من دو نوع دارم ، نوع بزرگ من به اندازه ای آلو بوده ، و تخم آن از گوشت مجزا می شود، ولی در کوچک هسته به گوشت چسبیده ، لعاب آن کمتر ولی شیرین تر است . و بهترین نوع آن بحرینی است . گذاشتن میوه من در دهان و مکیدن و فرو بردن آب آن و آشامیدن آب خیسانده آن و همچنین جوشانده آن سینه و گلو را نرم می کند و گرفتگی آواز را

برطرف می نماید و سرفه را درمان می کند. عطش را فرو می نشاند و سوزش ادرار را تسکین می دهد. ضماد جوشانده میوه و برگ من در دوشاب جهت باز شدن دمل و مجرب است. مقدار خوراک میوه من تا دو مثقال است و بهتر آن است که همیشه با عناب با خطمی مصرف شود تا برای جگر مفید باشد، و چون چهار تا پنج عدد برگ نورسته مرا ریزریز کرده و شب در آب بخیسانید و صبح با فشار صاف کرده و بیاشامید، جهت جریان منی و سوزاک سودمند می باشد. گیاه من از خانواده گاو زبان می باشد.

### سگ زبان

فارسی من سگ زبان است، اعراب به من لسان الکلب می گویند. نوع دیگر من در شهسوار «کاش» نامیده می شود و عربی آن اذن الانب یعنی گوش خرگوش می باشد. چون دارای خار بوده و به لباس می چسبد اعراب به آن لصیقی هم می گویند. گیاه من علفی و از خانواده گاو زبان و بیشتر در سنگلاخها و در اراضی خشک آذربایجان زیاد دیده می شوم. گیاه من دارای ریشه ضخیم دوکی شکل دراز و گوشتدار است، گلهای کوچک من در فاصله اردیبهشت تا خرداد باز می شود و رنگ آنها قرمز مایل به بنفش است.

قسمت مورد استفاده گیاه من بیشتر ریشه من است. رنگ ریشه خاکستری مایل به قرمز و دارای بوی مخصوص و طعم لعابی است. من آرام کننده و کمی مخدر هستم. میوه من تخدیر بسیار دارد. ریشه گیاه من قابض و برگ من ملین است، و ریشه برگ مرا جهت معالجه نزله و امراض ریه و درمان اسهال و پیچش روده و جلوگیری از خونریزی تجویز می نمایند. ضماد برگ تازه و ریشه له شده من و جوشانده آنها جهت تسکین درد سوختگی مصرف می شود و همچنین جهت التیام جراحات و ترک پستان، بواسیر و خارش مفید بوده اولسرها را معالجه می کند. مقدار خوراک من به طور جوشانده یا دمکرده برگ و ریشه ۳۰ تا ۶۰ گرم در لیتر یک فنجان در روز می باشد. برای شستشوی زخمها و اولسرها از جوشانده پنجاه گرم در لیتر استفاده می کنند.

### ماش هندی

فارسی من ماش هندی و عربی آن «حب القلب» است و به یک نوع من «کاسرالبحر» گویند. زیرا هندیان را عقیده بر آن است که چنانچه کوبیده آن را بر سنگ بمانند، آن را شکننده می کند. در اطراف تهران نواحی البرز، جویستان طالقان و کوههای لرستان به عمل می آیم. گیاه من از خانواده گاو زبان بوده و به آن علف مروارید هم می گویند. زیرا دانه های من از قشری سخت به رنگ سفید پوشیده می باشد. برگهای من بیضی نوک تیز و پوشیده از تار است، گلهای من سفید مایل به زرد است که بر روی انشعابات ساق پیدا می شود.

من علاوه بر ایران، در امریکای شمالی و اروپا و قسمتهای معتدل آسیا به عمل می آیم، و بیشتر در جنگلها و اماکن مرطوب سنگلاخ و زمینهای بایر رشد می کنم. پوشش خارجی دانه های من ترکیبی است از سنگهای آهکی و سیلیسی و ریشه من دارای ماده ای قرمز رنگ است که با آن مواد غذایی مخصوصا کره و پنیر را رنگ می کنند مغز دانه های من دارای روغنی است که طعمی ملایم داشته و در اثر ماندن تند می شود. من کلیه را تقویت کرده و ناراحتیهای آن را برطرف کنم، سنگ کلیه را شکسته و می ریزانم، و برای این کار داروسازان سنتی ایران دستور داده اند که شش مثقال دانه مرا با شش مثقال تخم شلغم در هفتاد و

پنج مثقال آب بجوشانید و بگذارند تبخیر شده ، فقط بیست و پنج مثقال آب بماند. سپس صاف کرده نصف دیگر را شب نیم گرم کرده بنوشند. جوشانده دانه های من برای درمان بی اختیاری ادرار نیز نافع است ، و آن را برای درمان نزله و سهولت زایمان نیز تجویز می نمایند. برگ و سرشاخه های گلدار مرا می توانید مانند چای دمکرده بنوشید، اشتها را زیاد و سسکه را برطرف می کند و قلب را قوی می نماید. باز کننده ادرار و عادت ماهانه نیز می باشد. از جوشانده ۳۰ تا ۴۵ گرم دانه های من با شکر و دمکرده گل خطمی و کمی شوره برای معالجه نقرس تجویز می شود.

### فرش زمردین

شعراى خوش ذوق ایرانی مرا فرش زمرد دین لقب داده اند، من نوعی ماش هندی هستم که بیشتر در شمال شرقی ایران مانند گرگان تا شمال غربی مانند آذربایجان مخصوصا در جنگلهای ارسباران به عمل می آیم و گیاه مروارید بیشتر به من گفته می شود. گیاه من دو نوع ساقه دارد یکی زمین را فرش می کند و با سبزی زیبایی که دارد، منظره زیبایی را بوجود می آورد و هیچگونه گلی ندارد. ساقه دیگر من که بطور قائم می روید، دارای گلهای بزرگ به رنگ لاجوردی است که در فاصله فروردین تا خرداد باز می شوند، و رنگ گل آنها از ارغوانی تا بنفش تغییر می کند و به همین جهت در روی گیاه من گلهای رنگارنگ می بینید، دانه های من سفید و شبیه مروارید است .

دانه - برگ و سرشاخه های گلدار من دارای تمام خواص درمانی ماش هندی است و دمکرده برگ و سرشاخه های گلدار من را می توانید به جای چای مصرف نمایید.

### من «قدقدک» هستم !

فارسی من «قدقدک» است ، به من دغدغک ، سنای بیابانی ، سنای کاذب ، قلوته ، سنای مغربی ، درگنده ، دارگنده ، کپسول ، چپول هم می گویند: عده ای از محققین سنای فارسی را نوعی از من می دانند. من در اکثر کوهستانهای شمالی ایران ، مخصوصا شمال خراسان به فراوانی می رویم ، گیاه من درختچه ای است به ارتفاع یک متر تا چهار متر و دارای یک ساقه زیرزمینی است که غده ای و گوشتدار است . گلهای من خوشه ای به رنگ سبز و گاهی زرد می باشد، مرا به علت زیبایی خاصی که دارم ، در اکثر باغچه ها می کارند. زیبایی درختچه من پس از پیدا شدن میوه به حد اعلی می رسد. در داخل پوسته نازک میوه من همیشه مقداری گاز کربن ، اکسیژن و ازت جمع می باشد. قسمت مورد استفاده من برگچه های من است که دارای اثر مسهلی است و غالبا آن را به جای سنا می فروشند. ماده عامله اسهال آور من هنوز بطور دقیق کشف نشده است . برگچه های من ملین و پیشاب آور نیز می باشند و خوردن آنها خون را تصفیه می کند. دانه های من قی آور و مسموم کننده است . برگچه های من مسهل خوبی هستند، و عوارض آنها کمتر از سنای مکی است . ولی به علت طعم بد و قی آوری که دارند، چندان مورد توجه نیستند، ولی در صنعت داروسازی از عصاره برگ من همراه با گرد شیرین بیان حبی درست می کنند که ملین و مسهل خوبی است ، مشروط بر اینکه در هر حب ۰/۱ گرم وجود داشته باشد، مقدار خوراک این حب یک تا سه عدد قبل از شام است .

## اسم من «گل شاه پسند» است !

دمکرده گل‌های من درد کمر و سردرد را تسکین می‌دهد. اگر از دردهای عصبی رنج می‌برید، از من سود برید. با سنگ کلیه دشمنم و آن را به آسانی دفع می‌کنم. علاج قطعی درد معده هستم. برگ من ضد تشنج و تب بر است. درد گلو ورم مخاط دهان را نیز فرو می‌نشاند. نوع زیتنی من که در اکثر شهرهای ایران پرورش داده می‌شود، شاه پسند نامیده می‌شود. متجاوز از صد گونه هستم که بیشتر آنها در آمریکا به عمل می‌آیند. نوع دارویی من از قدیم در ایران، خصوصا سواحل دریای مازندران، حاشیه جنگاهای شمال، بین رشت، تا چالوس، بندر گز، آستارا، لاهیجان و نواحی البرز و اطراف تهران و همچنین در جنوب ایران، پرسپولیس، ملایر، اراک، تفرش، آشتیان، نهاوند، ازنا و شهبازان می‌روید. گیاه من پایا است، یعنی ریشه آن همیشه در زمین می‌ماند و سال بعد سبز می‌شود، ساقه‌های من چهار گوش و زاویه دار است، ارتفاع آن سی تا هشتاد سانتی متر است. جام گل من قیفی است و غالبا به صورت مجتمع خوشه‌ای می‌باشد. میوه من به اندازه نخود بوده، و تا رسیدن در جام گل باقی می‌ماند. زنبور عسل به نوش من علاقه زیاد دارد. این روزها به نوع دارویی من که خودرو می‌باشد کلمه وحشی اضافه کرده‌اند ولی در قدیم به دانه‌های آن یوشنگ و گاومشنگ می‌گفتند. عربی آن رعی الحمام است و در مصر به آن ساق الحمام می‌گویند. حمام به معنی کبوتر است و می‌گویند که کبوتر به دانه‌های من علاقه زیادی دارد، صاحب کتاب «تحفه» شاه پسند وحشی را «نار قیصر» می‌داند و با مشخصاتی که در کتب قدیم «به نار قیصر» نسبت داده‌اند مطابق بوده، و خواص طبی آنها کاملا یکی می‌باشد. قسمت مورد مورد استفاده نوع وحشی من برگ و همه اندامهای آن است و طعم آن کمی گس و تلخ بوده، و معطر می‌باشد. به علت داشتن تانن کمی قابض بوده، مقوی، ضد تشنج و تب بر است. عصاره آبی آن اثر قاطع در روی دردهای عصبی دارد. غرغره جوشانده آن برای درد گلو و ورم مخاط دهان تجویز می‌شود، به صورت کمپرس برای معالجه اولسره‌های و ضرب خوردگیها و بریدگیها توصیه شده است. برگهای مرا در سرکه بجوشانید و بعد در محل‌های دردناک ضماد نمایید، دمکرده ۳۰ تا ۴۰ گرم برگ مرا به مقدار سه فنجان در روز صبح، عصر و شب می‌توان نوشید. به خانمها و دخترهای جوانی که مبتلا به چاقی موضعی هستند، و چربی در عضلات آنها مخصوصا در ران و باسن آنها جمع شده است، «سلولیت» توصیه کنید که روزی سه فنجان از دمکرده آن برگ من بنوشند. از دمکرده گل‌های من نیز می‌توان استفاده کرد و برای این کار باید غنچه‌های ناشکفته آن را در تیرماه چید - دمکرده آن درد کمر و سردرد را تسکین می‌دهد و برای کبد و درد آن مفید است، زایمان را آسان و سنگ کلیه را از بین می‌برد. برای برنشیت، اسهال، درد معده، میگرن، دردهای عصبی، درد سینه و رماتیسم می‌توان آن را تجویز کرد.

## رجل الحمامه

بعضی از مترجمین ساق الحمام و رجل الحمام را که هر دو به معنی پای کبوتر است، با هم یکی دانسته و رجل الحمام را شاه پسند دانسته‌اند، در صورتی که این اشتباه است، و رجل الحمامه گیاه دیگری است که فارسی آن «هوچوبه» و «ابوخلساست» که خود را به موقع در کتاب زبان خوراکیها معرفی خواهد نمود.

### شاه پسند معطر

فارسی من «به لیموست» به من شاه پسند معطر هم می گویند. عربی من لویزه می باشد، مرا به علت زیبایی و عطر خوشی که دارم، در ایران پرورش داده اند. اگر روی برگهای من دست بکشید، بوی دلپذیری شبیه به اسانس لیمو از آن متصاعد می شود، و به همین جهت از برگ من عطری می گیرند که شباهت زیادی به اسانس لیمو داشته، و در تجارت به اسانس لوژیبه معروف است. برگ و سرشاخه های گیاه من در حالت تازه عطر بیشتری دارند، طمع برگهای من تند و کمی تلخ است. برگ و سرشاخه های درختچه من مقوی معده، ضد تشنج و درمان دردهای عصبی است. تب را پایین می آورد، و مقوی قلب است. برای رفع سوء هاضمه، نفخ معده، تپش قلب، سردردهای یکطرفه، سرگیجه و رفع خستگی به امراض فوق و همچنین کسانی که در گوش خود احساس سر و صدا مبهم می نمایند سودمند می باشد، و بهتر است این دمکرده را همراه با غذا میل نمایند.

### لیمو دارو

در چمنزارها و ماسه زارهای جنوب و شمال ایران نوعی به لیمو به عمل می آید که در بندر پهلوی و دشتهای مرطوب گیلان فراوان است و به آن لیمو دارو می گویند. ولی داروسازان سنتی ایران گیاه دیگری را که فارسی آن وشیگ و معرب آن وشیج است لیمو دارو دانسته اند که هر دو از یک خانواده می باشند. با این فرق که لیمو دارو در ماسه های کنار دریا و وشیگ از میان سنگهای مناطق مرطوب بیرون می آید. چوب وشیگ فوق العاده سخت است، و با آن سرنیزه و پیکان می سازند. برگ آن شبیه برگ گشنیز بوده و بوی عطر لیمو می دهد، لیمو دارو نیز گیاهی علفی است و خزنده می باشد، و گلهایی صورتی دارد. خوردن نیم مثقال کوبیده بیخ آنها با تخم مرغ نیمرو شده، جهت کوبیدگی اعضا و رفع آثار ضربه مفید است و پماد آن نیز به همین منظور نافع می باشد. نشستن در جوشانده آن جهت سیلان رحم و نواصیر مفید است. دمکرده ده تا بیست گرم برگ آن در یک لیتر، نوشابه ای مطبوع بوده، و خواص به لیمو را دارد. به هضم غذا کمک می کند، محرک معده بوده و دردهای عصبی را تسکین می دهد، و به این منظور بهتر آن است که همیشه آن را مانند چای دمکرده و همراه یا بعد از غذا نوشید تا خستگیهای روحی را برطرف نماید.

### تیمر

در بلوچستان به من تیمر، در بنادر جنوب ایران و سواحل دریای عمان به من حرا، و در بعضی از نقاط جنوب ایران تول می گویند. عربی من شورا و قرام است. من درختچه ای هستم از خانواده شاه پسند که در هند و آفریقای مرکزی، عربستان و جنوب ایران به عمل می آیم. برگ درخت من بیضی کامل است که سطح فوقانی آن سبز و سطح زیرین آن سفید است، و میوه من هم بیضی شکل می باشد.

قسمت مورد استفاده من پوست درخت من است که دارای هفده درصد تانن، یازده درصد مواد نشاسته ای، کمی چربی و یک ماده صمغی است، بعلاوه دارای کمی مواد قندی و یک ماده رنگی است که در برابر قلیائیات قرمز و در برابر تریشها رسوب می کند. و نیز دارای چندین عامل دارویی هستم که میکرب جذام را از بین می برند. از پوست درخت من یک ماده رنگس به نام

«لاپاکول» به دست می آید. خوردن مقدار کمی از پوست درخت من ، ادرار را زیاد می کند. با این حسن که هیچگونه ضرری به قلب نمی رساند، از پوست درخت من نباید زیاد خورد، زیرا تولید قی و سرگیجه می نماید، من بهترین داروی ضد جذام هستم و چنانچه بیماری تازه بوده ، و مزمن نشده باشد، آن را درمان می نمایم . در داروسازی جدید نیز اثر پوست درخت من در کشتن باسیل هانس «جذام» ثابت شده است .

### اسم من «فلوس» است !

فشار خون را کم می کنم . گل من ، لنت دهنده خوبی است . جوشانده ام برفک دهان کودکان را از بین می برد. ضماد شهد من درد مفاصل و نقرس را درمان می کند. و اگر از درد گلو ناراحتید، از من استفاده کنید...

فارسی من سابقا «خیار چنبر» بود که اعراب به آن خیار شنبر می گفتند. ولی از موقعی که خیار چنبر نامگذاری کردند، مرا فلوس نامیدند. در بلوچستان به من چونتور - چیکمانی می گویند. عربی من «خرنوب - هندی» است . در کتب مختلف به من اسامی خیار شنبه ، کریال ، کرداله ، املتاس ، سیال و لاتهی داده اند.

درخت من در بلوچستان ۱۰ تا ۱۵ متر بلندی پیدا می کند، و خودرو می باشد. گلهای درخت من زرد و خوشه ای است . میوه من نیامی است که وسط آن به وسیله پرده های نازک چوبی به چند حجره تقسیم شده ، و در هر حجره یک دانه و وسط آن شهد غلیظی وجود دارد. قسمت مورد استفاده من شهد میوه ناشکفته من است . طول میوه من گاهی به شصت سانتی متر می رسد. پوست آن سخت ، خاردار و به رنگ تیره است . شهد من شیرین ولی نامطبوع است ، دارای مواد قندی صمغی و لعابی است ، شهد میوه من ملین سینه و معده است . فشار خون را کم می کند، مضمضه آب جوشانده آن ، جوشهای دهان را از بین می برد، و برفک اطفال را پاک می نماید. مسهل خوبی برای پیران ، اطفال و زنان باردار است . و خوردن آن هیچگونه عوارض و زیان ندارد. غرغره با آب گشنیز تازه ، و شیره من برای گلودرد نافع می باشد. ضماد شهد من درد مفاصل و نقرس را از بین می برد، و ورمهای سخت را نرم می کند. گل من نیز ملین است . مخصوصا اگر با آن مانند گلقد گلنگین تهیه نمایند. برگ نورسته درخت من نیز ملین است .

مقدار خوراک مغز میوه من سی تا شصت گرم به عنوان مسهل و چهار تا هشت گرم به عنوان ملین است . مقدار خوراک آن برای اطفال سه گرم بر حسب ، هر سال از عمر آنها است . مغز میوه من به عنوان مسهل تولید ناراحتی نمی نماید و بسیار خنک می باشد.

### لرگ

فارسی من «لرگ» است . به من لارگالارگی می گویند. در رودبار به درخت من کوچی و کوچ - در آستارا موتالی و در سیاهکل کوهول می گویند. درخت من در تمام جنگلهای شمال ایران بطور خودرو می روید و به آن لرخ و دله کوچی می گویند. در باغها و پارکها هم مرا به عنوان درخت زیتنی می کارند. در جنگلهای مازندران گیلان قامت درخت من به بیست متر می رسد.



درخت من از خانواده گردو است ، و صاحب کتاب مخزن الادویه به علت شباهت زیاری که درخت من با خرنوب بستانی دارد آن را یکی دانسته است ، و این اشتباه است . خرنوب بستانی از خانواده پروانه و من از خانواده گردو می باشم . ولی به هم شباهت زیادی داریم .

برگ درختان من مانند برگ درخت گردو سمی است ، و ماهی کوچک را می کشد و به همین جهت ماهیگیران در شمال از آن برای صید ماهی استفاده می کنند. باید این کار را قدغن کرده ، و از آن جلوگیری نمایند. خوردن این ماهیها برای مبتلایان به سرطان مفید می باشد. به شرطی که مسمومیت زیاد نباشد، من از آن جهت وارد زبان خوراکیها شده ام که به شما بگویم من منافع بسیار دارم ، ولی بدون تجویز پزشک نباید از من استفاده کرد. له شده برگهای درخت من کچلی و امراض جلدی را از بین می برد، و تومورهای سرطانی را کوچک کرده و از پیشرفت سرطان مخصوصا سرطان حنجره جلوگیری می کند. پزشکان و داروسازان نباید از منافع سرشار من در معالجه سرطان غافل شوند. جوشانده برگهای من از رشد سلولهای سرطانی جلوگیری می نماید. عصاره برگ من اثر معجزه آسا در جلوگیری از رشد تومورهای سرطانی دارد. خوردن مقدار کمی از آن کرمهای گرد روده را می کشد. به موسسات علمی که در راه معالجه سرطان مطالعه و تحقیق می کنند، بگویند که هر چه زودتر دست به کار شده و با طرق علمی از برگ و میوه من بهره برداری نمایند. هر وقت از داروهای دیگر جهت امراض قارچی پوست استفاده نکردید، به سراغ من بیایید، من شما را درمان خواهم نمود.

مبتلایان به سرطان با تجویز پزشک معالج خود می توانند از جوشانده برگ و میوه های من همراه با داروهای قابض استفاده کرده ، دم کرده برگ من درمان مرض قند است .

### من «کرچک» هستم!

فارسی من بید انجیر می باشد، و در شیراز به من کنتو گویند، ولی در همه شهرهای ایران به نام برکی کرچک معروف می باشد. عربی من خورج است . گیاه من پایا است . یعنی ریشه آن سالها در زمین می ماند و همه ساله از آن ساقه ای تازه می روید. و پس از گل کردن و دانه دادن ، خشک شده و از بین می رود و سال بعد مجددا از آن ریشه ساقه ای نو بیرون می آید، در جنوب ایران نوعی از من به صورت درختچه است که چهار متر طول دارد، برگهای من بزرگ و شبیه برگ انجیر است . گلهای گیاه من خوشه ای بوده ، و در ماههای مرداد تا شهریور ظاهر می شوند، و به صورت نر و ماده می باشند.

میوه من به صورت کپسولی خاردار است که معمولا دارای سه دانه روغنی است . در این دانه ها مقدار روغن تا شصت درصد هم می رسد. دانه های من علاوه بر روغن دارای مواد معدنی و سفیده ای و چند عامل دارویی است . برگ و دانه های من ملین و محلل اورام است ، و خاصیت لینت دانه های من بیشتر از برگ است چون دو عدد مغز و دانه مرا ساییده و با عسل بنوشند، مسهل خوبی برای بلغم است و اشتها را از بین می برد. مقدار خوراک دانه های من از پنج تا ده عدد است . ولی برای اطفال خوب نیست و گاهی تولید مسمومیت شدید و خطرناک می کند، به طوری که مصرف ۳ تا ۴ دانه در اطفال و ۱۵ دانه در اشخاص بزرگ موجب مرگ می شود. ضماد دانه های من جهت زگیل و کک و مک و نرم کردن ورمهای سخت و تسکین ورم

مفاصل و نقرس ، و با سرکه جهت ورم پستان و اواخر باد سرخ تجویز می شوند. برگ من ضعیف تر از دانه های من است ، ولی قدرت پادزهری آن بیشتر است . برای رفع مسمومیت تریاک ، خوردن عصاره برگ من بطور مکرر و قی کردن توصیه شده است . ضماد دانه های من با آرد جو جهت ورمهای گرم چشم و ورم زیر گلو و سایر اعضا نافع است . مالیدن آن به بناگوش برای رفع گوش درد سودمند می باشد. و با کف دریا «ذبد البحر» جهت گری و با آب تره جهت بواسیر چه بخورند و چه بمالند مفید می باشد. داروسازان سنتی ایران جهت معالجه بواسیر چنین دستور داده اند که مقداری دانه های کرچک را در ظرف مسین ریخته روی آتش گذاشته و روی آن را با یک ظرف مسین بپوشانند و بگذارند تا خوب گرم شده روغن بیاندازد و برای هر مثقال آن ۰/۱ گرم کافور خالص در آن ریخته و باز سر آن را بپوشانند تا گداخته شود، بعد از روی آتش برداشته ، بگذارند سرد شود و بعد از طهارت پس از قضای حاجت ، موضع را خوب شسته و خشک کرده و این روغن را نیم گرم کرده بمالند تا از بین برود. مالیدن این روغن جهت پوسته شدن پوست بدن و جوشهای عصبی و کک و مک نیز مفید می باشد.

از دانه های پوست کنده من روغنی به دست می آید که به روغن کرچک معروف است ، و در داروخانه ها فروخته می شود. برای مصارف دارویی ، روغن فشار اول به کار می رود، و روغنهای فشار دوم و سولفورده جهت کارهای صنعتی است . روغن فشار اول را برای مصرف بیماران بهتر آن است که با زغال حیوانی صاف و زلال نمایند و بعد آن را به قطر هفت تا هشت سانتی متر در برابر خورشید قرار دهند تا به کلی بی رنگ شود. اگر بخواهند آن را بدون بو نمایند کافی است که بخار آب را مدتی در داخل روغن نموده و جریان دهند تا توی آن به کلی از بین برود، روغن کرچک ملین و مسهل خوبی است ، در معده و روده ها ایجاد تحرک می کند و به همین جهت است که بهترین مسهل برای زنان باردار می باشد... و این روزها برای عکسبرداری از معده بهترین مسهلی که قبلا می دهند روغن کرچک می باشد و یگانه عیب آن بوی بد و طعم ناگوار آن است . برای رفع این عیب معمولا آن را با زرده تخم مرغ و آب به هم زده و مخلوط نیم محلولی درست می کنند. مالیدن روغن کرچک به سر، شوره را از بین می برد و مو را تقویت می کند. مقدار خوراک روغن کرچک به عنوان ملین دو تا ده گرم و به عنوان مسهل ده تا شصت گرم و برای اطفال دو گرم ضرب در عمر آنهاست . و همین مقدار را با یک زرده تخم مرغ مخلوط کرده تنقیه می نمایند.

### اسم من «برنج» است !

از ترکیبات فسفسری فراوان دارم . مواد نشاسته ای و قندی را در من جستجو کنید . اگر گرد مرا به دماغ بکشید، از خونریزی آن جلوگیری می کنم . در صورتی که مرا با آب خربزه مخلوط کرده باشید از بین برنده کک و مک هستم ، بو داده مرا برای رفع دل پیچه و زخم روده به کار برید...

فارسی من برنج است ، در ترکستان به من گرنج گویند. عربی من ثمن است ولی بیشتر ارز به ضم الف گویند که معرب آن کلمه یونانی است . من گیاهی از دسته غلات می باشم که بعد از گندم قوت غالب نیمی از مردم جهان را تشکیل می دهد . من در باتلاقها کاشته می شوم ، و بایستی ساقه من در آب باشد تا رشد نماید. مشروط بر اینکه سر ساقه من از آب بیرون باشد و چنانچه

در اثر سیلاب ساقه من در آب فرو رود و چند روز زیر آب باشد، پوسیده و فاسد خواهیم شد. زادگاه اولیه من چین و ژاپن است و در ایران در اکثر نقاطی که دارای رودخانه است مثل استانهای گیلان، مازندران، گرگان، خوزستان، فارس، کرمانشاه، خراسان، اصفهان، کرمان، قزوین، لرستان، آذربایجان و کردستان مرا می کارند. ساقه گیاه من که به آن ماشوره می گویند، بندبند است. میوه گیاه من تا زمانی که آن را از پوست در نیاورده اند به نامهای شلتوک، چلتوک و شالی نامیده می شود، ولی پس از آنکه پوست آن را در اثر کوبیدن بگیرند به نام برنج می نامند.

### بیماری بری بری

«بری بری» یک بیماری قدیمی است، بطوری که در یک کتاب چینی که در پنجهزار سال پیش نوشته شده، به آن اشاره گردیده، این بیماری که به صورت فلج عضلانی در اختلالات عصبی ظاهر می شود، یک مرض بومی در خاور دور می باشد که در سالهای گذشته گاهگاهی به صورت همه گیر شایع شده، و تعداد زیادی را از بین برده است و این بیماری نتیجه خوردن برنج سفید کرده می باشد. مطالعه در اطراف آن منجر به کشف ویتامینهای گردید و معلوم شد که در پوسته خارجی چلتوک یک ماده غذایی وجود دارد که فقدان آن علت اصلی این بیماری است و دانشمندان توانسته اند آن را از پوست برنج استخراج کرده و به نام ویتامین «ب ۱» نامگذاری نمایند. این بیماری با اینکه نتیجه خوردن برنج سفید کرده است معذک هرگز به صورت کامل و به صورت یک مرضی بومی در ایران حتی در سواحل بحر خزر دیده نشده است، و آن چند علت دارد:

- ۱- پزشکان و داروسازان سنتی ایران بیماری «بری بری» را مزوره می گفتند، و عقیده داشته که این مرض در نتیجه خوردن برنجهای لعابدار که در خاور دور به عمل می آید باشد، و برنجهای ایران و هند فاقد این مضرات می باشند.
- ۲- یکی دیگر از دلایل عدم وجود بیماری «بری بری» در اطراف دریای مازندران نفوذ مذهب اسلام می باشد. زیرا خوردن مشروبات الکلی «ویتامین ب» موجود در بدن را از بین برده، و باعث تشدید این بیماری می شود و چون دهقانان به علت آنکه مشروب در اسلام حرام است، از خوردن آن امتناع می نمایند، دچار کمبود این ویتامین نشده، و تندرست می مانند.
- ۳- علت سومی که می توانیم برای عدم ابتلای به این بیماری بیان کنیم، این است سواحل بحر خزر سبزی فراوان است و ساکنان آنجا به خوردن سبزی علاقه زیاد دارند: و نیز می توان گفت که آنها هرگز کته را خالی نمی خوردند و غالباً با ماست یا پنیر تناول می نمایند که در آنها نیز ویتامین «ب ۱» زیاد وجود دارد.

### سوپ چلتوک

با اینکه بیماری «بری بری» در ایران به صورت یک بیماری بومی دیده نمی شود، معذک می توان گفت که ایرانیان به طور کلی از عوارض کمبود ویتامینهای «ب» مصونیت ندارند و عوارضی در همه ماها که با برنج تغذیه می نمایم دیده می شود که عامل اصلی آن خوردن برنج سفید شده است و روی این اصل در کتاب اعجاز خوراکیها به خوانندگان توصیه شده است که گاهگاهی سوپی از پوست برنج ترتیب داده و با غذا میل نمایند. این سوپ بیش از آنچه متصور بود مفید واقع شد، بطوری که

عده ای آن را اکسیر جوانی و آب حیات لقب دادند، و از خوردن آن در خود احساس وجد و شعف فوق العاده کرده ، و جوانی از دست رفته را به دست آوردند. شما نیز می توانید از این غذای سلامتبخش استفاده کنید.

### کنه و چلو

غالباً از ما می پرسند که کنه مفیدتر است یا چلو... در جواب باید بگوییم که داروسازان سنتی ایران خوردن برنجهای لعابدار را به صورت کنه جایز ندانسته ، و عقیده داشتند که باید آنها را خیس کرد و بعد از شستشو جوشاند و چندین بار آبکش نموده تا بکلی لعاب آنها گرفته شود، ولی در برنجهای ایرانی این علت وجود ندارد، و می توان آن را به صورت کنه هم خورد. بعقیده پزشکان سنتی ایران طبیعت برنج صاف کرده سرد، و برنج صاف نکرده کمی گرم است . کسانی که مزاج سرد دارند باید کنه بخورند و کسانی که مزاجشان گرم است ، بایستی برنج را به صورت چلو مصرف نمایند.

بر خلافهای فرنگیها و فرنگی مآبها، برنج غذای خوب . مفیدی است و اروپاییان که برنج را تکذیب کرده اند مقصودشان همان برنجهای سفید لعابدار است ، نه برنجهای قرمز و پرورش یافته ایرانی . برنجهای ایرانی مخصوصاً اگر با روشهای سنتی تهیه شوند، و هیچگونه عیب و ضرری در آنها نیست ، و یگانه زیان آنها چاق کردن است ، به همین جهت که ما همواره توصیه می نمایم کسانی که استعداد چاق شدن دارند، نباید در خوردن آن افراط نمایند. اکنون اجازه فرمایید دانه های برنج خود را معرفی نمایم: دانه های ما را ۱۲ تا ۱۴ درصد آب ، ۸۰ درصد مواد نشاسته ای و قندی ، ۵ تا ۹ درصد مواد سفیده ای ، کمی چربی و کمی ترکیبات فسفردار دارند. جوشانده ۳۰ تا ۴۰ در هزار دانه های برنج برای معالجه اسهال توصیه می شود . بهترین ضماد آرد من جهت رفع مبتلایان به اسهال ، کنه با ماست و کنه با سماق است . ضماد آرد من جهت رفع التهابات پوستی و پودر کوبیده آن جهت بر طرف کردن قرمزی اطراف دستگاه تناسلی اطفال که در اثر تماس با پیشاب قرمز شده باشد، به کار می رود. آرد برنج جهت تغذیه اطفال مخصوصاً به صورت حریره غذای بسیار مفیدی می باشد.

شیر برنج : یکی از غذاهای سنتی ایران شیر برنج است که معمولاً آن را با شکر یا شیر می خورند، این غذا نیز چاق کننده و مقوی قوای تناسلی است ، و خوردن سرد آن مسکن تشنگی و مسکن اسهال صفراوی بوده ، بهترین غذا برای مبتلایان به اسهال خونی ، دل پیچه و زخم روده می باشد، و برای رفع احتقان رحم و امراض گرده و مثانه نافع است و خوردن آن رنگ رخساره را باز و نیکو می نماید و برای مسلولین غذای بسیار نافع است و مفیدی می باشد. مخصوصاً اگر آن را با شیر الاغ پخته باشند. تهیه شیر برنج با برنجهای لعابدار خوب نیست و غذاشناسان آن را منع کرده اند، تنقیه آب خیسانده برنج ، جهت رفع اسهال و دوالی «واریس» ، دل پیچه و زخم معده نتایج نیکو دارد و برای این کار اگر برنج را بطوری بو دهند که رنگ سرخ و تیره و سیاه نشود و نسوزد، و بعد ده تا پانزده مثقال آن را صاف کرده ناشتا بیاشامند، جهت امراض مذکور و رفع کرم معده و بند آوردن قی سودمند می باشد. نوشیدن آب خیسانده برنج بدون نمک مسکن عطش زیاد است ، اگر آب خیسانده مرا با هم وزن آن شیر مخلوط کرده ، ده روز متوالی بنوشند، برای تقویت قوای شهوانی نافع می باشد. بالا کشیدن گرد برنج در بینی خون دماغ را بند می آورد، شستشوی با آب خیسانده من سوراخهای پوست بدن را باز می کند. مالیدن آن با آب خربزه جهت رفع کک و مک و آثار جلدی

مفید است . ضماد آرد من با پیه بز جهت باز شدن دهانه دمل و پاشیدن آن جهت جراحات تازه مفید است . و چون جواهر مخصوصا مروارید با آب جوشانده برنج یا بهتر با آب شلتوک برنج بشویند، چرک آن را زائل کرده ، و به آن جلا می دهد و همچنین اگر آرد بسیار نرم مرا به آن بسایند وبعد خشک کرده بشویند، و چند مرتبه تکرار نمایند، بسیار صاف و با جلا می شود.

### اسم من «کتان» است !

فارسی من کتان است . در بلوچستان به زبان محلی به من «آلسی» گویند. عربی من فارق و ملسج است ، ولی اعراب بیشتر به من کتان با تشدیدتا می گویند، از الیاف من مانند الیاف کنف پارچه ای می بافند که به پارچه ای کتانی معروف است ، و بهترین پوشاک تابستانی است ، زیرا به تن نمی چسبد و رطوبت و عرق بدن را جذب می کند. مخصوصا نو و نشسته آن . پوشیدن لباس کتانی برای لاغر شدن و همچنین درمان امراض جلدی سودمند می باشد.

بخور الیاف گیاه من دماغ را باز می کند و برای زکام مفید است . پاشیدن گرد سوخته آن خون و چرک جراحات را جمع می کند، مخصوصا اگر جوف زخم را از پارچه کتانی پر نمایند. برای زخم بندی پارچه های کتانی بهتر از پارچه های پنبه ای و پشمی است ، و به همین جهت توصیه می شود که باند و گاز با آن تهیه نمایند.

برگ من به صورت سرنیزه و گل‌های من خوشه ای به رنگ‌های زرد، آبی و سفید است ، و گل من صبح زود باز می شود و بعدازظهر بسته می شود، بوییدن گل من مفرح و مقوی قلب می باشد.

من انواع و اقسام زیادی دارم ، کتان معمولی گلش سفید و کتان زینتی گلش قرمز است ، من در اکثر نقاط ایران کشت می شوم ، و زادگاه اولیه من قفقاز و کناره های بحر خزر می باشد.

### تخم کتان

من دانه های میوه کتان هستم ، به من بزرک و برزک هم می گویند. خوردن من با عسل جهت سرفه و یک مثقال آن به تنهایی یا با ادویه مناسب جهت پاک کردن سینه و نفخ و تحلیل ورم‌های داخلی توصیه شده است . بو داده من قابض بوده ، و جهت بند آوردن خونریزی سینه و سرفه خونی نافع است . خوردن مرتب دانه های من هر روز نیم مثقال جهت تسکین درد روده ، زیاد شدن ادرار، عرق و حیض و نرم کردن مزاج و زخم کلیه است سودمند می باشد. چون یک مثقال مرا در آب جوشانده و لعاب آن را با تخم آن بنوشند برای ریزاندن سنگ کلیه مجرب می باشد. با عسل جهت ورم اسپرز و با کمی فلفل و عسل جهت تحریک شهوت مایوسان امتحان خوبی داده است . تنقیه جوشانده من جهت اخراج فضولات و چسبندگی روده نافع می باشد، نشستن در جوشانده دانه های من و دود آن مصلح حال رحم می باشد، ضماد دانه های من جهت ورمها و زخمهای سخت و با انجیر جهت کک و مک و با عسل جهت ترک ناخن و با بوره و خاکستر جهت زگیل و با روغن کنجد جهت زخمهای جلدی مفید می باشد. پاشیدن سوخته دانه های من جهت بهبود جراحات و تسکین درد سودمند می باشد. جوشانده غلیظ من جهت قولنج انسانی و حیوانی هر دو تجویز شده است . دانه های من بهترین دانه برای پرندگان خوش الحان مخصوصا قناری است ، و لعاب فراوان دانه های من خلط‌آور بوده و برای نرم کردن سینه و درمان سرفه مفید است ، و آواز را صاف می نماید.

مقدار خوراک دانه های من به صورت دمکرده ۲۰ در هزار دو فنجان در روز است . خیسانده یک قاشق دانه های من را در نصف لیوان آب سرد، با کمی قند صبح ناشتا می توان نوشید، برای درمان ورم روده می توان ۱۵ گرم دانه مرا همراه با هشت گرم گرد شیرین بیان در نیم لیتر آب جوش دمکرده ، پس از صاف کردن با کمی عسل نوشید.

بذر من به علت دارا بودن فسفر غذای خوبی برای اطفال و پرندگان است ، همچنین می توان جوشانده پنجاه در هزار آن را تنقیه کرد. آرد دانه های من می توان به صورت خمیر در آورد و پس از گرم کردن آن را در روی پارچه ای گذاشته و روی پوست قرار داد تا التهاب آن از بین برود، ضماد من ضد عفونی کننده پوستی است . ضماد من با آب سرد جهت صداع و جوشهای جلدی و التهابات پوستی نافع است و با اسفرزه جهت تسکین درد مفاصل و سیاتیک و نقرس تجویز می شود. گرد دانه های من باید تازه به کار برد. زیرا زود فاسد می شود.

### کتان مسهلی

فارسی من کتان مسهلی است ، اعراب به من کتان المسهل گویند. من در اطراف تهران ، ارتفاعات البرز، شمال لوشان ، ارتفاعات دماوند، شهرستانک ، توچال ، پلور، پس قلعه ، دربند، کوههای خشک بروجرد، کوههای لرستان و ارتفاعات الوند بطور خودرو به عمل می آیم ، و اکثرا مرا در قسمت سایه جنگلها، کنار رودخانه ها و پای دیوارها می توان یافت . گلهای من کوچک سفید رنگ ، کمی خمیده یا آویخته می باشد. کلیه قسمت های گیاه من مسهل ، ملین و پیشاب آور است ، و برای درمان استسقا تجویز می شود. قسمت های مختلف گیاه من دارای یک ماده تلخ ، یک رزین و یک ماده رنگی زرد است . از برگ تازه من چهار تا هشت گرم به عنوان مسهل می توان استفاده کرد. مقدار خوراک برگ خشک من چهار گرم است ، از دمکرده ۱۵ در هزار برگ من می توان یک فنجان نوشید.

### روغن بزرک

به روغن دانه های من روغن بزرک می گویند. روغن من زود خشک می شود، و با آن روغن جلا می سازند که در نقاشی زیاد مصرف دارد، برای تهیه روغن اسکاتیف که معنی روغن خشک شونده است ، روغن بزرک را آنقدر حرارت می دهند که آتش بگیرد و بعد آن را خاموش می نمایند. روغن باقیمانده روغن اسکاتیف است ، از روغن بزرک می توان برای نرم کردن شکم از راه تنقیه استفاده کرد. از بعضی نژادهای تخم کتان تا ۴۶ درصد روغن به می آید.

برای نرم کردن سینه و شکم می توان دانه کتان رانجوده با کمی آب بلعید، و یا در آب خیس کرد و لعاب آن را نوشید، روغن بزرک مانند روغنهای گردو، تخم توتون و روغن دانه های انگور دارای خواص ویتامین «اف» می باشد و به همین جهت است که برای رفع التهابات جلدی موثر می باشد و برای معالجه مرض قند و رفع یبوست به کار برد.

### من «خرمالو» هستم!

فارسی من خرمالو است. در گرگان به انواع من «آندو خرما» در مازنداران «انجیر خرما» در طوالش، «آمبرو»، در آستارا «اربه» در رامسر خرمندی و خروندی می گویند. در نور کجور و آمل به درخت نر من کلهو و کهلو و به درخت ماده من فرمونی نامگذاری کرده اند.

درخت من در جنگلهای شمال و جنوب ایران می روید، و در تهران و شهرهای دیگر مرا پرورش داده و پرورش یافته من بدون هسته می باشد، میوه من قرمز رنگ، خوش طعم دارای مواد صمغی و مازوتی است. میوه من موقعی که کال است، به علت داشتن مواد مازوتی گس می باشد، ولی پس از رسیدن تانن آن تبدیل به چندین نوع قند می شود و طعم آن گوارا می گردد، تاکنون در حدود دویست نوع از من دیده شده است. میوه من شبیه گوجه فرنگی و دارای پوست نازک است، من سرشار از ویتامینهای آ، ب و ث هستم، میوه من سینه را نرم می کند، ولی آن را موقعی باید خورد که کاملاً روی درخت رسیده باشد، میوه های کال من که خارج از درخت می رسند، منافع کمتری دارند. برای درمان اسهال خونی سیصد و تا پانصد گرم میوه رسیده مرا صبح ناشتا میل نمایید، دانه میوه من کوبیده و به صورت گرد در آمده باشد، سنگ کلیه و مثانه را می ریزاند، بدون آنکه به عمل جراحی احتیاج شود. در صنعت قنادی با میوه من انواع شیرینی و مارمالاد درست می کنند. مربا و کمپوت من نیز خوشمزه و مفید است.

### اسم من «اوکالیپتوس» است!

برگهای من خاصیت ضد عفونی دارد. جوشانده برگم ضد تب و لرز است. برای رفع برنشیت از من سود برید. جویدن برگهایم لته را محکم می کند. اگر مسلولین از جوشانده برگ من استفاده کنند، نتایج مفید در دفع اخلاط می گیرند... زادگاه اولیه من جنگلهای طبیعی استرالیا می باشد، به همین جهت در ایران و سایر کشورهای جهان من را به همان نام اصلی یعنی «اوکالیپتوس» می نامند. ارتفاع درخت من در زادگاه اولیه تا ۱۵۰ متر و قطر درخت من تا ۲۵ متر دیده شده، ولی در خارج از استرالیا طول من تاکنون از چهل متر تجاوز نکرده است. اعراب مرا «شجره الکافور» نامیده اند و این اشتباه است، زیرا داروسازان سنتی ایران لقب را به اقحوان یعنی بابونه گاو چشم داده اند و من انواع و اقسام دارم که دو نوع آن در ایران کاشته شده است، یکی اوکالیپتوس با برگ گرد و گوشتی، و یکی که هم اوکالیپتوس معمولی که نوع اول خواص طبی بیشتری دارد، در بلوچستان مخصوصاً در باغ کشاورزی زایل کاشته شده، و نوع دوم که اکالیپتوس معمولی است در چندین سال پیش در مازندان کاشته شده است. ریشه آن زمین را جذب می کند و به همین جهت برای خشک کردن باتلاقیها آن را می کارند. در تهران نیز این نوع زود رشد می کند، ولی چون ریشه های آن حوضها را باغچه ها و کف حیاط را از بین برده و خراب می کند، کشت آن کم شده است. چوب درخت من سخت و با دوام بوده و هرگز نمی پوسد، برگهای تازه درختم تا پنج درصد اسانس اکالیپتوس - یک ماده تلخ - کمی تانن و کمی مواد صمغی دارد.

از نظر درمانی تنها برگ من که دارای خاصیت ضد عفونی کننده است به کار رفته، و از آن اسانس اوکالیپتوس می گیرند.

برگ و اسانس من به طور بخور برای ضد عفونی کردن محیط فضای ساختمانم به کار می رود. برگ من با اینکه قابض است ، هرگز برای بند آوردن اسهال به کار نمی رود. جوشانده برگ من ضد تب و لرز است و در این خاصیت به پایه چوب گنه گنه نمی رسد، ولی اثر آن در معالجه نزله ، برنشیب چرکی و ساده قطعی است . جوشانده برگ من اخلاط را دفع می کند و به همین جهت برای مسلولین جهت تسهیل در خارج شدن اخلاط تجویز می شود، مشروط بر اینکه تب نداشته باشند.

به علت خاصیت ضد عفونی کننده و قابض که من دارم ، می توان مرا بهترین دارو جهت ضد عفونی کردن مجاری ادرار مرد و زن به کار برد تا ترشحات میکروبی آنها را بر طرف کند و چرک آن را از ببرد، جویدن برگ من لثه را محکم می کند و بوی بد دهان را از بین می برد. جوشانده غلیظ برگ من برای شستشوی زخمهای چرکی مخصوصا شستشوی گوش به کار می رود. اسانس من جهت از بردن شپش بهتر از گرد «د.د.ت» می باشد زیاده روی در خوردن من چندان خوب نیست . زیرا موجب فلج دستگاه تنفس ، ورم روده ، ورم کلیه و پیدا شدن خون در ادرار می گردد. مقدار خوراک من دو تا سه فنجان در روز از دمکرده بیست تا پنجاه در هزار از برگ من است . مرا به طور بخور و گاهی به صورت سیگارت به کار می برند.

### من «لاله سرنگون» هستم !

در شیراز گلی هست که می گرید و اشک میریزد و یکی از زیباترین گلهای وحشی است که به گل اشک و گل عاشق می گویند. اکنون اجازه بفرمایید، این گل عاشق پیشه خود را به شما معرفی کند. فارسی من گل سرنگون - لاله واژگون - اشک خونین و لاله احمر می باشند. عربی یک نوع من الکلیل الملک است و فرنگیها به من «فری تیلرامپریال» می گویند که ترجمه الکلیل الملک است . من گیاه و گل زیبای ایرانی هستم و از ایران مرا به علت قشنگی ای که دارم به خارج برده و پرورش داده اند. من در اکثر کوهستانهای ایران مخصوصا کوههای بختیاری ، کوههای قصر شیرین و صحنه ، کوههای کردستان و شمال غربی ایران می رویم و تاکنون شصت گونه از من شناخته شده است . پیاز من به صورت یک غده متورم ، گوشتدار بوده و دارای مقدار زیادی نشاسته و چندین عامل دارویی است و چون تازه باشد سمی بوده و قابل خوردن نیست ، ولی در چین سمیت آن را گرفته و در آشپزی از آن استفاده می کنند.

در طب سنتی چین که این روزها شهرت جهانی پیدا است که به آن گل من تحت نام «پی مو» یا «پی ای» استفاده می نمایند. ضماد پیاز من برای از بین بردن تاول و ورمهای سخت مفاصل بسیار نافع است .

### اکلیل الملک

من یک لاله واژگون هستم که در فارسی به من گیاه قیصر می گویند. رنگ گل من زرد، بنفش ، و گاهی سفید است . میوه من مثل غلاف تخم ترب و هلالی است و در میان غلاف تخم گردی کوچکتر از خردل شبیه شنبلیله وجود دارد.

در طب سنتی ایران تنها از بذر من استفاده می کردند.

بذر من مقوی و نرم کننده اعضاست ، چه بخورند و چه ضماد نمایند. ضماد من نرم کننده ورمها بوده و جهت درد شقیقه مفید است . ضماد پخته آن جهت ورمهای گرم چشم و مقعد نافع است . جوشانده آن با آب جهت زخمهای چرکی و آهکی سودمند



می باشد و با افسستین جهت ورم اسپرز و معده تجویز می شود. چکاندن عصاره آن درد گوش را ساکت می کند. جوشانده آن جهت تنگ نفس اثر عالی دارد. تنقیه جوشانده آن جهت تقویت روده ها و تسکین درد و ورم آنها مفید است ، مقدار خوراک بذر من دو مثقال می باشد.

### اسم من «حنا» است !

فارسی من حنا با فتح می باشد، و اعراب به من حنا به کسرحا و تشدید نون می گویند. گیاه من به صورت درختچه ای است که در شمال و مشرق افریقا و عربستان و شبه قاره هند می روید. در ایران در نواحی جنوب ، بلوچستان و کرمان مخصوصا در بم و نرماشیر به عمل می آیم ، درختچه من به طول شش تا هفت متر قامت دارد، در جوانی بدون خار و در پیری خاردار می شوم و اینکه بعضی از نویسندگان اروپایی درختچه خاردار و بی خار مرا دو نوع متفاوت نوشته اند اشتباه است ، در بعضی از شهرهای هند مخصوصا بنگاله درخت من خزان نمی کند و همیشه مانند مورد سبزی خاصی دارد. تکثیر گیاه من به وسیله بذر یا قلمه صورت می گیرد، گل من که داروسازان سنتی ایران به آن فاغیه لقب داده اند، سرخ مایل به سفیدی و بسیار خوشبو است و درختچه من در بنگاله سالی دو بار گل می کند. میوه من به قدر فلفل است .

در حدیث وارد است که من سرو گیاهان سبز بوده و خضاب با برگ من شعار اهل اسلام و ایمان است . سردرد را زایل می نماید، و بر نور چشم می افزاید و باه را تقویت می نماید.

قسمت مورد استفاده من برگ و گل من است ، اگر برگ و گل مرا با هم مخلوط کرده خضاب نمایند منافع بیشتری دارد، و حتی می گویند گل من رنگ حنا را زایل می کند. «این قسمت امتحان نشده و مورد تایید زبان خوراکیها نیست».

مئاسفانه تاکنون تمام عوامل مفید برگ و گل من کشف نشده ، و همینقدر می دانند که در برگ من تانن ، مواد چربی ، اسانس و یک ماده رنگی وجود دارد. این ماده رنگی در برابر هوا و نور قرمز می شود، و چنانچه مرا خیس کرده ، و در مقابل هوا و نور قرار دهید، روی آن قرمز شده و آنچه در برابر هوا و نور نیست سبز رنگ باقی می ماند. اگر از رنگ قرمز حنا خوششان نمی آید، می توانید از این خاصیت استفاده کرده خضاب را در تاریکی انجام دهید. یا با افزودن یک ماده ضد اکسیژن ، از اثر هوا در روی آن استفاده می نمودند.

رنگ من از رنگهای بی ضرر برای موی سر انسان است ، و از آن بیشتر در جشنها و مجالس عروسی برای رنگ کردن موی سر و صورت و کف دست و پا و آن استفاده می نمودند.

اگر گرد کوبیده مرا با آب اکسیژنه بیست حجمی مخلوط کرده ، به موی سر خود به طور متناوب ببندید، موهای شما رنگ حنایی روشن با تلالو آتشین پیدا خواهد کرد، اگر آن را با قهوه مخلوط کرده خضاب نمایید موی سر شما به رنگ بلوطی در می آید. برای جلوگیری از عرق کردن دست و پا، وسیله ای بهتر از خضاب با برگ من نیست و برای این کار بهتر است آن را با برگ گردو، و یا برگ هلو مخلوط نمایند. این خضاب ، اگرما و جرب را نیز معالجه می کند. در صنعت مثبت سازی نیز از من

برای رنگ نمودن چوب استفاده می نمایند. پشم و چرم را نیز می توان با برگ من رنگ نمود. اگر مرا با گل ریواس مخلوط کرده بر سر ببندید، رنگ طلایی به موی شما می دهد.

ضماد برگ من با سرکه در روی پیشانی جهت رفع سردرد دو طرفه تجویز شده است ، و با قطران و روغن زیتون جهت تقویت مو نافع است . «چون قطران سرطان زا می باشد، افزودن آن توصیه می نمودند».

خوردن دو مثقال خیسانده برگ من جهت یرقان و سنگهای کلیه و مثانه نافع است ، و برای درمان بند آمدن ادرار و ضد عفونی کردن مجاری ادرار نافع است ، داروسازان سنتی ایران را عقیده بر آن بود که خوردن خیسانده من با هفت مثقال شکر جهت ابتلای جذام به غایت مفید است ، و چون یک ماه مجذوم آن را مرتبا بخورد و معالجه نشود درمان به آسانی میسر نیست . شستشوی با آب جوشانده من جهت باد سرخ و سوختگی آتش و رفع التهابات جلدی سودمند می باشد. مالیدن کوبیده برگ من روی زخمهای آبکی نافع می باشد. ضماد برگ کوبیده من که با پیه مخلوط شده باشد، جهت التیام زخم خصوصا گوشه کردن ناخن مفید می باشد. خوردن بذر من قدر به یک مثقال با عسل و کتیرا جهت تقویت دماغ به غایت مفید می باشد.

خوردن یک مثقال گل من با بیست گرم آب و عسل جهت رفع انواع صداع نافع می باشد. مالیدن من با سرکه جهت صداع و به تنهایی جهت فالج و امراض دماغی و عصبی و التیام زخمها و بریدگیها و با موم و روغن گل سرخ جهت درد پهلو و کوفتگی اعضا سود فراوان دارد.

گذاشتن گل من در لباس مانع بید زدن و کرم گذاشتن آنها است و گویند در برگ من نیز این خاصیت وجود دارد. روغن گل من که از جوشانده آن در روغن زیتون به دست می آید، و داروسازان سنتی ایران آن را «دهن الفاغیه» نامیده اند، مقوی مو و نیکو کننده رنگ رخساره است ، و روغن برگ من نیز مقوی و محلل درد اعصاب و مفاصل است . زیاده روی در خوردن برگ من جایز نیست ، و بهتر است همیشه آن را بالعاب اسفرزه و کتیرا میل نمایند. هنگامی که در وان حمام استحمام می نمایند، یک قاشق حنا را در آب وان حل کنید و بعد اثر آن را ببینید.

### گل مغربی

فارسی من گل مغربی است ، زیرا همیشه هنگام غروب آفتاب گل من باز می شود و مدتی باز می ماند. گل‌های من درشت زرد رنگ بوده ، بوی خوشی دارند. من از خانواده حنا بوده و زادگاه من امریکای شمالی است ، ولی امروز مرا به عنوان یک گل زینتی در اکثر نقاط ایران می کارند و اعراب به من حشیشة الحمار می گویند. ریشه من ضخیم و گوشه‌دار و دارای رنگ قرمز بوده و خوراکی است . خوردن ریشه و برگ من خون را تصفیه می کند.

### فرنندل

فارسی و عربی من «فرنندل» است و به زبان فرنگی به من «سالی کر» می گویند. در سواحل دریای مازندران می رویم . سر شاخه های گلدار گیاه من قابض بود، و خون را بند می آورند و به علت داشتن لعاب فراوان مرا به عنوان خلطآور و آرام کننده تجویز می کنند. جوشانده ۹۰ تا ۱۰۰ گرم سر شاخه های گلدار تازه من در نیم لیتر آب جهت بند آوردن اسهالهای خونی و ساده

، ورم روده و رفع ترشحات زنانه ، خون دماغ ، اخلاط خونی ، خونریزی در فواصل قاعدگی تجویز و توصیه شده است . اگر سر شاخه تازه در دسترس شما نبود و خواستید از خشک آن استفاده کنید، سی تا شصت گرم آن را مصرف نمایند. و روز خوردن آن را ادامه داده و هر روز مقدار مصرف آن را کم نمایید.

### من «علف سرفه - فرفره» هستم !

اسم من فرفره است ، در اطراف تهران به گیاه من «پای خر» می گویند. عربی من «حشیشة السعال» یعنی علف سرفه است ، اعراب به من «دوست الحمار» هم می گویند. در کتب قدیم از من به اسامی منجون و فخریون یاد شده است . من در نواحی معتدله ، مخصوصا در دامنه کوه البرز، اطراف تهران شمیرانات ، سیاه بیشه ، اطراف کندوان راه چالوس و هراز به عمل می آیم . ریشه من کلفت و گوشتدار و قهوه ای رنگ است و برگهای من به وسیله دمبرگ درازی از ریشه بیرون می آید. گلهای من که نر و ماده هستند، در انتهای ساقه های فلسدار قرار دارند. نهج آنها پهن و شبیه گل داودی است . گلهای مرا قبل از شکفته شدن برای مصارف دارویی باید چید، ساقه های گیاه من در اول بهار قبل از پیدایش برگ ظاهر می شوند. میوه گیاه من فندقی بوده و از مشخصات آنها این است که یک دسته تار ظریف آنها را در بر می گیرد. بعضی از پایه های من در سال دو مرتبه گل می دهند. گلهای من دارای جوهر مازو «تانن» و چند ترشی و چند عامل دارویی است و از همه مهمتر دارای لعابی است که سینه را نرم می کند و به همین جهت در زبان فرنگی به آن «توسیلاژ» یعنی نرم کننده سینه می گویند. برگهای من دارای هیجده درصد خاکستر است که در آن املاح سدیم - پتاسیم - منیزی - گوگرد - و سیلیس دیده می شود. سابقا قبل از پیدایش توتون و تنباکو از دود و بخور آن جهت معالجه سرفه های خشک استفاده می کردند، و کشیدن آن را برای درمان نزله توصیه می نمودند. من بادشکن بوده ، و جویدن مقدار کمی از ریشه و برگ من جهت سرفه مزمن ، تنگ نفس و قرحه سینه نافه است .ضماد برگ و ریشه من با عسل جهت مداوای باد سرخ و گشودن دهانده دمل و التیام زخمها به کار می رود. حمول آن با عسل خارج کننده جنین مرده و زنده است . در داروسازی جدید فقط از گلهای ناشکفته من استفاده می کنند که خلطآور بوده و سینه را نرم می کند، و برای درمان لازنژیت ، برنشیت ، گریپ ، سرفه نزله و بیماری های سینه مفید می باشد، و برای پایین آوردن تب و معالجه بیماریهای کلیه و مثانه سودمند می باشد. اگر اشخاص مسن برگهای مرا دود کرده و مانند سیگار بکشند، اخلاط سینه آنها به آسانی خارج می شود. طبق آزمایشی که به وسیله نویسنده کتاب «زبان خوراکیها» به عمل آمده است . افزودن مقدار کمی از برگهای من به توتون و تنباکو از مضرات آنها می کاهد. مقدار خوراک گلهای من به طور دمکرده بیست تا سی در هزار، دو تا چهار فنجان در روز است . ولی قبل از نوشیدن بایستی آن را صاف کرد. شیر تازه برگ و گل من ۳ تا ۹ گرم مخلوط با عسل یا شیر تجویز می شود.

## اسم من «وسمه» است!

خضاب من با آب نمک برای سردرد نافع است. برای تقویت مو، مؤثرم. سرمه من را برای جلوگیری از آبریزش چشم تجویز کنید. سابقاً عقیده داشتند که اگر مرا به ابرو بکشند، قوه بینایی را زیاد می‌کنم. از خاصیت ضد عفونی‌کنندگی برخوردارم و اگر موی شما رشدش کم است از من سود برید تا رشد آن را زیاد کنم.

فارسی من وسمه است اعراب به من «کتم» می‌گویند. در مازندران به من شالخنه یعنی حنای شغال می‌گویند. بعضیها به غلط مرا «بیل بری» نامیده‌اند و این اشتباه است، زیرا گیاه من از خانواده صلیبیان و انواع درختچه نیل از خانواده پروانه‌اران می‌باشند. میوه درخت من خورجینی است و به قدر فلفل است و پس از رسیدن سیاه می‌شود. من انواع کوهی و بیابانی دارم، گل‌های من زرد رنگ می‌باشد و در برگ‌های من ماده رنگ‌کننده‌ای وجود دارد که سابقاً برای رنگ کردن ابرو از آن استفاده می‌کردند و عقیده عموم بر آن بود که علاوه بر تقویت موی ابرو، قوه بینایی را نیز تقویت می‌نماید، ماده رنگی برگ من سبز مایل به آبی است ولی در اثر اکسیژن هوا به رنگ نیلی در می‌آید و به همین جهت بود که سابقاً نوعی نیل از من استخراج می‌کردند که شباهت زیادی به فراورده‌های درختچه نیل داشت. ایرانیان را عقیده بر آن بود که باید مرا صبح چید و با یک آفتاب خشک کرد و پس از غروب آن را کوبید و کیسه کرد تا فاسد نشود. گیاه من در مازندران، کرمان و بلوچستان می‌روید و بهترین نوع من کرمانی است که رنگ آن مشک‌تری است. اگر می‌خواهید موی سر یا ریش خود را با کوبیده برگ من مشک‌کنید، قبلاً آن را خوب بشوئید تا چربی آن گرفته شود و بعد ابتدا موها را با حنا به صورت آستر رنگ کنید و بعد بشوئید و سپس کوبیده برگ مرا که با آب خمیر کرده و یا پخته روی آن ببندید و بگذارید رنگ بگیرد تا رنگ آن نیکو و شفاف شود.

برگ من دارای خاصیت ضد عفونی‌کننده جلدی است، و خضاب آن با آب و نمک و همچنین بخور آن برای سردرد نافع است روغن من که برگ مرا با هموزن آن روغن کنجد در وسمه جوش یا ظرفی دیگر با آتشی ملایم پخته باشند، برای تقویت و درازی مو اثری انکارناپذیر دارد. مالیدن این روغن جهت بواسیر و امراض مقعد مخصوصاً شقاق نافع است، آب برگ و جوشانده برگ من قی آور است، و سابقاً که واکسن هاری وجود نداشت، هاری را با جوشانده برگ من مداوا می‌کردند. سرمه برگ من جهت آبریزش چشم سابقاً تجویز می‌شد، چون بیخ گیاه مرا با آب بجوشانید تا غلیظ شود، برای نوشتن جانشین مداد می‌باشد. در خاتمه بد نیست بدانید که مرا در دکانهای عطاری به نام رنگ حنا می‌فروشند.

## درختچه نیل

انواع درختچه نیل در مناطق گرمسیر به عمل می‌آیند. تاکنون ۲۵۰ گونه از آنها دیده شده. کشت آنها قبل از تهیه نیل مصنوعی معمول بود، ولی اکنون متروک شده است. از نیل علاوه بر مصرف رنگرزی در تداوی نیز به علت خاصیت ضد عفونی‌کننده آن استفاده می‌نمایند.

### ما «مخلصه» هستیم!

داروسازان سنتی ایران ما را از آن جهت مخلصه نامیده اند که معتقد بودند هرکس بذر ما را بخورد، از سم حشرات حتی مار و عقرب خلاص شده و در امان خواهد بود. من انواع بسیار دارم که بر حسب اماکن مختلف تغییر شکل می دهد و تاکنون بیش از صد و بیست گونه از ما شناخته شده ، و به انواع گونه های مختلف ما گل کتانی ، دهان شیر، قلیحه ، گیانوروزی ، محاجم ، ایواح ، حباحب ، گشنیز کوهی ، بلبل شامی و تریاق کوهی می گویند. به یک نوع ما در شیراز کار دیک گویند.

در کتب داروسازان جدید سخن از پادزهر بوده ما در میان نیست ، فقط ما را ملین ، مسهل و عرق آور و کمی مخدر می دانند و علت این اختلاف عقیده برای آن است که خاصیت ضد زهر افعی و سایر حشرات در تمام انواع ما یکسان نیست ، و مخصوصا در انواع خارجی ما خیلی کم است و بر عکس در یک نوع ما که در شنزارهای رمل می روید و به آن تریاق کوهی می گویند، فوق العاده زیاد است و هرکس یک مثقال از برگ آن را بخورد، حتی از عوارض سم افعی خلاص می شود. این بذر یکی از اقلام مهم تریاق کبیر است که بهترین نوع آن در ماسه های اطراف شبانکاره که از توابع بوشهر می باشد به عمل می آید و در جاهای دیگر کمتر دیده شده است .

مامخلصه ها، همه در خانواده گل میمون قرار داریم ، یک نوع ما که در بلوچستان روییده ، و حباحب و جوزار ماتیوس نامیده می شود، و برای رفع بیماریهای پوستی تجویز می شود و از تحریکات جلدی می کاهد و ضماد آن برای بواسیر مفید است . نوع دیگر ما که در شمال ایران ، اطراف تهران ، کرج ، خراسان و اصفهان می روید و برگهایی تیر و کمانی به رنگ سبز دارد، و به اعراب لبلاب - احرش والاطینی گویند، دارای اثر مسهلی و ضد رقت خون است و جراحات را، ضماد آن التیام می دهد. گل کتانی که برگهای آن شبیه به گیاه کتانه است . در اواسط بهار می روید و در اواسط تابستان گل می دهد، و گل آن صورتی و یا کمی آبی است و آن را به عنوان یک گیاه زینتی می کارند و به آن گل کتانی ، کتان و حشی و مکنسه گویند و گل کتانی چنگ که به عنوان یک گل زینتی در گلخانه های تهران به عمل می آید. زادگاه اولیه آن سیبری است و به همین جهت است که آن را گل کتانی سیبری گویند. عربی آن حشیشه الشقوق و ترکی آن «زبل اوتی» است .

خوردن بذر ما جهت رفع قولنج ، تقویت معده ، کبد و اعصاب و رفع درد مفاصل و درد پشت تجویز می شود. به عنوان پادزهر حشرات ، چه آن را قبل از گزیدن و چه بعد از گزیدن بخورد، نافع است ، مقدار خوراک آن یک مثقال است .

### اسم من «سنا» است!

فارسی و عربی من سنا است ، در بلوچستان به انواع من کاس پیند، نیل تاک ، دیدوال و سناکوری گویند. انواع و اقسام من همه دارای خاصیت مسهلی می باشند. زادگاه اولیه من افریقا، عربستان ، هندوستان و بلوچستان است . قسمت مورد استفاده انواع گیاه من برگچه و میوه من است .

میوه من غالبا سنای هندی نامیده می شود. برگهای من مرکب بوده و معمولا از پنج تا هفت زوج برگچه تشکیل شده است . برگچه ها دراز، باریک و نوک تیز هستند، گلهای من زرد رنگ و میوه من غلافی بدون انحنای می باشد. برگهای مرا در بهار باید

چید، ولی یک نوع من تابستانی است که برگ آن عریضتر و گل آن زرد است و در عربستان سعودی آن را شرق نامند. میوه این گونه سنا مسطح و دارای دو کنار قوسی است که انحنای یکی از کناره ها کمتر است .

نوع ایرانی من که به سنای فارسی معروف است ، در بلوچستان ، بندر عباس و جنوب ایران می روید. ضخامت برگچه های آن زیاد است ، و هر برگچه دارای دمبرگ کوتاهی به رنگ نارنجی است . میوه من نیز با سنای مکی فرق فاحش دارد کناره های میوه من بر خلاف سنای هندی و مکی تحذب زیادتر داشته و رنگ آن مایل به قهوه ای است . در برگچه و میوه من عوامل دارویی گوناگون وجود دارد، و به علاوه دارای کمی صمغ ، املاح منیزی و نوعی قند است که مقدار آنها در گیاهان خودرو و پرورش یافته فرق می کند.

برگچه و میوه من دارای اثر مسهلی است ، و به مقدار کم مختصری ایجاد دل پیچه می کند و به همین جهت در طب جدید آن را همراه با کمی بلادن تجویز می نمایند ولی داروسازان سنتی ایران مرا با روغن بادام یا گل سرخ به مریضها می دادند تا عوارض برگچه های مرا قبل از مصرف ۴۸ ساعت در چهار برابر وزن آن الکل ۹۵ درجه قرار می دهند. با این عمل از قدرت مسهلی من کاسته شده ، و عوارض آن برطرف می شود. برگچه های من اگر مدتی در آب جوشیده شوند، اثر مسهلی خود را از دست خواهند داد. تجویز من برای زنان باردار و بچه شیرده ممنوع است ، مگر موقعی که بخواهند به بچه شیرخوار مسهل بدهند. در این صورت به مادر سنا می دهند تا شیر او در کودک حالت مسهلی ایجاد نماید. من مسهل بلغم ، سودا و صفرا هستم ، و اخلاط سوخته را دفع می نمایم من مقوی و ضد عفونی کننده پوست بدن هستم ، مرا جهت درد شقیقه ، صداع کهنه ، جنون ، درد پهلوی، تنگی نفس ، قولنج ، سیاتیک ، نقرس ، داءالثعلب ، داءالحیه ، زخمهای کهنه ، کشتن کرم معده ، ترک دست و پا و درد مفاصل تجویز می نمایند. نوشیدن جوشانده چهار گرم برگ من در شانزده گرم روغن زیتون که به نصف برسد، جهت درد کمر و بواسیر نافع است ، خوردن یک مثقال کوبیده برگ من با عسل سه روز متوالی تا هفت روز جهت برطرف شدن درد مفاصل و نقرس سودمند می باشد. مقدار خوراک برگ من سه تا پنج گرم است ، و این مقدار ابتدا تولید قراقر در شکم کرده ، و بعد اثر دفع بطور خفیف ظاهر می شود، و پس از پنج تا شش ساعت کامل می گردد. دمکرده ۱۰ تا ۳۰۰ گرم آب ، به عنوان مسهل و یک چهارم آن به عنوان ملین داده می شود. کسانی که از برگچه و میوه من به عنوان مسهل استفاده می کنند نباید قلیائیات مثل جوش شیرین و آب آهک مصرف نمایند.

### قره تاج

فارسی من قره تاج است ، اعراب به من ام الکلب و اناغورس گویند. من جنگهای کردستان به مقدار زیاد می رویم و در خارج از ایران در منطقه مدیترانه و بعضی از نواحی آسیایه به عمل می آیم - درخته من سک تا سه متر طول دارد و دارای برگهای مرکب از سه تا برگ و دمبرگ دراز است . گلهای من به رنگ زرد و میوه من به صورت غلاف قوسی شکل است . از تمام قسمت‌های مختلف گیاه من بوی نامطبوع استشمام می شود.

میوه من که شبیه لوبیا می باشد. دارای اثر سمی است و غالباً اطفال آن را با لوبیا اشتباه کرده مسموم می شوند. شیر حیواناتی که از گیاه من بخورند بدبو می شود. در دانه های من یک ماده رنگی یک ماده روغنی وجود دارد. برگ ، ساقه و ریشه گیاه من به مقدار کم مسهل و ضد کرم بوده ، قی آور و قاعده آور است . داروسازان سنتی ایران گیاه مرا بهترین درمان هاری و پادزهر سموم حشرات می دانستند و آن را ینبوب می نامیدند.

### ما «درمنه» هستیم!

ما چند نوع گیاه هستیم که خاصیت اصلی سرشاخه های گلدار و برگ ما، کشتن کرم بوده ، و بطور خودرو در سرتاسر ایران و ترکستان شوروی می رویم ، به انواع ما درمنه خراسانی ، درمنه ترکی ، درمنه ارمنی ، علف جاروب ، خنجک و قيصوم انثی می گویند. عربی ما شیخ و نبات سنتونین است و اعراب به مرغوبترین ما شیخ خراسانی می گویند. کارخانجات داروسازی روسیه از محصول ترکستان یک ماده عامله دارویی ضد کرم ، به نام سنتوتین می گیرند که تا چند سال پیش معروفترین و پربهاترین دارویی ضد کرم بوده . گلهای ناشکفته آن که در اواخر خرداد اوایل تیر چیده می شوند، تا ۳/۶ درصد سنتوتین دارند. چهل سال پیش مقادیر زیادی از محصول ایران به آلمان صادر شد، متأسفانه نمونه های ارسالی یا فاقد سنتوتین بود یا حداکثر ده درصد داشت .

به عقیده نویسنده زبان خوراکیها، مقدار سنتوتین بستگی به موقع برداشت محصول و طرز نگاهداری آن دارد، چنانچه از ۲۵ خرداد تا دهم تیر گلهای ناشکفته را چید و سنتوتین آنها را به وسیله آهک تثبیت نماییم ، مقدار زیادی سنتوتین خواهد داشت . سنتوتین کرمهای دراز معده را کشته ، یا بیهوش می کند و معمولاً آن را با یک مسهل می دانند تا کرمهای بیهوش شده ساقط شوند. نوع دیگر ما که به درمنه ترکی معروف بوده ، و در کتب قدیم آن را درمنه کوهی نامیده اند در خراسان ، کرمان ، بلوچستان ، قلعه دختر، کوه لاله زار. کوه نصر و کوه هراز می روید بهترین داروی ضد کرم است ، ولی همانطور که قبلاً اشاره شد، در نمونه های ارسالی به آلمان حداکثر ۰/۲۵ درصد در آنها سنتوتین دیده شد. یک نوع دیگر ما که به علف جاروب معروف است ، و در اطراف تهران ، رباط کریم و شیراز می روید دارای اثر ضد کرم بوده ، ولی در آن سنتوتین دیده نشده است و ماده عامله آن معلوم نیست . مقدار خوراک انواع درمنه دو تا شش گرم است که به طور جوشانده می نوشند و یا تنقیه می نمایند، و تا ده گرم می توان آن را خورد. درمنه بر سنتوتین رجحان دارد و نباید آن را به طفل کمتر از دو سال داد

انواع درمنه و سنتوتین ، قند ادرار را کم می کند و یکی از داروهای ضد مرض قند می باشد. ما درمنه ها باز کننده گرفتگیهای داخلی معده و از بین برنده بلغم بادشکن می باشیم . ضماد گیاه ما جهت درمان گری و ریزش مو سودمند می باشد و چنانچه مار را روی محل نیش عقرب بگذارید، نافع است . جوشانده ما جهت مداوای تنگ نفس - سسکسه - و دل پیچه و درد کشاله ران تجویز می شود. در کتب قدیم درمنه ترک به دانه های گیاهی دیگری اطلاق می شد که بعداً خود را معرفی خواهد کرد.

## اسم من «ماست» است !

فارسی من ماست است . اعراب به من لبن الحامض گویند. ترکان به من «یوغورت» می گویند، و چون مرا ترکان از راه بلغارستان به کشورهای اروپایی برده اند، و در بیشتر کشورهای خارجی اسم ترکی من به کار رفته است . برادر من پنیر هنگام معرفی خود معمایی مطرح کرد و پرسید آیا کسی می داند نخستین ماست را چگونه را تهیه کردند؟ سوال بسیار جالبی بود، زیرا برای تهیه ماست تازه ، بایستی به آن از ماست کهنه بزنند و چون در روز اول ماستی درد دسترس انسان نبوده است ، تهیه ماست بدون مایه معمایی است که تاکنون کمتر کسی به آن پاسخ صحیح داده است . اما از آنجایی که هیچ سری نباید از خوانندگان زبان خوراکیها پنهان بماند، من امروز می خواهم از روی این راز پرده برداشته ، و آن را فاش نمایم ، و ضمناً ثابت کنم که زادگاه اولیه من ایران بوده و از ایران به بلغارستان رفته و جهانگیر شده است . برای تهیه من بایستی شیر را جوشانده و بعد به آن یک قاشق ماست زده ، سر آن را پوشانده بگذارند تا شیر منعقد شده و سفت گردد. این کاری است که هزارها سال است معمول است . برای تهیه ماست سفت بایستی شیر را پس از آنکه چربی آنرا گرفتند، بجوشانند تا غلیظ شود و بعد به مایه زده بگذارند بسته شود. عامل انعقاد شیر در اینجا موجودات زنده ذره بینی است که در ماست وجود دارد و در روی شیر رشد کرده ، و باعث انعقاد آن می گردد، علاوه بر عامل فوق عوامل دیگری در ماست به مرور ایام پیدا شده و قند شیر را به ترشی بدل می کنند، و به این ترتیب خواص اصلی مرا کمی تغییر می دهند ولی اگر شما بتوانید مرا بدون ماست کهنه تهیه کنید، به زودی ترش نشده و خواص بیشتری خواهم داشت . اکنون گوش کنید تا من این راز بزرگ را برای شما علنی نمایم .

در ایران در کردستان و نزدیک خانه گیاهی در اطراف یک آب معدنی می روید که فارسی آن «علف ماست» بوده و اهالی محل به آن «یوغورت اوتی» می گویند. این گیاه از خانواده شیر پنیر است و شیر پنیر آن را برای شما معرفی خواهد کرد. شیر این گیاه شیر را منعقد کرده ، و تبدیل به ماست می کند، و ماستی که با این گیاه تهیه شود، به مراتب مفیدتر، خوشبوتر و خوشمزه تر خواهد بود. در این ماست اکسیر طول عمر به مراتب بیشتر از ماست معمولی است . چنانچه ماست ترش شده را در کیسه انداخته و آب آن را بگیرید، با آن می توانید کشک و قره قروت تهیه نمایید که شرح مفصل آن در معرفی کشک داده شده است . من سرشار از مواد سفیده ای گوناگون و انواع ویتامین «ب» «هستم ، ضمناً دارای ویتامین «ث» و ویتامینهای محلول در چربی ، مثل ویتامین «آ-د-اف-ای» می باشم و تمام ترکیبات و خواص شیر در من جمع شده است . بر خلاف شایع ماستی که چربی آن گرفته شده باشد، به مراتب بهتر از ماست چرب می باشد. چون این ماست دارای ویتامینهای محلول در آب مثل ویتامینهای ب و ث به مقدار زیاد است ، توت تنها مقصی که دارد، مقدار ویتامینهای محلول در چربی آن کم شده است . من مسکن تشنگی و یکی از بهترین نانخورشها می باشم . عمر را زیاد می کنم و کسانی که در غذای روزانه آنها همیشه ماست وجود دارد، دارای عمر طولانی توأم سلامتی می باشند. من معده را تقویت می کنم و به هضم غذا کمک می نمایم . من به علت داشتن ویتامینهای «ب» اعصاب را تقویت می نمایم و به آن آرامش می بخشم . من مسکن حرارت جگر و التهابات داخلی هستم . قند من ادرار را زیاد می کند. شستشوی سر با مسکن من مو را تقویت می کند و از ریزش آن می کاهد. مالیدن من به دست صورت باعث نرمی و لطافت پوست شده و از امراض جلدی مخصوصاً جوش غرور جلوگیری می نماید. مالیدن رویه من



بر سر دماغ را تازه می کند، بهترین وسیله جلوگیری و معالجه آن مالیدن من می باشد. در فصل تابستان اگر خواستید خرما میل نمایید، آن را با من مخلوط کنید تا از شدت گرمی آن بکاهم. در فصل تابستان خوردن آبدوغ خیار را که یکی از غذاهای سنتی ایرانیان است فراموش ننمایید.

## دوغ

فارسی من دوغ است، اعراب به من مخیض گویند. من مسکن غلیان خون، اشتهاآور، مسکن حرارت و التهابات داخلی و پادزهر سموم می باشم، التهابات معده و جگر و از حرارت آنها می کاهم، قدما برای معالجه اسهال خونی که با هیچ دارویی درمان نمی شد، از سنگتاب یا آهن تاب من استفاده می کردند، و طرز تهیه آن بدین ترتیب بود که مقدار ریگ یا تکه های کوچک آهن را تفته کرده، در من می ریختند تا به جوش آیم و بعد آن را صاف کرده به بیمار می دادند تا بنوشد. این دستور به وسیله نویسنده زبان خوراکیها تاکنون آزمایش نشده است. مرتاضان هندی برای اینکه در برابر عطش طاقت زیادتری داشته باشند، خرفه کوبیده با دوغ می جوشانند تا خشک شود، بعد دوغ افزوده این عمل را دو دفعه دیگر می نمایند و معتقدند که خوردن آن عطش را تسکین داده، و خواهش آب را کم می کند. اگر خیار را با پوست زیر فشار قرار داده و آب آن را بگیرند و با آن دوغ درست کنید، و یا آب خرفه را گرفته با آن دوغ بسازید، نوشابه هایی گوارا برای شما خواهند بود. عطش را تسکین می دهند. کبد و کلیه ها را شستشو می دهند، و سموم بدن را از بین می برند. برای رماتیسم و نقرس دارویی بسیار موثر می باشد. آب خیار مسهلی قوی است و اسید سولفوریک را که از زهرهای بسیار قوی است خنثی می نماید. سنگهای کلیه، مثانه و کیسه صفرا را خرد کرده و می ریزاند.

## اسم ماشیر پنیر است

فارسی ماشیر پنیر است، به انواع ما علف ماست، خاج، بلسکی می گویند. عربی ما خشیره، بقله اللبن، عاقداللبن، می باشد. ترکی یک نوع ما «یوغورت اوتی» می باشد. در کتب قدیم داروسازی به ما غالیون که معرب گالیون یونانی است می گفتند. ما همه جزو خانواده روناس بوده، و اعضای گیاه ما پوشیده از تارهای کوتاه است. گلهای ما به رنگ سفید، زرد، مایل به سبز یا مایل به قرمز است. تاکنون چهارصد گونه از ما در جهان شناخته شده که در اکثر نقاط جهان به استثنا استرالیا به عمل می آیند.

## شیر پنیر زرد

شیر پنیر زرد در شمال ایران، رودبار، در ناحیه ای به نام مائده جو، در اطراف تهران، نواحی البرز، کیوتر چاک، عمارلو، داماش، گون پشته و همچنین در سیاه کوه، تبریز، اشتران کون، قره داغ، علی بولاغ و تفرش به عمل می آید، عربی آن خیشره است.

## خاج

من نوعی شیر پنیر هستم که رگهای من چهار تایی به صورت صلیب است ، به همین جهت اعراب به من حشیشه الصلیب می گویند. من در شمال ایران ، مناطق البرز، کندوان ، کبوتر چاک و عمارلو به عمل می آیم . چلیپا را از آن جهت خاج گویند که با من شباهت دارد.

## بلسکی

من نوعی شیر پنیر هستم ، اعضای گیاه من حتی میوه من دارای تارهای قلاب ماندی است که به پشم حیوانات می چسبد، به این جهت چوپانان برای کشیدن مو از ماست و شیر از من استفاده کرده ، و آن را داخل شیر می کنند تا موهایی که در آن ریخته شده به قلابهای من چسبیده و خارج شوند. به همین جهت است که به من مصفی الرعا، مصف الراعی و همچنین بلسکه ، افارین ، ارمن ، قوت البریه ، بایشقان ، قازاتی و صید الانیه می گویند ریشه گیاه من دارای یک ماده قرمز رنگ می باشد.

## علف ماست

فارسی من علف ماست و ترکان به من «یوقورت اوتی» می گویند من در کوههای کردستان و مهاباد می رویم و تاکنون نظیر من در کشورهای دیگر و جاهای دیگر دیده نشده است . یکی از مراسم مهم غذاشناسی در من نهفته شده است که تاکنون یک بار در کتاب زبان خوراکیها مطرح شده ، و کسی به این معما پاسخ نداده است . همه می دانیم که معمولا برای تهیه ماست شیر را جوشانده بگذارند تا حرارت آن پایین آمده به پنجاه درجه برسد، یک قاشق ماست به آن می زنند و روی آن پوشانده می گذارند مدتی گرم بماند تا شیر منعقد شود، تاکنون به این سوال که اولین ماست را چگونه و با چه مایه ای ساخته اند کسی جواب صحیح نداده و به صورت معما در آمده است ، تاکنون موقع آن است که من این راز را فاش کرده و بگویم شیر گیاه شیر را به صورت ماست در می آورد و به همین دلیل می توانم بگویم نخستین ملتی که موفق به تهیه ماست شد، ایرانیان بودند و بعد آن را به کشورهای دیگر، از جمله بلغارستان بردند و برخلاف آنچه شایع است ، اهالی بلغار سازنده اولیه ماست نبوده اند. انواع دیگر شیر پنیر در اطراف تهران ، قزوین ، کرد، اصفهان ، مسجد سلیمان کوههای الوند، هریود، دیلمان ، چاهریک ، خرم آباد، رضائیه و تبریز به عمل می آیند و تمام آنها شیر را منعقد می کنند و می توان با آنها انواع اقسام پنیر ساخت . پنیری که با انواع شیر پنیر ساخته شود خوشمزه ، معطر و بسیار مفید است ، ماستی که با علف ماست ساخته شود، دیرتر ترش می شود و اکسیر طول عمر در آن خیلی بیشتر از ماستهای معمولی است که با مایه ماست تهیه می شوند. پنیربند که در بلوچستان به عمل می آید، و دارای چند درصد مایه پنیر است ، از خانواده ما نیست و یکی از گیاهان مفیدی است که هنوز بطور دقیق روشن نشده است . اعضای مختلف هوایی انواع شیر پنیر، آرامبخش ، پیشاب آور، قابض ، ضد تشنج بوده ، برای معالجه سرع «هیستری» تجویز می شوند. داروسازان سنتی ایران جوشانده آنها را بهترین درمان داءالراقص می دانستند و جوشانده غلیظ آن را به مقدار نیم لیتر تجویز می نمودند. «داءالرقص یک بیماری عصبی است که بیشتر در دختران دیده می شود، و اعضای بدن آنها حرکات غیر عادی پیدا می کند» شیر تازه انواع شیر پنیر برای کبد، آب آوردن انساج ، سنگ کلیه ، گواتر، رقت خون مفید می باشد. ضماد شیره آنها برای

خنزیر و اولسره‌های گوناگون سودمند است ، ضماد منافع زیاد دارد، با ریشه آنها می توان پشم را رنگ کرد و آن را به صورت قرمز در آورد و اگر بخواهند پشم را با آنها به رنگ نارنجی در آورند، بایستی پشم را قبلا بازاج بجوشانند. جوشانده برگ من شیر پنیر خونریزی را بند می آورد، و ضماد گل آنها جهت سوختگی آتش نیز نافع است . خوردن جوشانده ریشه آنها محرک باه است . میوه بو داده بلسکی ضد سم حشرات ، مخصوصا مار افعی است به همین جهت به آن حشیشة الافعی هم می گویند. برای تهیه پنیر و ماست از شیر و گرد کوبیده انواع شیر پنیر می توان استفاده کرد. هر نوع شیر پنیر یک نوع مشخص پنیر درست می کند، و به همین جهت شما می توانید صدها نوع پنیر و ماست با ما درست کنید که یکی بهتر از دیگری باشد.

### اسم من «گل سیکلامن» است !

فارسی من گل نگونسار است و از قدیم در شنزارها و شکاف سنگها کوهستانهای شمال ایران ، مخصوصا در اطراف بندر گز به حالت خودرو، رویده ام . گیاه من با اینکه بوته علفی است در نزد اعراب به شجر مریم معروف است و در کتب قدیم ، به بیخ متورم من بخور مریم می گفتند و همچنین به اسامی درخت مریم ، بولف ، رکف ، اذن الارنب ، هوم الیهودا، سیکلمه ، سیکلامن ، آذریون ، آذربویه ، ذهبیه معروف می باشم و این اسامی انواع مختلف می باشم و این اسامی به انواع مختلف من اطلاق می شود. در کتب قدیم بیشتر مرا آذربو نوشته اند، و اکنون به اسم خارجی سیکلامن معروف شده ام . غده زیرزمینی من که به شکل شلغم بوده ، و از آن پهن تر است ، به بخور مریم شهرت دارد. محلل بوده و بازکننده ادرار و حیض است ، عرق را زیاد می کند و باعث سقط جنین می شود و به همین جهت استعمال آن برای زنان آبستن خوب نیست . برای درمان یرقان و باز شدن گرفتگی کیسه صفرا و زهکشی کبد از فضولات ، تجویز می شود. مقدار خوراک آن حداکثر دو مثقال مصرف کرد. ولی همراه با کتیرا که مصلح و پادزهر آن است می توان تا سه مثقال مصرف کرد. خوردن آن با آب انار برای معالجه تنگ نفس نافع است مالیدن آن با سرکه «داءالثعلب» ، نقرس و پیچیدگی عصب و کک و مک و با زیتون جهت معالجه ترکی که در اثر شدت سرما به هم رسیده باشد مفید می باشد. ضماد آن به تنهایی یا همراه با ادویه محلله جهت تومورهای خنزیری و سایر تومورها سودمند می باشد. سرمه آن با عسل جهت آبریزش چشم توصیه شده است ، ولی هرگز نباید آن را به تنهایی به کار برند زیرا حدت زیادی دارد، و برای از بین بردن حدت آن می توان از نشاسته یا عسل استفاده نمود. چکانده آن در بینی پاک کننده دماغ است ، کمپرس جوشانده آن جهت نقرس و پیچیدگی عصب به کار می رود. فرزجه آن جهت سقط جنین معمول است ولی نباید بدون اجازه پزشک از آن استفاده کرد.

من انواع و اقسام دارم ، ولی یک نوع من ایرانی بوده ، و گل نگونسار نام دارد. برگ آن باریک و شاخه های آن به طول یک متر و بذر آن شبیه تخم شبت است . ریشه آن سمی تر از ریشه سیکلا من زینتی است و در آن ماده عامله سیکلا من زیادتر از انواع دیگر است . داروسازان سنتی ایران از آن برای جلوگیری از آبستنی استفاده می کردند، ولی متأسفانه تاکنون در داروسازی جدید

مورد آزمایش قرار نگرفته است ، و چنانچه مورد مطالعه قرار گیرد، جلوگیری از آبستنی به وسیله آن سهلتر خواهد شد. بیخ من در حالت تازه دارای اثر مسهلی است ، ولی چون قوی و خطرناک است نمی توان آن را استعمال کرد.

### شجر مریم

چنانچه گفته شد، بوته من شجر مریم نامیده می شود جوشانده شاخه های من زایمان را آسان می کند و در اخراج جنین مرده بی عدیل است ، ولی بدون اجازه طبیب نباید آن را به کار برد چون خطرناک می باشد. مالیدن آن جهت بواسیر و لکه های سیاه جلدی توصیه شده است و برای برص نیز سود فراوان دارد.

### چوبک

فارسی من چوبک است . به من بیخ و چوبه و چوب صباغان هم می گویند، برگهای من دارای خار می باشد - بیخ من ضخیم ، لعابدار است . کوبیده آن به نام چوبک به فروش می رسد، داروسازان سنتی ایران مرا نوعی بخور مریم می دانستند، در صورتی که گیاه شناسان جدید مرا در تیره موردها قرار داده اند. کوبیده من در پارک کردن چربی همانند صابون است و برخلاف پودرهای رختشویی و ظرف شویی جدید دست را خراب نمی کنم و باعث پوسیدگی لباس نمی شوم و کسی نسبت به من حساسیت ندارد، من ضد عفونی کننده می باشم . پودر من کمی عطسه آور است . من مسکن سکسکه و باز کننده ادرار و حیض می باشم - دمکرده من ریزاننده سنگهای کلیه و مثانه است ، ولی استفاده از آن برای زنان آبستن خوب نیست ، زیرا مسقط جنین است . مالیدن من در محل نیش زنبور و سایر حشرات مسکن درد و پادزهر آنها است ، ضماد من با سرکه جهت سیاتیک «عرق النساء»، گری «داءالثعلب» مفید است . شیافی که با پودر من ساخته شود. مسکن درد بواسیر و درد رحم بوده ، زایمان را آسان می نماید، پاشیدن گرد من روی زخمهای چرک مفید است ، مالیدن کوبیده ریشه من جهت درد مفاصل سودمند می باشد. مقدار خوراک پودر ریشه من یک مثقال است .

### صابونی

فارسی من صابونی و عربی من خروالعصافیر و فول العرب می باشد، ولی بعضی از نویسندگان و مترجمان «سپونفرنگی» را صابونی ترجمه کرده اند و این اشتباه است ، زیرا آن گیاه در ایران نمی روید و در طب سنتی به نام غاسول رومی و ابوقانس معروف است . من در تمام نواحی ایران از شمال تا جنوب مخصوصا نواحی البرز، سواحل بحر خزر، اطراف قزوین ، اصفهان ، اراک ، کرمانشاه خرم آباد، آذربایجان ، بندر بوشهر و زابل می رویم .

داروسازان سنتی ایران با آب من لکه ها را پاک می کردند و مانند مداد در کتابت آن را به کار می بردند و «دستور تهیه این مداد فعلا بر نویسنده زبان خوراکیها روشن نیست» گلهای زیبا و قرمز من در اثر پرورش در زمینهای آهکی و شنی درشت می شود، دانه های من اثر مدر دارد و ریشه و برگ من در مداوا به کار می رود، ولی مداومت در استفاده از آن جایز نیست ، و ایجاد مسمومیت می نماید. ریشه من مدر، معرق و تصفیه کننده خون است ، جوشانده غلیظ ریشه من به صورت ضماد یا کمپرس ، در

تسکین خارش و سودا و عوارض دیگر جلدی نافع است . جوشانده رقیق من برای درمان آنژین به صورت غرغره سودمند است . دمکرده سی در هزار ریشه من به عنوان تصفیه کننده خون به مقدار دو لیوان کوچک در روز و همچنین برای رفع رماتیسم مفید است . تنقیه جوشانده ریشه من برای دفع کرمک توصیه شده است .

### اسم من «عشقه» است !

فارسی من داردوست ، اخفاک و تال شاد است ، در مازندران و لک و ولگوم ، در گیلان تیچ ، در لاهیجان و دیلمان لشک ، و در گرگان لکو گویند و به انواع دیگر بلو و بلوه گفته اند و این روزها مرا در تهران به عنوان یک گل زینتی تحت نام پایتال پرورش داده ، و می فروشند، من در جنگلهای مازندران ، نواحی البرز، بندر گز و رامیان به طور خودرو به عمل می آیم و دو نوع می باشم . من گیاهی هستم بالا رونده که به دیوار یا درخت تکیه کرده ، بالا می روم و دور تکیه گاه خود می پیچیم و دور هر درختی بیچیم آن را خشک می کنم . عربی من حبل المساکین به معنی ریسمان بینوایان است . در بعضی از کتب عشقه را مترادف لبلاب و نیلوفر باغی گفته اند و این اشتباه است . لبلاب و نیلوفر گیاهانی دیگر از خانواده دیگر می باشند که خود را جداگانه معرفی خواهند کرد و اینجا مختصراً گفته می شود که چون میوه من سیاه است و بالا رونده می باشم ، بعضی از داروسازان سستی ایران مرا لبلاب کبیر سیاه نامیده اند. میوه مرا سیاه کننده مو و ضماد برگ مرا باز کننده دمل و التیام دهنده زخمهای بدخیم می دانستند. باری ، میوه من به اندازه یک نخود است و پس از رسیدن سیاه می شود، و در میان آن چند دانه وجود دارد که متأسفانه خالی از سمیت نیست ، در مناطق گرمسیر از تنه درخت من صمغی بیرون می آید که به آن صمغ عشقه گویند و قاعده آور است . در برگ و صمغ من یک ماده مسهل و قی آور که خاصیت بازکنندگی عادت ماهانه زنان را دارد پیدا کرده اند. چون میوه ، برگ و قسمتهای مختلف گیاه من سمی هستند، باید در مصرف آنها احتیاط کنید، ولی به مقدار کم برای جلوگیری از خونریزی در فاصله قاعده گی مفید است . چون رگهای خونی را باز می کند و خونریزی را بند می آورد. مقدار خوراک میوه من ده تا دوازده عدد به عنوان مسهل است ، ولی در مصارف خارجی به مقدار زیادتری می توان به کار برد. برای التیام زخم و رفع التهابات پوستی دمکرده پنج گرم برگ من در یک لیتر آب جوشانده و چهار تا هشت گرم میوه در یک لیتر آب به کار می رود، و نیز می توان یک تا دو گرم برگ خشک مرا با عسل مخلوط کرد و ضماد نمود. برای رفع التهابات و جلوگیری از جمع شدن شیر در پستان می توانید یک مشت برگ مرا در کمی آب جوشانده و ضماد کنید. این مرهم برای درمان زخمهای سیاه شده نیز مفید است ، ولی بهتر آن است که برگهای تازه مرا له کرده ، با زغال و کمی دارچین مخلوط کرده ، و در محل زخم ضماد نمایید. برای معالجه کچلی مقداری از برگ مرا در سرکه خیسانده ، و ده شب متوالی هنگام خواب روی سر و محل زخم بگذارید، اگر پارچه های تیره رنگ را با آب من بشویید، به خوبی تمیز شده و به صورت نو در می آید.

## ما «پیچک» هستیم!

چنانچه نیلوفر آبی در معرفی خود گفت ، در گذشته نیلوفر به طور مطلق به آن گیاه در حوضها و استخرها و تالابها می روید و گلی آبی رنگ دارد گفته می شد و اینکه آسمان را شعرای ایرانی چرخ نیلوفری لقب داده اند، مقصودشان رنگ گل نیلوفر آبی بوده است :

درخت گر بار دانش پذیرد

به زیر آوری چرخ نیلوفری را

باری ، این روزها به انواع پیچکها نیلوفر باغی یا صحرایی می گویند که متجاوز از هزار و دویست گونه دارند که همگی خود را به دور دیوار، یا درخت چسبانده و بالا می روند. بهترین نمونه ما همین پیچک دیواری است که به آن مو چسب هم می گویند و در تهران و بعضی از شهرهای دیگر آن را در کنار دیوار می کارند، کم کم تمام سطح دیوار را می پوشاند و برای رشد آن دیوارهای جنوبی بهتر از شمالی هستند، زیرا با آفتاب شدید میانه خوبی ندارد. تمام گیاهان خانواده ما برگهای قلبی شکل نوک تیز و دنداندار دارند، و بعضی از انواع ما دارای شیرابه و صمغی در ساقه و ریشه هستند که معروفترین آنها صمغ محموده است که خود را بعدا به شما معرفی خواهد کرد. در بعضی از کتب عشقه را جزو ما آورده اند و این اشتباه است ، همچنین گیاه دیگری که فارسی آن کتوس و عربی آن شجرالحریر است و خود را همراه «غلب لب» معرفی کرده ، در بعضی از شهرها به نام پیچ و پیچک مشهور است و این نیز اشتباه است و با ما نسبتی ندارد.

## پیچک صحرایی

فارسی من پیچک صحرایی است به من نیلوفر هم می گویند، عربی من طربوش الغراب است و اشتباها به آن مداد و علیق می گویند. من در اطراف تهران ، رودبار، اراک ، خوی ، اردبیل ، فارس ، آبادان ، قم ، و چند جای دیگر می رویم و همچنین یک نوع دیگر من در اطراف رشت ، رضائیه و کپه داغ بطور خودرو به عمل می آید، و بهترین علوفه برای حیوانات مخصوصا گوسفند است . اعضای مختلف انواع من دارای اثر مسهلی هستند و صفرابر می باشند. ضماد برگهای من خاصیت التیام دهنده زخم را دارند. دم کرده برگ من جهت رفع ترشحات زنانه تجویز می شود.

صمغ درخت من با اینکه طعم آن تند نیست ، دارای خواص محموده می باشد، و گاهی به طور قلبی صمغ مرا به جای محموده می فروشند، گلهای من به علت داشتن نوش فراوان مورد علاقه زنبور عسل می باشد، داروسازان سنتی ایران برگ مرا جهت رفع یرقان تجویز کرده اند.

## نیلوفر پیچ

من نوعی نیلوفر هستم که در بلوچستان ایران رودئیده ، و در آنجا به من «کجر لاهوری» گویند. فارسی من نیلوفر پیچ می باشد. اعراب به دانه من «حب النیل» لقب داده اند. گل من در آفتاب خود را جمع می کند و دانه من در غلافی مثلث شکل می باشد. در کتب قدیم از من به نامهای عجب ، عجب گیاه ، قرطم هندی ، حسن الساعه ، حب العجب و دمه العاشق یاد کرده اند.

قسمت مورد استفاده من بیخ و دانه های من می باشد. بیخ من دارای بیست درصد مواد قندی ، چهل درصد نشاسته ای و چهار درصد مواد سفیده ای است و می توان آن را مانند سیب زمینی در تغذیه به کار برد و برای رفع گرسنگی اگر به کشت من توجه بیشتری شود، کاری شایسته می باشد. دانه های من که به حب النیل معروفند، پاک کننده کبد و اسپرز بوده ، و مسهلی قوی می باشد و مسکن درد مفاصل و ضد کرم معده و روده و کرم کدو است ، و همراه با محموده مسهل صفرا و اخلاط است و با هلله سودا و باز کننده جگر می باشد. در کتاب معالجات بقراطی نوشته شده است که چون پنج گرم مرا باده گرم شکر مخلوط کرده ، و مجموع را به سه قسمت کرده ، سه روز بخورند برای درمان جرب امتحان خوبی داده است . مقدار خوراک من تا نیم مثقال و بیش از آن کشنده است .

### اسم من «شاهدانه» است !

اسم من شاهدانه و اعراب آن را معرب کرده «شاه دانج» گویند. فارسی گیاه من کنب بوده و اعراب به آن قنب گویند، به من حشیشه الفقرا، ورق الخیال نشاط افزا، فلک تار، عزش نما، شهوت انگیز و جزاعظم هم لقب داده اند. ولی بعضی از این القاب مثل نشاطانگیز و شهوت انگیز شباهت به مثل معروف بر عکس نهند نان زنگی کافور را دارند.

من دارای انواع و اقسام بیابانی ، کوهی و بستانی هستم . بستانی من همین گیاهی است که در ایران دانه آن را بو داده و با گندم بو داده مخلوط کرده می خورند. انواع وحشی من زیاد است ، ولی در حقیقت تغییر شکل گیاه من نتیجه تغییر آب و هوا است که در وضع گلهای من نیز موثر است . و با اینکه گیاه من دو پایه می باشد، یعنی گل نر در یک گیاه و گل ماده در گیاه دیگر است ، معذک گاهگاهی در اثر تغییر آب و هوا به صورت یک پایه در می آیم ، و این من الیافی به دست می آید که با آن می توان مثل الیاف کتان پارچه بافت ، ولی که پوشیدن آنها باعث لاغری و فساد مفاصل است ، و در عوض الیاف من برای ساختن کاغذ فوق العاده مناسب بوده ، و کاغذ ابریشم می شود. از دانه های من و روغنی می گیرند که بوی آن نامطبوع و زننده است ، ولی برای ساختن صابون و سوخت مناسب است و بعلاوه از گیاه من رزینی می گیرند که مقدار آن بر حسب ارتفاع رشد من کم و زیاد می شود، یعنی هر چه ارتفاع زیادتر باشد، مقدار رزین آن بیشتر است ، و حداکثر رزین در دامنه کوههای هیمالیا به دست می آید و در دامنه کوههای خراسان ، اراک و بلوچستان هم انواع وحشی رزین دار خودرو به عمل می آید و به آنها شاهدانه هندی می گویند. از نوع هندی من چرس ، بنگ و حشیش می گیرند که مورد علاقه اشخاص لابلالی است .

نویسنده زبان خوراکیها در بحث تمایلات جنسی مضار اینها را به طور مفصل شرح داده و در اینجا به اختصار اشاره می شود. بنگ مخلوطی است از برگ و سر شاخه های گلدار شاهدانه هندی که گاهی به طور تقلب از سر شاخه های نر نیز به آن اضافه می کنند، چرس ماده چسبنده ای است که بر روی شکوفه گلهای ماده بعد از آمیزش گیاه ظاهر می شود، و بعد مورد استفاده قرار می گیرد و به طور تقلب گاهی به آن تریاک و سموم دیگر اضافه می شود که بدترین آنها عصاره حشره ای است که در زبان فارسی و عربی به آن ذرایح گویند، و حشیش سر شاخه های گلدار پایه های ماده می باشد.

برای به دست آوردن چرس عده ای لباس چرمی پوشیده ، در وسط مزرعه شاهدانه از این طرف به آن طرف می دوند تا تمام صمغ موجود در گیاه به لباس آنها بچسبد و بعد آن را از روی چرم می گیرند. عده ای هم بدون لباس لخ با یک لنگ چرمی می دوند و صمغ به بدن آنها می چسبد و بعد دلاک آنها را همراه با چرک بدن از تنشان می گیرد و آن را مونس الهموم و حبه المساکین می گویند.

داروسازان سستی ایران این مواد را مرکب قوی دانسته معتقد بودند که این مواد اول اشتها و بعد شهوت را زیاد می کند، کمی نشاط می آورد و رنگ رخسار را باز می کند و بلافاصله ضد افعال مذکور از آن ظاهر می شود، یعنی اشتها به غذا از بین می رود. نشاط بدل به غم می شود، و رنگ رخسار کدر می گردد و سکر آن بدل به خماری می شود. ایجاد عطش می کند و شهوت از بین می رود و در اثر زیاده روی بکلی و برای همیشه قطع می گردد، و در نتیجه باعث تکدر روح و دماغ شده باعث تاریکی چشم ، جنون ، مالیخولیا، ترس بسیار، استسقا و دهها عوارض دیگر می گردد.

فقرای هند برگ شاهدانه را جوشانده می نوشند و در محافل آنها، از مهمانان با این نوشابه خطرناک پذیرایی می کنند و معتقدند که این نوشابه عمر را زیاد می کند و این گمان فاسدی است که حقیقت ندارد.

شستشوی سر با آب جوشانده برگ من شوره و شپش را از بین می برد، قسمت‌های مختلف گیاه من آرام کننده دردهای معدی است و منحصر بایستی در مورد سرطان معده و زخم معده تجویز شود و به مقدار کم برای معالجه روماتیسم و به عنوان ضد تشنج در سیاه سرفه و کزاز توصیه شده است ، و به مقدار زیاد تولید نفخ معده ، قراقر شکم و پف در اطراف صورت می شود. دندانها می افتد، کسالت‌های مختلف و ترس و خیالات فاسد و شیطانی در شخص ظاهر می شود و باعث فساد اخلاق ، تبلی و ترک عبادات می گردد.

چکاندن روغن شاهدانه در گوش مسکن درد و خشک کننده چرک آن است ، و چنانچه به مقدار کم خورده شود، رطوبت معده را جمع می کند. مالیدن روغن شاهدانه جهت درد مفاصل ، فرو بردن ورمهای سخت و سختی رحم نافع است . خوردن دانه شاهدانه بو داده ، به مقدار کم برای معده و درمان نفخ آن مفید است ، خام آن غذای پرندگان است ، ولی نباید آن را به قناری داد، زیرا صدای او را خراب می کند.

## رازک

من از خانواده شاهدانه هستم ، فارسی من رازک است ، در آستارا به من گل خمل گویند، عربی من حشیشه الدینار و همل است ، من در شمال ایران ، سواحل دریای مازندران می رویم . گیاه من هم مانند شاهدانه دو پایه است ، و چنانچه شاهدانه شرح داد، چرس و بنگ را از گل گیاه ماده بعد از آمیزش می گیرند ولی در مورد گیاه من نمی گذارند آمیزش صورت گیرد، یعنی فقط به کاشتن گیاه ماده اکتفا می کنند اگر در مزرعه یکی دو تا گیاه نر پیدا شد، قبل از آنکه گل بدهد آن را از بین می برند.

خوردن این گل تمایلات جنسی زنانه را زیاد می کند و به همین جهت است که مردانی که آن را بخورند شهوتشان تسکین می یابد، و در اثر زیاده روی زن صفت می شوند و بر عکس تمایلات جنسی زنان را زیاد می کند، و زیادروی در خوردن آن سبب



یائسگی زودرس می شود. گیاه من بالا رونده و دارای گل‌های معطر شبیه بوی سنبل الطیب است و طعم آن کمی تلخ است ، و از مجموعه گل‌های من در صنعت آبجوسازی استفاده می نماید، و به جهت است که آبجو دارای خواص مذکور می باشد. من مقوی معده بوده ، به هضم غذا کمک می کنم و تسکین دهنده تحریکات شهبوانی مردان می باشم . جوشانده ۱۰ تا ۱۵ گرم در هزار گل به مقدار یک فنجان قبل از غذا جهت تقویت معده تجویز شده است ، و خوردن دمکرده پنج در هزار من جهت معالجه نرمی استخوان و بیماریهای جلدی و خنازیر توصیه شده است و در صنعت داروسازی چند ترکیب شیمیایی و چندین داروی اختصاصی می سازند که بیشتر برای مصارف فوق به کار می رود.

### اسم من «خارخسک» است !

فارسی من خارخسک است ، به من خارخاسک هم می گویند. در شیراز به من «خارسوهک» ، در اصفهان «هرواد» و در شهرهای دیگر به اسامی خارسه گوش ، خارسه کوهک ، شکر خنج و شکوهنج معروف می باشم ، عربی من خسک و حمص الامیر است .

از ترجمه نام هندی من چنین بر می آید که چون در پای فیل فرو روم فریاد می زند. من از خانواده گواچها هستم ، ولی داروسازان سنتی ایران مرا در ردیف قرصنه ها آورده اند. من ضد عفونی کننده ، قابض و پیشاب آور می باشم ، جوشانده من سنگ کلیه و مثانه را خرد کرده و می ریزاند و درد کلیه را تسکین می دهد و ورم آن را از بین می برد. کمی ملین و برطرف کننده قولنج است ، مخصوصا زهرهای دارویی را خنثی کرده ، ازت مسکنها و تب برهای عوارض شیمیایی بر روی کلیه می کاهم . خوردن عصاره برگ من ، بیخ و میوه من به تمامی جهت درمان سوزاک توصیه شده است . مضمضه عصاره مایع من با عسل ، جهت جوشهای دهان مفید بوده ، غرغره آن درد و ورم گلو را از بین می برد. پاشیدن آب جوشانده من ساس و کیک را از بین می برد. و چون نخود را در آب تازه من پرورده کنند، در تقویت شهوت بی مانند می باشد میوه من در تمام موارد مانند عصاره گیاه من است . از جوشانده گیاه من درد روغن کنجد روغنی بدست می آید که مالیدن آن درد مفاصل را تسکین می دهد و رنگ رخساره را باز می کند. چکاندن این روغن در مجاری ادرار، افتادن سنگ مثانه را آسان می نماید. مقدار خوراک من تا هفت مثقال است و بذر گیاه من خسکدانه نامیده شده ، و چنانچه آن را با شیر تازه بجوشانند تا خشک شود و دوباره شیر افزوده و بجوشانند و این عمل را سه مرتبه تا حد خشک شدن تکرار کنند، برای تقویت شهوت بسیار موثر می باشد.

### خار طلایی

فارسی من خار طلایی است ، اعراب به من شوکه الذهبیه گویند، ولی داروسازان سنتی ایران مرا نوعی قرصنه می دانند. گیاه من پوشیده از گرگ بوده ، ساقه های من بالدار است و بیشتر در مزارع یونجه و مراتع و زمینهای بایر می رویم و بدون تقسیم است . گل‌های من بیضی و پهن می باشد، ولی سایر برگ‌های : باریک و بدون تقسیم است . گل‌های من لوله ای و به رنگ زرد طلایی بوده و مجتمع می باشد. زواید زیر گل من دارای خار باریک و دراز است ، و درازی این تیغها دو برابر گلها است . میوه من کوچک فندقی و بیضی شکل و سیاه رنگ است و دارای یک دسته تار سفید است که اندازه تارهای آن دو برابر میوه است . گل‌های و

اعضای مختلف گیاه من تب بر بوده و ریشه من مقوی معده است . من در اطراف تهران ، قم ، رامجرد، تبریز، رضائیه ، تفرش ، کوه زرنده، اشتران کوه ، دره باروفت ، شهبازان ، بیشه ، اشتران کوه و گوت وند می رویم ، و از قدیم مورد استفاده دارسازان سنتی ایران بوده ام .

### خارمرار

فارسی من خارمرار بر وزن هزار است . در بلوچستان به من «گرازآغزی» می گویند. عربی من در دریه است . در مصر به من مریر می گویند. من بوته خاری هستم از نوع «بادآور» که در آهر بهار و اول تابستان می رویم . برگهای تحتانی من دارای بریدگیهای متعدد است ، ولی برگهای فوقانی من بدون دمبرگ و کم تقسیم است . گلهای من لوله ای گلی رنگ مایل به بنفش بوده ، و زیر آنها خاردار است . اعضای گیاه من دارای صمغ ، رزین ، املاح پتاسیم و چند عامل دارویی است . سرشاخه های گلدار من تب بر، ریشه و میوه من پیشاب آور است و ادرار باز می نماید. کلیه قسمت های گیاه من کمی تلخ و اشتهاآور است . ساقه مرا از پوست جدا کرده می خورند، تلخی آن کمتر از پوست و میوه من است ، بعضی با گوشت پخته می خورند و چون شتر گیاه مرا بخورند، فربه می شود و به همین جهت عده ای به گیاه من شوک الجمال لقب داده اند. جوشانده من بهترین دارو برای شستن چشم است و ناراحتیهای چشم را از بین می برد. ضماد من بر روی پلک ، درد چشم را تسکین می دهد. ضماد مرا جهت جرب ، خارش و تسکین فشار و حرارت خون و تصفیه آن و همچنین جهت تبهای کهنه و مزمن تجویز کرده اند و با «نانخواه» جهت ریزاندن سنگ مثانه و سختی ادرار توصیه شده است .

### خارشتر

فارسی من خارشتر و اشترخار است . در بلوچستان به من «خاربز» هم می گویند. در کتب داروسازی سنتی به من اشترغار گفته اند، ولی در کتاب برهان قاطع نام سنتی مرا اشترغاز نوشته است . عربی من زنجبیل العجم و زنجبیل الفارس می باشد. من گیاهی هستم پرشاخه ، با ساقه های خاردار و برگهای کوچک و شبیه «بادآورد» که در تمام قسمت های ایران می رویم . انواع من که در شمال می روید با انواع جنوبی و حاشیه کویر فرق دارد. در آذربایجان ، خراسان و افغانستان ، گیاه من از خود ترنجبین نمی دهد، و به دلیل این کار در جلد اول زبان خوراکیها در قسمت انگبینهای گیاهی نوشته شده است . برای بدست آوردن ترنجبین شاخه های گیاه مرا بریده و در چادرها ریخته و می تکانند، تا آنچه در روی آنها بسته است جدا گردد و بعد از خار و خاشاک آن را پاک می کنند و آنچه به ساقه چسبیده و جدا نمی شود، در آب جوشانده و پس از صاف کردن می جوشانند تا غلیظ و منقعد گردد. ترنجبین ملین خوبی مخصوصا برای اطفال است ، و بهترین وسیله برای شیرین کردن شیر خشک اطفال و داروهای گیاهی است . جوشانده گیاه من اشتها آور است . اعراب ساقه و ریشه گیاه مرا مانند کاهو می خورند، و شتر به خوردن آن رغبت زیاد دارد. با بیخ من ترشی درست می کنند. این ترشی پادزهر سموم می باشد. جوشانده گیاه من اشتهاآور و مقوی است ، یرقان را برطرف می کند و ادرار را زیاد می نماید و پادزهر سموم است . خوردن یک مثقال گیاه من برای درمان تب ربع

و تبهای عفونی مفید می باشد. ضماد گیاه من با سرکه برای تسکین ورمها و درد مفاصل توصیه شده است . مقدار خوراک ترشی بیخ من پنج مثقال و از جرم من دو مثقال است .

### خارتوبی

فارسی من خار گلوله ای است . به من خارتوبی و گلوله لاجوردی هم می گویند. من در کرج ، جاجرود، رزوند، اراک ، رضائیه و شمال ایران می رویم . یک نوع غیر سمی من در کوههای شمال تهران شمیران ، اوشان و شمشک می رویم ، و اهالی محل قبه آن را گشوده ، و ماده ای پنیر مانند که در وسط آن است می خورند. این ماده برای نرم کردن سینه و باز کردن آواز مفید است . گیاه من پایا است . یعنی ریشه آن در زمین می ماند و همه ساله سبز می شود، و گیاه تازه می دهد. ساقه گیاه من راست به طول دو تا چهل سانتی متر می باشد که در اطراف آن برگهای بلندی می روید. برگهای من دارای پهنگی با کنگره های عمیق است که دندانهای آن به یک خارنک تیز منتهی می شود.

برگهای پهن من در قسمت فوقانی سبز و در قسمتهای تحتانی سفید است ، و این بهترین راه تشخیص گیاه من است . قبه گل‌های من گرد و به رنگ لاجوردی است و در ماههای تیر تا شهریور بسیار زیبا است . این قبه در بالای ساقه روئیده و با برگهای دو رنگ منظره زیبایی به گیاه من می دهد. میوه من پوشیده از تارهای زرد رنگ بوده و در سر آنها یک دسته تار وجود دارد. زنبور عسل از گل‌های من نوشی مرغوب به دست می آورد، گل‌های من دارای عطر مختصری می باشد. تمام قسمت‌های گیاه من به استثنای میوه که کمی سمی می باشد. پیشاب آور است و در مداوای امراض جلدی به کار می رود. نمونه های غیر سمی من علاوه بر اطراف تهران ، در رضائیه ، تبریز، تفرش ، خرم آباد، ازنا، ایسپلی گیلان و اطراف شیراز می روید. در بعضی از نقاط جهان از گیاه من سقزی می گیرند که برای جویدن مفید است .

### ما همانند «چوب چینی» هستیم !

چندی پیش روزنامه اطلاعات به نقل از جراید خارجی نوشت که گیاهی به نام ژین سنگ که در چین می روید مورد توجه کارخانه های داروسازی بزرگ قرار گرفته و خواص چندی به آن نسبت می دهند و اکنون مشغول مطالعه و بهره برداری از آن می باشند. بلافاصله این جانب به اطلاع عموم رساندم که فارسی این گیاه چوب چینی است ، و بعد از چینها، تعداد زیادی از داروسازان سنتی ایران روی آن مطالعه کرده و خواص و منافع آن را که بسیار می باشد، تعیین کرده اند.

در همان مقاله تذکر دادم که در ایران ما نیز گیاهان مخصوصی به عمل می آید که مورد توجه داروسازان سنتی بوده ، و منافع آنها کمتر از چوب چینی نیست و همچنین وعده دادم که در کتاب زبان خوراکیها، یکایک آنها معرفی خواهند شد. اکنون یک دسته از این گیاهان که به فارسی به آنها «دیوخار» می گویند، به شما معرفی خواهند شد.

## اسم ما دیوخار است

در زبان فارسی به همگی ما «دیوخار» و به انواع ما که بیش از صد گونه می باشند، گرگ تیغ، کام تیغ، «فیلزهره» و «آسه» می گویند. عربی ما عوسج است، ولی بعضی از لغت نویسان اشتباها عربی چند دیگر را نیز عوسج و «عوسج اسود» نوشته اند. درخت ما شبیه درخت انار و پر از خار می باشد برگ ما ترش‌حی چسبنده دارد که مورد استفاده زنبور عسل می باشد و زنبوری که از نوش ما استفاده کند، شفای بیشتری را در بر دارد. میوه ما نخود گرد و کوچک می باشد که پس از رسیدن قرمز می شود. گلهای ما بیشتر گلی روشن است، نوعی دیوخار وجود دارد که برگ آن سیاه بوده، و میل به سرخی دارد. برگ آن عریضتر از انواع دیگر و خار آن بیشتر و میوه آن باریکتر است. شیخ ال‌ریس ابوعلی سینا معتقد است که نوعی «دیوخار» در مناطق سردسیر می روید که میوه آن مانند انگور بوده، و مردم آن را می خورند. ولی با تحقیقاتی که به عمل آمده تاکنون این نوع شناخته نشده است.

قسمت مورد استفاده من برگ سر شاخه و ریشه درخت من می باشد. از میوه من هم می توان در تداوی استفاده نمود. مخصوصا در معالجه مرض قند. گرگ تیغ در اطراف کرج فراوان است و نوع معروف به «آسه» در جنوب غربی ایران، بوشهر، بلوچستان، یزد، خوزستان، لرستان و نواحی شمال ایران و بطور کلی در تمام شوره زارها می روید، و انواع دیگر من نیز بیشتر در اراضی بایر و کویر به عمل می آیند، به نوع «آسه» در مصر «خولان» می گویند.

از پوست میوه گیاه ما نوعی رنگین استخراج می نمایند. اعضای مختلف گیاه من مدر، مسهل، و ضد تشنج است، برای درمان سیاه سرفه و سرفه های تشنجی آن را توصیه کرده اند. جوشانده یک گرم گیاه من در یک فنجان آب در ۲۴ ساعت توصیه می شود که آن جرعه جرعه بنوشند. عصاره من جهت امراض چشم، تقویت بینایی و فرو بردن ورمها و درمان زخمهای پوستی و تسکین فشار خون و جلوگیری از سکسکه و قی و همچنین درمان اسهال توصیه شده، و پادزهر سموم نیز می باشد. اگر آب برگ تازه مرا گرفته، هفت روز پی در پی در چشم بچکانید، سفیدک چشم را برطرف می کند و چون آب میوه مرا گرفته خشک نمایند، و در موقع لزوم آن را با سفیده تخم مرغ یا شیر در چشم بچکانید، و یا آن را به صورت داروهای چشمی در آورده، در چشم بچکانید، برای بسیاری از امراض چشمی و سفیدک چشم مفید می باشد. ضمنا برگ من بر پیشانی جهت جلوگیری از آبریزش چشم مفید است. جویدن برگ من جهت جوشهای دهان نافع است. ضماد برگ تازه من جهت آبله و باد سرخ که حرارت آن زیاد زیاد نباشد مؤثر است. خوردن عصاره برگ تازه من جهت درمان گات و تسکین التهاب صفراف مفید می باشد، یکی از پزشکان قدیم به نام شریف می نویسد:

«که پزشکان پارس جزام را با ریشه من معالجه می کردند، و برای این کار ۷/۵ مثقال ریشه مرا گرفته و با نیم لیتر آب جوشانده ت صاف می نمودند و بعد آب صاف شده را آنقدر حرارت می دادند که مقدار آن یک سوم شود، و آن را به بیمار می دادند و به این ترتیب شکم او چهار پنج مرتبه عمل می کرد و آنچه سودای سوخته در بدن او بود، دفع می شد. این عمل باری مبتلایان به جذام مفید بود، مشروط بر اینکه، دو روز نخود آب یا گوشت گوسفند فربه میل نمایند و روز سوم جوشانده مذکور را بنوشند و سه روز آن را تکرار نمایند و بعد روز سوم حمام روند. انطاکای این جوشانده را جهت گال، خارش و پاک کردن لکه

های سیاه پوستی بهتر از چوب چینی دانسته است ، و چون ریشه مرا ریزریز کرده و با برگ «مورد» بسوزانند، جهت زخم و امراض مقعد و زخمهای پلید و بدخیم و رویاندن مو اثر سریع دارد. میوه من در جمیع افعال مانند برگ بوده از خونریزی سینه و اسهال خونی جلوگیری می نماید. مقدار خوراک من یک مثقال است .

رمالان و جادوگران و اشخاص خرافاتی همراه داشتن مرا باطل کننده سحر و جادو می دانند، هر چند این موضوع حقیقت ندارد ولی آنچه مسلم است این است که دود کردن گیاه من حشرات و میکروبها را فرار می دهد و از بین می برد.

### حضض

داروسازان قدیم به عصاره چند نوع دیوچار حضض گفته و بعضی حضیض نوشته اند و آن را به دو دسته تقسیم کرده اند. یکی حضض مکی و دیگری حضض هندی که به آن رسوت هم می گفتند حضض مکی عصاره نوعی دیوچار است که در صحرای عرفات وجود دارد، و غالباً به پای حجاج می رود و به هنگام حج که حاجیان در لباس احرام می باشند، کندن آن تقصیر می باشد. حضض هندی عصاره فیلهزهره است و بعضی را عقیده بر آن است که عصاره تمام انواع دیوچار به این نام خوانده می شوند. برای تهیه این عصاره بایستی تمام قسمتهای گیاه را از ریشه ، برگت ، ساقه و بذر را گرفته و طبق معمول عصاره سفت یا روان تهیه کرد. خوردن این عصاره برای ورم روده و سایر ورمهای داخلی مفید بوده ، و برای کسانی که زیاد عرق می کنند مفید است . خونریزی زیاد بانوان سودمند می باشد. خون بواسیر را بند می آورد و زخم مجاری ادرار و التهابات آن را برطرف می کند. رفع تشنگی می نماید و در معالجه هاری می تواند نقش موثر داشته باشد. چکاندن عصاره روان آن در گوش چرک را از بین می برد مضمضه آن جهت تقویت و معالجه پیوره مفید می باشد، غرغره آن برای رفع ورم گلو نافع است . سرمه عصاره خشک آن جهت جوش و خارش چشم توصیه شده ، و برای تراخم مفید است و آبریزش چشم را برطرف کرده و باعث تقویت بینایی است . مالیدن آن جهت شقاق و زخم روده سودمند است . قریشی می نویسد: با اینکه این عصاره خون را بند می آورد باز کننده عادت ماهانه زنان نیز می باشد، مقدار خوراک آن نیم مثقال تا ۷/۵ گرم است و خوردن یک مثقال آن جهت معالجه مرض قند بهتر از چوب چینی است ، و اینطور به نظر می رسد که در انواع دیوچار نوعی پنی سیلین گیاهی وجود دارد.

### اسم من ««علف هزار چشم»» است !

فارسی من علف هزار چشم است ، مرا از آن جهت هزار چشم می گویند که روی برگهای من تعداد زیادی غدد شفاف قابل عبور نور بوده ، و اینطور به نظر می رسد که دارای سوراخهای ریزاست . به من سبزی یوحنا، نار قیصر، تاکسیر، حشیشة الجزایر و هوفاریقون هم می گویند. و این روزها عده ای مرا علف چای می گویند. من در کرج ، راه چالوس ، دره عمارلو، بین کبوتر چاک و پاک وه ، آذربایجان ، رضائیه ، دیلمان ، قره داغ ، جنگل علی بلاغ ، گیاهان ، طالش ، خراسان ، بروجرد، کوه الوند، نهاوند و نواحی البرز می رویم من صد و هشتاد گونه دارم که سه نوع آن در داروسازی سنتی ایران به اسامی ««هوفاریقون»» کوچک - بزرگ و متوسط وارد شده است . غدد شفاف من محتوی شیره قرمز رنگ مایل به قهوه ای است . گل من شبیه دیهیم است ، و در اواخر اردیبهشت تا مهرماه ظاهر می شود و منظره زیبایی به گیاه می دهد و سرشاخه های گلدار گیاه من دارای عطر

و تانی شبیه تانن چای می باشند که مقدار آن به دوازده درصد می رسد، و علاوه بر داشتن مواد موثر دارویی ، دارای ماده قرمز رنگی نیز می باشد. این ماده رنگی در میوه من هم زیاد است ، سرشاخه های گلدار مرا بایستی در اوایل گل دادن که گلها هنوز تازه بوده ، و پلاسیده نشده است چید. در این هنگام طعم آن تلخ ، قابض و کمی شور است . اگر بین انگشتان آن را بفشارید عطری از آن به مشام می رسد. این سرشاخه ها را پس از چیدن باید با نخی به هم بسته و روی طناب آویزان نمایند تا خشک شود و گلها طعم زیبا و رنگ خود را مدتی حفظ نمایند. دمکرده سرشاخه های گلدار من شبیه چای بوده ، و نیرو - بخش ، صفرابر، ضد عفونی می کند و چون از راه ادرار دفع می شود، در راه خود مجاری ادرار را ضد عفونی می کند و به ادرار رنگ قرمز می دهد. برگ و میوه من ضد نزله ، تب بر و ضد کرم بوده ضماد برگ من زخمها را التیام می دهد، و برای درمان کمی اشتها، اسهال ساده ، قولنج کبدی و کلیوی ، یرقان ، استسقا، سنگ کلیه و مثانه : نزله های ششی ، سل ، تنگ نفس ، کم خونی دختران ، هیستری ، میگرن ، تشنج ، عدم تعادل عصبی ، سیاتیک ، بواسیر، کرم روده و رفع ترشحات زنانه تجویز می شود. ضمنا برای معالجه بی اختیاری ادرار، حرکت و راه رفتن در خواب ، سردرد و نفخ آن را توصیه می نمایند. روغن قرمزی که از گل من می گیرند، بهترین دارو برای درمان زخمهای جلدی ، تاول و سوختگی است و چون این روغن خاصیت بی حس کننده موضعی دارد، برای رفع ناراحتیهای سوختگی بسیار مفید است ، و التهاب را تسکین می دهد و از تاول کردن و چرکی شدن و ناسور جلوگیری می کند، مالیدن آن برای تسکین دردهای روماتیسم و نقرس مفید است و در ضمن برای معالجه کوبیدگی اعضا، خون مردگی ، در رفتگی ، درد کمر و حتی برای عرق النساء هم مفید می باشد.

زیاده روی در خوردن من خوب نیست ، زیرا محرک سلسله اعصاب بوده ، و تشنج آور است و حیواناتی که از علف من چرا می کنند، دچار عوارض جلدی می شوند، خوردن عصاره من چهل روز پی در پی جهت نقرس و سیاتیک نافع است . خوردن میوه من جهت کزاز و باز شدن گرفتگی معده و کبد و روده ها و باز شدن ادرار و عادت ماهانه مفید می باشد. حمل میوه من جهت باز شدن ادرار، حیث سودمند است ، رنگی در میوه من هم زیاد جهت سیاتیک مجرب است . خوردن برگ من با سداب ، جهت درمان تب ربع نافع است . ضماد برگ من جهت جراحات سخت و بدخیم سودمند می باشد. پاشیدن گرد کوبیده برگ من جهت خشک کردن زخمهای چرکی متعفن بی نظیر است .

مقدار خوراک من به طور دمکرده ۲۰ تا ۳۰ در هزار یک فنجان قبل از هر غذا می باشد.

### روغن گل هزار چشم

برای تهیه روغن من بهترین راه این است که گلهای مرا بدون کاسبه و دمگل ۲۵ گرم گرفته و در نیم لیتر روغن زیتون مخلوط کرده ، در شیشه ای بریزید و بعد پانزده روز در جای گرم برای آفتاب بگذارید و سپس صاف کرده و به کار برید. این روغن ضد عفونی کننده و مسکن قوی بوده ، و مالیدن آن بر روی زخم سبب پیدایش گوشت و پوست نو می باشد و ضمنا می توان در مواقع گرفتگی غیر ارادی بدن و درد شکم هشت قطره از این روغن را روی یک حبه قند چکاند و میل نمود.

برای رفع بی اختیاری ادرار بهتر است دو گرم سرشاخه مرا به دو گرم آویشن دم کرده و نوشید.

## علف هزار چشم بزرگ

من نوع بزرگ علف هزار چشم هست . طول گیاه من ۴۰ سانتی متر و گاهی بیشتر است ، اعراب به من «رمان الانهار و عربیه» می گویند، و در کتب مرا «هوفازیقون کبیر» نامیده اند. من در شمال ایران مانند گیلان - بین رودبار و رشت - گرگان ، خراسان ، راه چالوس و کرج ، دره تالار و بعضی از مناطق مازندران می رویم . گیاه من بزرگتر از انواع دیگر هزار چشم بوده و برگهای من شبیه برگ نعناست . ساقه های من سرخ و گلهای من زردرنگ و بذر من در غلافی شبیه خشخاش است . مرا به علت داشتن گلهای درشت و قشنگ در گلخانه ها پرورش می دهند. برگهای من درشت و بدون دم و بیضی و قلبی شکل است و این بهترین وسیله برای تشخیص من است .

میوه من مسهل صفرا و سودای سوخته است ، و از اعضای مختلف من مانند انواع دیگر هزار چشم در داروسازی استفاده می شود. ضماد برگ به شده من برای رفع سوختگی و زخمهای بزرگ به کار می رود و پادزهر سموم می باشد.

## من «برگ بو» هستم !

فارسی من برگ نو می باشد. به من نوار ایض ، یاسم ، فغو، سوسن ایض هم می گویند. در ارسباران به من «قره دون» و در آستارا مندارچه می گویند. من از خانواده زیتون بوده . درختچه من ۲ تا ۵ متر ارتفاع دارد. برگهای من بیضی و دارای نوک باریک بوده ، خزان نمی نماید. یعنی تمام سال سبز است و تنها برگهای من در زمستان کمی قرمز می شوند و منظره قشنگی به گیاه من می دهند. مرا در بعضی از خانه های تهران و باغات شمیران می کارند. در آذربایجان ، در جنگلهای ارسباران ، حسن بگلو و نواحی شمال ، مخصوصا طالش و آستارا از قدیم به طور خودرو به عمل آمده ام . گلهای من سفید و میوه من قرمز است و پس از رسیدن سیاه می شود زنبور عسل به گیاه من علاقه فراوان دارد. عده ای نسبت به گیاه من حساسیت دارند. از میوه قرمز من یک ماده رنگی جهت قرمز کردن مواد غذایی استخراج می نمایند و از این رنگ در آزمایشگاهها به جای تورنسل می توان استفاده کرد. زیرا در محیط ترش و قرمز رنگ و در برابر قلیاییها سبز رنگ است . برگ و گلهای من قابض بوده ، و جوشانده آنها به طور غرغره برای درمان و تسکین گلو درد و ورم لوزتین مفید می باشد. مضمضه با آب جوشانده برگ من ، جوشهای دهان را برطرف می کند و برای از بین بردن برفک تجویز می شود. برای رفع سستی زبان کوچک داروی بسیار مفیدی است . پوست درخت من تب بر بوده ، و از آن به عنوان مسهل نیز می توان استفاده کرد.

## اسم من «کتیرا» است !

من صمغی هستم که از بعضی انواع «گون» در اثر شکاف طبیعی یا مصنوعی به دست می آیم ، برای تهیه من معمولا «گون» را تیغ می زنند، تمام گونه های گون ، کتیرا دارند. ولی معمولا انواع پر صمغ را که گون کتیرا با علف کتیرا نامیده می شوند انتخاب می کنند. من یکی از اقلام صادراتی ایران هستم و در صنعت موارد استعمال زیاد دارم . من در آب حل نمی شوم ، ولی آب را به خود جذب کرده متورم شده و به صورت صمغ و چسب در می آیم . در صنایع نساجی ، کاغذسازی و کفاشی از من

جهت تهیه چسب استفاده می شود، و در اکثر نقاط ایران، مخصوصاً مشهد، سبزوار، سلطان آباد، تربت حیدریه، کرمان، ملایر، کردستان، و شیراز به دست می آیم در ایران حدود پانصد گونه «گون» مول کتیرا به عمل می آید، و در حقیقت در هر نقطه ایران نوعی خاص وجود دارد. صمغ من کمی تفاف، بی مزه و لزج است، و به رنگهای سفید، زرد، قهوه ای کم رنگ و قهوه ای پررنگ دیده می شود. سه نوع من در بازار معروف است: کتیرای ورقی، کتیرای معمولی و کتیرای مفتولی. نوع ورقی من از تیغ زدن ساقه به دست می آید. کتیرای مفتولی را از فرو بردن سیخ یا میخی در ساقه فراهم می سازند، و کتیرای معمولی که چندان مرغوب نیست به شکل لوله یا مدور است. قسمت عمده محصول ایران کتیرای ورقی است.

خوردن کمی از من جداره معده و روده ها را روغن می زند و همراه با ادویه، از مضار وحدت آنها می کاهد و خون رقیق را اصلاح می کند. کمی مسهل است، ضماد من ورمهای سخت را نرم می کند، سرمه من با ادویه جهت زخم چشم مفید است. خوردن من با شیر تازه جوشیده، خونریزی سینه و معده را بند می آورد. مکیدن من برای سرفه و نرم کردن سینه و گلو و زخم شش و گرفتگی آواز تجویز می شود و چون با عسل مرا مخلوط کرده حب یا قرص نمایند و در دهان گذاشته، پس از مکیدن آب آن را فرو برند، جهت امراض سینه و گلو مفید می باشم، خوردن من مقوی معده بوده، برای درمان ورم معده و روده مفید است مسکن درد کلیه و مثانه بوده، و از حرارت ادرار می کاهم. من از سمیت داورهای سمی می کاهم.

برای چاق شدن اشخاص خیلی لاغر به آنها دستور دهید که روزانه کمی از مرا با مغز بادام و نشاسته به صورت پاستیل در آورده، میل نمایند و بعد نارگیل را در شیر جوشانده، روی آن بنوشند. در استعمال خارجی مالیدن من پوست را نرم می کند، ترک لب را التیام می دهد، و مالیدن آن با سرکه لکه های پوستی و کک و مک را برطرف می سازد، و برای برص نیز تا اندازه ای مفید می باشد، و با مهر گیاه از چند شقه شدن مو جلوگیری می کند. شستن موهای خشک با من و زرده تخم مرغ بسیار نافع بوده، و از شکنندگی آن جلوگیری می نمایم و شوره را بر طرف می سازم. ضماد من با گوگرد جهت جرب و آکله بسیار نافع است. در داروسازی جدید، مرا جهت معلق نگاه داشتن داروهای غیر محلول و تهیه قرصهای صمغی و برای نرم کردن سینه به کار می برند و همچنین برای تهیه «موسیلاژ»ها و گرد کتیرا از من استفاده می شود.

### گون «بر وزن لبن»

فارسی من گون است، به من علف کتیرا هم می گویند. من بوته ای علفی بوده، و انواع من بیشتر خاردار می باشد. به انواع من «نوارس مسواک القیاد» مسواک المسیح، شجره القدس هم می گویند. در کتب داروسازی سنتی مرا قتاو خوانده اند، ولی فارسی صحیح من گم بر وزن قم می باشد، و در زبان فرانسوی این لغت را از فارسی گرفته، به انواع صمغ اطلاق می نمایند و در شیراز به من بالش عاشقان گویند. خارهای بوته من نوک تیز و خم شده به سوی پایین است، ساقه گیاه من بی خار بوده، و مانند نی می باشد.

شتر به خوردن گیاه من چندان راغب نیست، مگر در سالهای خشکی که باران نباریده و علف سبز نشده باشد، و چون مواشی از گیاه من چرا نمایند، فربه خواهند شد. میوه من شبیه هسته خرما است. نوشیدن آب بوته من جهت سرفه، تنگ نفس و زخم ریه



سودمند است ، و چون ساقه مرا با عسل بر روی لکه های پوستی بمالند، آنها را بر طرف خواهد نمود. ریشه گیاه من چرب بوده و مانند مشعل می سوزد، برای پاک کردن لکه های جلدی می توانید ریشه مرا خشک کرده ، کوبیده و با سرکه مخلوط کرده ، به کار برید.

### نوارس

من نوعی گون هستم که بیشتر به من شجره القدس و مسواک المسیح می گویند. من در غرب ایران مانند کرمانشاه و همدان و کردستان می رویم ، شاخه های گیاه من باریک و بلند بوده ، طول آنها به سه ذرع می رسد. برگهای گیاه من ریز دنداندار بوده و دارای کرکی شبیه به پشم می باشد. گلهای من زرد و خوشبو و طعم آنها تند است . خار من مانند سوزن است . کتیرای من سرخ و قهوه ای پررنگ می باشد.

نوشیدن عصاره آبی گیاه من جهت معالجه سل و زخم ریه و ذات الجنب دارویی کم نظیر است ، و پادزهر سموم گیاهی است . ضماد بیخ من برای التیام جراحات اعصاب مفید بوده و به همین جهت مرا شجره العصب هم نامیده اند. جوشانده و دمکرده شکوفه من جهت درد اعصاب و گرفتگی اعضا و در رفتگی استخوان و عضلات مفید می باشد. جوشانده گیاه و گل من قائم المقام کتیرا بوده ، و نوشیدن آن از خونریزی سینه و خونریزی معده جلوگیری می نماید.

### من «خرس گیاه» هستم!

فارسی من خرس گیاه است ، به علف خرس هم می گویند، عربی من حشیشه الدب می باشد. من یک گیاه علفی هستم که بیشتر در، گیلان می رویم ، برگهای من در قسمت پایین ساقه بیضی ساده ، و نامساوی است ، و غالباً به یک برگچه منتهی می شود، ولی برگهای قسمت فوقانی ساقه من مرکب باز ۷ تا ۱۳ برگچه باریک و نوک تیز است ، و همین اختلاف شکل برگهای فوقانی و تحتانی ، بهترین راه تشخیص گیاه من است .

گلهای من کوچک زرد یا نارنجی است ، و گاهی مایل به قرمز است و به صورت مجتمع با ظاهری مدور می باشد، میوه من غلافی و در داخل غلاف فقط یک دانه وجود دارد. مرا به عنوان یک گیاه زینتی می توان کاشت . چون گلهای من زیبا می باشد، قسمت مورد استفاده من گل و قسمتهای هوایی گیاه من است . برگ و قسمتهای مختلف گیاه من دارای جوهر مازو، صمغ و مپوئین و یک ماده رنگی است . دانه های من دارای روغن قابل استخراج می باشند. گل من قابض و التیام دهنده جراحات است ، و برای تصفیه خون مفید می باشد. گلهای من ملین بوده ، دمکرده ۵۰ در هزار آن برای تقویت معده و روده ها استفراغ اطفال مفید می باشد، و در استعمال خارجی جوشانده گل و سرشاخه های من به کار می رود.

### اسم من «مازریون» است!

فارسی من هفت برگ بوده به شیرازی «هشت رود» گویند، عربی من زیتون الارض بوده و در کتب سنتی مرا مازریون خوانده اند. درختچه من زیبا بوده و در نواحی مختلف ایران به صورت خودرو می روید و بیشتر می توان آن را در جنگلهای طالش ،

دینوچال ، کلاردشت و آسپینا دید. گلهای من بسیار زیبا و دارای عطری بسیار مطبوع است ، رنگ گلهای من بیشتر قرمز است ، میوه من آبدار و سبز است و پس از رسیدن قرمز می شود، و مرا به علت زیبایی در باغچه ها پرورش می دهند، نمونه های پرورش یافته من بلندتر و گلهای درشت تری دارند. پوست ساقه ، برگ و میوه من پیشاب آور، مسهل و معرق بوده ، التیام دهنده زخمهاست ، ولی به علت خطراتی که دارد کمتر استعمال می شود. «ملا احمد تبتی» در تاریخ الحکما چنین می نویسد: در شهر بصره شخصی مبتلا به استسقای مزمن بود، تمام پزشکان از معالجه آن عاجز ماندند، و بیماری او را غیر قابل علاج اعلام داشتند. همینکه از درمان مایوس شد و امید او به زنده ماندن قطع گردید، گفت : مرا بگذارید تا چند روز دیگری که زنده هستم آنچه را که می خواهم بخورم ، تا از گرسنگی نمیرم ، پزشکان به او گفتند هر چه میل داری بخور. او در بین راه به دوره گردی برخورد که ملخ پخته می فروخت . هوس خوردن آن کرد و مقداری از آن را خرید و خورد و پس از ساعتی مبتلا به اسهال شد، و آنقدر آب زرد متعفن از شکم او خارج شد که هیچ کس گمان نمی کرد این مقدار آب در شکم او باشد و بعد از آن به کلی از آن مرض نجات یافت .

چون این خبر به پزشکان معالج رسید تعجب آنها زیاده تر شد، زیرا ملخ خوردن شکم را بند آورده و تولید یبوست می نماید، و نباید تولید اسهال نماید یکی از پزشکان در صدد تحقیق برآمد و به فروشنده ملخ مراجعت کرد و از وی پرسید که تو این ملخها را از کجا آورده ای ؟... محل صید اینها در کدام محل بوده و در آنجا چه گیاهی روئیده بود؟ ملخ فروش جواب داد که من این ملخ ها را از جایی صید کردم که در آنجا گیاهی جز مازریون وجود نداشت ، و خوراک این ملخان برگ مازریون بود. طیب چون این خبر شنید امر را درک کرد و چون می دانست که برگ مازریون مسهلی قوی و خطرناک است اگر کسی یک مثقال آن را بخورد به چنان اسهالی مبتلا می شود که بند آمدن آن غیرممکن است .به همین علت است که اطبا مازریون را بدون مصلح تجویز نمی کنند، و چون ملخ این گیاه را خورده در بدن او از سمیت آن کاسته شده و خطر آن برطرف گردیده ، مسهل خوبی برای شخص مبتلا به استسقا درست شده است . داروسازان سنتی ایران برای اینکه از این گیاه در معالجه استسقا استفاده کنند و از منابع آن بهره مند شده ، و جلو ضرر آن را بگیرند، روش خاصی پیدا نموده اند و به همین منظور برگ تازه مرا هنگامی که گیاه من گل می کند چیده ، و دو شبانه روز در سرکه خیسانیده و دو سه بار سرکه آن را عوض کرده و بعد برگها را شسته و خشک می نمودند. خوردن این برگ بهترین درمان استسقا بوده و اقسام کرم و کرم کدو را از بین می برد. برگ من ضد عفونی کننده ای قوی و پاک کننده احشاء داخلی است . مضمضه جوشانده من مخصوصا نوع سیاه آن مسکن درد دندان است ، و چون مقداری فلفل سیاه را سائیده و بر برگ من مالیده و آن را در حفره دندان کرم خورده گزارند، درد آن را ساکت و از پیشرفت کرم خوردگی جلوگیری می نماید. آشامیدن دمکرده من با شراب جهت نیش حشرات نافع بوده ، و پادزهر سموم آنها است . ضماد تمام اقسام من با عسل جهت زخمهای چرکین و کندن ریشه خشک آنها و معالجه آگزمای آبدار مفید می باشد، و با موم روغنی جهت زخمهای پلید نافع است . مالیدن برگ من برای لکه های جلدی و جوشهای پوستی مفید است ، مخصوصا اگر با گوگرد همراه باشد.

پوست انواع من محرک جلدی و تاول آور است ، بطوری که اگر پوست تازه گیاه مرا از طرف داخل روی پوست بدن قرار دهند، ایجاد تحریک و قرمزی کرده ، تولید تاول می نماید. خوردن آن نیز در معده ایجاد سوزش کرده ، تولید استفراغ می کند و چنانچه زیاد مصرف شود، باعث تورم روده خواهد شد و به همین جهت است که پوست گیاه مرا به عنوان تاول آور به کار می برند، و برای این کار بهتر است که پوست تازه مرا نیم ساعت در سرکه قرار داده و بعد ۲۴ ساعت بر روی پوست گذارند .

### کرم دانه

من نوعی مازریون می باشم که در کتب دارویی قدیم به من اشخیص می گفتند، و گونه ای از من در اطراف رضائیه و فارس می روید و به آن خسک گویند. من درختچه زیبایی هستم به ارتفاع یک تا دو متر که در اراضی خشک اطراف مدیترانه می رویم و آنچه در فارس و رضائیه می روید، گونه ای از من است ، من ریشه ای دراز و شاخه های پربرگ دارم ، برگهای من ضخیم ، باریک و نوک تیز است ، و گلهای من در فاصله تیرماه و شهریور ظاهر می شوند و خوشه ای می باشند. میوه من قرمز آبدار بوده و دارای دانه های گرد است . مغز دانه آن سفید و روغن دار است ، قسمت مورد استفاده من برگ میوه و پوست ساقه من است که دارای همان خواص مازریون بوده ، و اثر سوزنده و تاول آور آن بیشتر است .

### من «سریش» هستم !

فارسی من سریش است ، به من اشراس و اشراش هم گفته اند. من ساقه زیرزمینی گیاهی هستم از تیره لاله ها. گلهای گیاه من قشنگ و زینتی است ، و به صورت خوشه کله قندی می باشد و به قدری قشنگ است که گلهای مرا گل فروشها به قیمت گزاف می فروشند. من در بیشتر مناطق کوهستانی ایران ، مخصوصا خراسان می رویم و به خصوص بین مشهد و چشمه شاهان گرماب زیاد به عمل می آیم ، گیاه من پایاست و ریشه آن در زمین می ماند و همه ساله سبز شده و گل می دهد. ساقه زیرزمینی من ضخیم و لعابدار است و می توان بهترین چسب را با آن ساخت . صحافان ، کفاشان ، صندوق سازان و سراجان همه از چسب من استفاده می کنند. زیرا که کوبیده ساقه زیرزمینی من دارای چسبی محکم است ، ولی باید همیشه آن را به مقدار لازم تهیه کرده و فوراً به کار برد. ولی اگر مدتی آن را نگاه دارند، تجزیه شده و آبدار می شود. مخصوصا اگر آن را در ظرف بسته نگاه دارند به امید اینکه خشک نگردد .خوردن من جهت درد پهلو، سرفه ، یرقان حاصله از زیادی صفرا، دل پیچه و خشونت سینه مفید می باشد، و چون ساقه زیرزمینی مرا خرد کرده و بخورند، ادرار و حیض را باز می کند. ضماد آن ورم را فرو می برد و با سکه جهت گری و لکه های جلدی مفید است ، ضماد من جهت رفع شکستگی اعضا و ضرب خوردگی جلدی فتق ، ورم بیضه و ورمهای پلید و بدخیم ، و با سرکه و روغن زیتون جهت آگزما، جرب ، خارش ، و نرم کردن مواضع سخت شده پوستی و با آرد جو جهت آگزما و ریزش طبقات شاخی پوست و ورمهای بلغمی سودمند است .بذر گیاهی من ضد عفونی کننده و دارای پنی سیلین گیاهی است ، اخلاط غلیظ را از بین می برد و جهت جلوگیری از خونریزی سینه مفید است و با عسل جهت تصفیه جگر نافع می باشد. برای تهیه ماسکهای زیبایی می توانید کوبیده ساقه زیرزمینی مرا با آب میوه مخلوط کرده به کار ببرید. مقدار خوراک ساقه زیرزمینی من یک مثقال و بذر من سه گرم می باشد.

### اسم من «خرزهره» است!

فارسی من خرزهره است. اعراب به من جین، سم الحمار و ورد الحصار و ورد الحمام می گویند، ولی داروسازان سنتی ایران مراد فلی «دفلا» خوانده اند. من یک درختچه زیتنی هستم، با برگهای دراز و ضخیم که دائماً سبز یم باشند. مرا به علت داشتن گل‌های قشنگ که مانند چتر بر سر شاخه ظاهر می شود، و بر حسب نوع به رنگ گلی یا سفید است، در تهران و اکثر شهرهای ایران و در خانه ها می کارند. چون علاوه بر زیبایی اکثر حشرات مانند ساس، کیک، کرم خاکی و غیره را از بین برده، از میزان پشه و مگس می کاهم. گل‌های من نوش فراوان دارند، ولی تا زمانی که زنبورها زرد معمولی وارد جام آن نشده و راه را باز نمایند نمی تواند مورد استفاده زنبور عسل واقع شوند. درختچه من به طور خودرو در جنوب ایران و بین کرمانشاه و بغداد می روید. من یک گیاه سمی هستم. مواد سمی من در گل، برگ و شیرابه ساقه های من وجود دارند. در یکی از جنگ‌های قدیم سربازان اسپانیا از ساقه های من به جای سیخ برای تهیه کباب استفاده کردند، و در اثر مسمومیت همگی تلف شدند، و روی همین اصل بود که داروسازان سنتی ایران هیچگاه خوردن و استفاده داخلی آن را توصیه نکرده و فقط استعمال خارجی آن را تجویز کرده اند. ضماد پخته سائیده برگ من جهت تحلیل ورم‌های سخت و نرم کردن آنها، تسکین درد پشت و درد زانو و رفع خارش و التیام دهانه زخم‌های چرکی سودمند است، و حمول آن جهت درد رحم مفید می باشد. مالیدن آب گرم من جهت جلای رخسار و اصلاح مو نتیجه عالی دارد. پاشیدن آب جوشانده برگ و سرشاخه های من کشنده حشرات، مخصوصاً کنه، ساس، کیک، پشه خاکی و کرم باغچه است. چنانچه بز از برگ درخت من تغذیه نماید، خواهد مرد و شیر آن نیز مسموم کننده خواهد شد. جوشانده شاخه و برگ درختچه من جهت کچلی و چرب حیوانات مفید می باشد. اگر برگ گل مرا بپزید و له شده آن را در یک قسمت آب و دو قسمت روغن زیتون ریخته و با آتش ملایم بجوشانید تا آب آن تمام شده و روغن آن بماند روغنی بدست می آید که مالیدن آن درد اعصاب را تسکین می دهد. مالیدن آن شوره سر را از بین می برد و اعضای بی حس شده را تقویت می کند و درد پشت و درد لگن خاصره را تسکین می دهد و برای برص مفید می باشد و چون یک کمی از برگ من با یک کمی گوگرد و یک کمی کشک با هم کوبیده و با پیه مخلوط نمایند و بر روی آگزا بمالند، پس از هفت مرتبه مالیدن درمان می شود، و چون آن را دوازده مرتبه برص بمالند، پس از هفت مرتبه مالیدن. در طب جدید استعمال داخلی مرا به مقدار کم مورد استفاده از آن بدون اجازه پزشک معالج ممنوع است، و با اجازه طبیب می توان از آن جهت معالجه ورم اندام‌های بدن و تنگ نفس استفاده نمود. چنانچه از عصاره آبی و الکلی من کمتر از مقدار خوراک آن استفاده شود ضربان قلب را تنظیم می کند و ادرار را زیاد می نماید.

در داروسازی جدید حب‌هایی که دارای ۰/۰۵ گرم عصاره الکلی یا آبی من باشد دو تا چهار حب در روز تجویز می شود.

### من «هزار بندک» هستم!

فارسی من هزار بندک است. به من هزار پسر و هزار پیوند هم می گویند. به من پرسیاوشان دارو «یا پرسیاوشان اشتباه نشود» «کسته» و «عصای موسی» هم گفته اند. عربی من قضاب مصری و عصی الراعی است و عده ای از اعراب «ونکه صغیره»

گفته اند. انواع بزرگ من که به تازگی در ایران به عنوان گلهای زیتنی پرورش می دهند. به نام خارجی آنها «پروانش» معروف است و به یک نوع آن «گل تلفونی» می گویند. من از تیره خرزهره می باشم. گیاه من دو نوع ساقه دارد، یک نوع آن در روی زمین خزنده بوده، بند بند است و از هر بند آن ریشه ای به زمین فرو می رود و به همین مناسبت است که در فارسی به من هزار بندک گویند. نوع دوم ساقه من قائم بوده، و مولد گل می باشند. ساقه های خزنده من معمولا یک متر و ساقه های قائم یک پنجم متر می باشند. برگ گیاه من بیضی و عاری از کرک و دندانه است. گلهای من آبی - مایل به بنفش و آبی روشن و گاهی سفید - گلی و ارغوانی است، و معمولا گیاه من سالی دو نوبت در پائیز و اسفند گل می دهد. جام گل من لوله ای و باریک است و با اینکه نوش فراوان دارد، زنبور عسل نمی تواند وارد آن شود. مگر آنکه حشره کوچکی قبلا وارد شده، و آن را شکاف فراخ نماید، به گلهای من اعراب «آذان الغزال» می گویند. قسمت مورد استفاده من برگ و اندامهای مختلف من است. برگ مرا در هر فصلی می توان چید و خشک کرد. برگهای من قابض بوده، و سینه را نرم می کند و رقت خون را معالجه می نماید. ادرار آور و مقوی بوده، و از خونریزی سینه و معده جلوگیری می نماید. برای معالجه نزله کهنه، اخلاط خونی و پیدا شدن خون در ادرار، ورم روده و اسهال کهنه، رفع ترشحات زنانه و تبهای نوبه ای و سل تجویز می شود.

برگهای من داروی کمکی خوبی برای مداوای تب و لرز و جلوگیری از زیادی خون قاعدگی می باشد. غرغره جوشانده برگ من برای معالجه آنژین، ورم لوزه تجویز می شود و همچنین تنقیه با جوشانده آن جهت معالجه اسهال خونی و اولسره های روده به کار می رود. هنگامی که شیر در پستان جمع می شود و همچنین برای پانسما زخم و اولسر پستان می توان از جوشانده پنجاه در هزار برگ من به کار می رود و چکاندن چند قطره از آن در گوش برای از بین بردن چرک آن کافی است. نمک مستخرجه از خاکستر گیاه من به جای زاج در رنگرزی از طرف داروسازان سنتی ایران توصیه شده است، از پروانش و گل تلفونی نیز جهت مصارف فوق می توان استفاده کرد. یک نوع من در شهسوار می روید و به زبان محلی به آن خاک تره گویند، جوشانده خاک تره اسهال خونی را بند می آورد و پادزهر سموم می باشد. ضماد برگ آن جهت از بین بردن جراحات تازه باد سرخ و آبله و همچنین زخمهای آبدار و چرکین و رفع التهابات نافع می باشد. ضماد گرم برگ آن جهت سر باز کردن دمل سودمند می باشد.

### اسم من «غافت» است!

فارسی من غافت بر وزن آفت است، و معرب آن غافت می باشد. به من علف گلو درد، تیغ بدبو، شوکه منتنه، دوی جگر، قیزل پپراق، قزل پپراق، قاصیق اوتی، اکرسومنه، اوباطریوس، اوفاطریون و مشکانیه هم می گویند. من در گیلان، مازندران، رودبار - زیر درختهای زیتون دره عمارلو، باغ محسن، هرزیل - بین زرد چین و دارماش - جنوب و غرب ایران، کرمانشاهان، تفرش اشتران کوه، خراسان، دره اترک - بین بجنورد و شیروان، اطراف تهران و کرج می رویم. بهترین نوع من غافت فارسی است که از کوههای اطراف شیراز می آورند. برگهای من دارای هفت تا نه برگچه بزرگ دندانه دار است و در فواصل آنها برگچه های کوچک نامنظم می روید. گلهای من به رنگ نارنجی و زرد است و به صورت سنبله می باشد. میوه من به علت دارا بودن قلابهای کوچک به پوست و پشم حیوانات می چسبد. نوعی از من که در سایه می روید ارتفاعش زیادتر و گلپایش درشتتر بوده.

روی برگها غده های اسانسی دیده می شود. طعم من تلخ و زنبور عسل از گیاه من گریزان است . تمام قسمتهای گیاه من مخصوصا برگ خشک آن در داروسازی مصرف می شود. ترکیبات شیمیایی و عوامل موثر دارویی من هنوز مشخص نشده است . برگ من قابض ، قاعده آور، مدر، ضد کرم و التیام دهنده زخمهاست . برای مصارف دارویی انواع من که در سایه روئیده باشند، چون اسانس بیشتری دارند مفیدتر می باشند. برگ من برای جلوگیری از خونریزی و خونروی ، پیدایش خون در ادرار، بی اختیاری دفع ادرار اطفال تجویز شده و نتایج عالی داشته است و بعلاوه برای از بین بردن ترشحات زنانه ، ضعف معده ، نفخ شکم ، سنگ کلیه و رماتیسم توصیه شده است ، و برای بیماریهای کبدی مزمن ، نارسایی ترشح صفرا، یرقان ، قولنج کبدی سودمند می باشد. جوشانده برگ من به صورت غرغره ، برای از بین بردن عوارض آنژین ، ورم لوزتین ، ورم مخاط گلو و باز شدن صدا مفید می باشد. کمپرس و شستشو با جوشانده غلیظ من برای بهبود زخمها و جراحات و اولسرها مفید می باشد. دمکرده برگ و سرشاخه های من به نسبت بیست تا سی هزار برای ضد عفونی کردن دستگاه هاضمه ، باز کردن گرفتگی کبد و طحال ، و امراض کهنه و باز شدن عادت ماهانه زنان بعد از مایوس شدن اثر مفید دارد. برای غرغره و استعمال خارجی بهتر آن است که صد گرم گیاه خشک مرا در یک لیتر آب جوشانده و آن قدر بجوشانند تا مقدار آن به یک گرم برسد.

عده ای برای این کار دستور داده اند که پنجاه گرم برگ غافت و پنجاه گرم زیرفون به کار برند. ضماد گیاه من با پیه خوک کهنه و یا پیه حیوانات دیگر جهت باز شدن دملهای سخت نافع است . عصاره جهت معالجه جرب و خارش مفید است . عصاره من با عصاره افسستین جهت معالجه داءالثعلب و داءالحیه به کار می رود. برای گرفتن عصاره من کافی است که آب گیاه تازه را گرفته با حرارت ملایم یا حرارت آفتاب خشک نمایند.

### من «اسپیره» هستم !

اسم : اسپیره است . در نور به من «شیرگا» گویند. عربی من «ملک المروج» یعنی سلطان مرتعها می باشد، عده ای هم عربی مرا «لحیه التیس» یعنی ریش بز گفته اند، ولی این نام در زبان عرب بت چند گیاه دیگر از جمله شنگت هم اطلاق می شود. در زبان فرنگی نیز به انواع من اسپیره می گویند. من از تیره گل سرخ بوده و چند نوع دارم که یک نوع آن در آذربایجان ارسباران ، قره داغ ، جنگلهای حسن بگلو و مازندران می روید. گیاه من علفی به ارتفاع ده تا پنجاه سانتی متر و دارای ساقه زیرزمینی من است ، که رنگ آن قهوه ای و دارای طعمی گس و بی بو است و دارای چندین نوع عامل موثر دارویی است . ساقه زیرزمینی من قابض ، ضد اسهال ، مخصوصا ضد اسهال خونی است و بهترین داروی ضد شکم روش برای اشخاص سالمند است . برای ورم معده و جلوگیری از پیدایش خون در ادرار تجویز می شود و برای رفع استفراغهای خونی ، بواسیر، نتیجه خوب داده است . جوشاندن آن برای معالجه گلودرد به صورت غرغره و شستشوی دهان با آب برای محکم شدن لثه و دندان مفید می باشد. کمپرس با جوشانده آن برای برطرف کردن خون مردگی و دردهای نقرسی نافع می باشد. مقدار خوراک آن به صورت جوشانده ۲۵ در هزار یک قاشق سوپخوری به فاصله بیست دقیقه برای رفع استفراغ خونی داده می شود و در موارد دیگر، از دمکرده ۲۵ در هزار سه فنجان در شبانه روز نوشیده می شود. گرد کوبیده ساقه زیرزمینی من برای ساختن خمیردندانهای طبی که جهت

جلوگیری از خونریزی لثه ها ساخته می شود به کار می رود. برای استعمال خارجی به صورت غرغره و مضمضه و کمپرس ، معمولا از جوشانده غلیظ من صد گرم در هزار استفاده می نمایند. یک نوع دیگر من در مرز فوقانی جنگلهای شمال و جنگلهای ارسباران و بیلاقات نور و همچنین در همدان ، قم ، تفرش و دماوند، بطور خودرو می روید و خواص آن شبیه نوع قبلی است .

### اسم من «درخت مسواک» است !

فارسی من درخت مسواک است ، در بندر عباس و چاه بهار به من چوج گویند، عربی من شجرالمسواک است ولی در کتب سنتی به من اراک لقب داده اند من یک درختچه ایران هستم ، برگهای متقابل من گوشتی است و دارای گلهای سفید رنگ خوشه ای هستم . میوه من هسته ای زرد رنگ بوده و آن را کبات نامند که در موقع نارسایی سبز رنگ بوده ، و به آن خمط و جهاض می گویند. از ریشه من که چوبی است سابقا به جای مسواک استفاده می کردند.

### کبات

من میوه رسیده و سیاه شده درخت مسواک هستم ، چون هشت گرم مرا کوبیده و نرم کرده ، با هم وزن آن شکر قاووت نمایند، و پس از خوردن روی آن آب سرد یا شربت بنوشند، تولید اسهال کرده ، معده را پاک و درد پشت را تسکین می دهم و بعلاوه معده را از بلغم تهی می سازم . نوشیده جوشانده من ادرار را زیاد و مثانه و کلیه را لارویی می کند. من انواع کوهی و صحرائی دارم . با این فرق که خاردار است و من بی خار می باشم . مسواک کردن با ریشه من دندان را سفید و لثه را تقویت می کند. صاحب کتاب دستورالاطبا و دیگران عقیده دارند که برگ درخت من جهت جذام ، گال ، بواسیر و فساد خون نافع است . میوه من نیز برای جذام و استسقا مفید بوده ، کرم کدو را ساقط می کند. مقدار خوراکی بذر من ، هشت گرم و برای انداختن سایر کرمهای معده و روده نیز موثر است .

### اسم ما «تاجریزی» است !

ما برادران گوجه فرنگی و از تیره بادمجان هستیم که در زبان فارسی به ما تاجریزی ، انگور روباه ، انگورتورک ، روباه تریک ، سگ انگور و به ترکی قوش اوزومی و به عربی عنب الثعلب گویند و این اسامی به انواع ما تعلق می گیرند. اکنون اجازه فرمایید انواع ما یکایک خود را معرفی نمایند.

### کاکنج

فارسی من عروسک پشت پرده است ، به من آلبالوی زمستانی ، عروسک پس پرده ، عروس در پرده ، کچومن ، جوز المرح ، صب اللهو، کریس الیمود، حب التوم و اسفوند و لیون گویند. در کتب داروسازی سنتی مرا کاکنج خوانده اند، در زبان فرانسوی به من الکنج می گویند. داروسازان سنتی ایران مرا نوع نر تاجریزی دانسته ، بستانی و کوهی مرا کاکنج منوم می دانستند. من در اطراف تهران ، قصر قجر، تجریش ، در نواحی مرکزی ایران مخصوصا اطراف اصفهان در شمال ایران آذربایجان ، رودبار، کوشک

، جنگلهای حسن بگلو می رویم . چند نوع از گیاه من در آمریکای به عمل می آید که اهالی محل آنها را خام خورده ، و با آنها سس تهیه می نمایند.

ساقه گیاه من راست و زاویه دار مایل به رنگ قرمز با رنگهای بیضی شکل نوک تیز به رنگ سبز می باشد. گل‌های من فاصله مرداد تا شهریور ظاهر می شود و غالبا بطور منفرد در روی ساقه قرار دارند. میوه من آبدار به رنگ قرمز و به بزرگی یک گیلان بوده و پوشیده از پرده است که از به هم پیوست کاسبرگها حاصل شده است ، و به همین جهت به مانند عروسی است که در پس پرده قرار گرفته ، و به آن عروسک پشت پرده هم می گویند .

در داخل میوه من دانه های کوچک مسطح به رنگ سفید دیده می شود، دارای نوش فراوان بوده و زنبور عسل به نوش و دانه های من علاقه و توجه فراوان دارد. قسمت مورد استفاده من میوه من است ، ولی از برگها و دانه های من هم استفاده می شود. میوه من سرشار از ویتامین «ث» می باشد و تقریبا دو برابر لیموترش ویتامین «ث» دارد، و علاوه بر ویتامین دارای جوهر لیمو و قندهای گوناگون است . در برگهای من ماده تلخی وجود دارد و از میوه و کاسبرگهای من ماده رنگین استخراج می نماید. میوه من ملین ، برگ و ساقه و کاسبرگهای گل من مقوی و تصفیه کننده خون ، و بهترین دارو برای دفع خیز حاصله از پیدایش آلبومین در ادرار است . امراض سخت کلیه و مثانه ، استسقا، نقرس و یرقان را معالجه می نماید.

ضماد برگ من پوست را نرم می کند، و ناراحتیهای جلدی را برطرف می سازد، چکاندن عصاره من درمان خوبی برای زخم گوش می باشد، دود و بخور دانه های من نیز برای گوش درد مفید بوده و چرک آن را خشک می کند، و نیز برای تنگ نفس مفیده بوده ، کرم معده ، مخصوصا کرم کدو را ساقط می نماید. مالیدن عصاره من بواسیر را برطرف می کند، و زخمهای مزمن را درمان کرده ، و از فساد و چرک کردن آنها جلوگیری می نماید.

نوعی کوهی من پیشاب آور بوده ، و یک مثقال آن خواب آور می باشد. ولی زیاده روی در خوردن آن باعث جنون می شود، مقدار خوراک میوه رسیده من ده تا بیست عدد میوه در روز است . با میوه من شربت مربا و ترشی درست می کنند، و برای این کار لازم است میوه را از پرده بیرون آورند تا تلخ نشود، از میوه من بطور دمکرده و جوشانده به عنوان پیشاب آور می توان استفاده نمود.

### سگ انگور

من نوعی تاجریزی هستم ، که در خراسان و شبه قاره هند می رویم ، در داروسازی جدید مرا تاجریزی سیاه می نامند و این ترجمه نام فرنگی من است . ولی داروسازان سنتی مرا عنب الثعلب خواب آور می دانستند. گیاه من علفی یک ساله به ارتفاع ده تا پنجاه سانتی متر است ، و بیشتر در کنار گودالها می روید. ریشه من راست و سفید رنگ است ، و در فاصله خرداد تا شهریورماه ظاهر می شوند، میوه من آبدار، مدور، اول سبز و بعد از رسیدن قرمز می شود، طعم میوه من تلخ و ناپسند بوده ، و در آن دانه های کوچک گرد زیاد دیده می شود. من خواب آور و مسکن می باشم . ضماد برگهای تازه و له شده من بر روی زخمهای جلدی و سرطان و تومورهای بدخیم مفید است ، برای معالجه زخم نوک پستان می توان از جوشانده من به صورت



حمام موضعی استفاده کرد، و این کار برای رفع سوختگی و کوفتگی و التهابات پوست نیز نافع است، برای رفع ورمهای پوست از جوشانده من کمپرس کنید، و زخمهای چرکی را با جوشانده من شستشو نمایید، ضماد برگ و سرشاخه های گلدار من دردهای رماتیسمی و مفصلی را تسکین می دهد. از جوشانده برگهای گیاه من بطور تیقیه می توان برای تسکین دردهای لگن خاصره رحم و اعضای تناسلی استفاده کرد. یک مثقال من مسکن بوده، و بیشتر از آن تا چهار مثقال کشنده است، ضماد برگ میوه و دانه های من برای تسکین التهابات و درمان زخمهای جلدی و سرطان مفید است، از دود و بخور دانه من برای تسکین درد گوش و زخمهای جلدی استفاده نمایید.

### تاجریزی پیچ

«کاکنج» و «سگ انگور» که خود را معرفی کردند برادران من می باشند، ولی تاجریزی اصل و واقعی من هستم. عربی من «حلو مره» بوده و فرنگیها به من دوس آمر می گویند، این روزها در محافل داروسازی برای اینکه فرقی بین من و سایر انواع گذاشته شود به من تاجریزی پیچ گویند، زیرا گیاه علفی بالا رونده است. من در اطراف تبریز، اصفهان، رشت - حوالی رودبار بالاده برزوئیل، لاهیجان، و همچنین جنوب شرقی ایران مثل بلوچستان می رویم. برگهای گیاه من متناوب بوده، و شکل ظاهری آنها در قاعده ساقه شبیه قلب است، ولی در قسمت فوقانی سه تایی است. گلهای من بنفش کوچک و چتری بوده، و در فاصله خرداد تا شهریور ظاهر می شود. میوه من آبدار، بیضی شکل و آویخته است، پس از رسیدن سرخ رنگ می شود و دارای دانه های مسطح است، در صورتی که دانه های سگ انگور کروی است. قسمت مورد استفاده من علاوه بر ساقه های مسن و برگ گیاه من می باشد که همگی آنها پیشاب آور مقوی و تصفیه خون بوده و کمی مخدر می باشند، و برای بیماریهای جلدی و سرطان نافع هستند. برای تسکین درد استخوان، ترشحات زنانه، استسقا، برونشیت مزمن، نزله مزمن، سیاه سرفه، تنگ نفس، نقرس، یرقان و پیدا شدن آلبومین در ادرار تجویز می شوند. ضماد برگ من برای امراض جلدی مزمن، آگزما، خارش، داءالصفد، سودا و تبخال سود فراوان دارد، و از آن می توان برای درمان زخمهای سرطانی استفاده کرد. دود و بخور دانه من چرک گوش را خشک و از فساد چرکها دیگر جلوگیری می نماید.

از جوشانده صد گرم جوانه و برگهای من در یک لیتر آب دو لیوان در روز تجویز می شود.

### اسم من «پنبه» است!

فارسی من پنبه ترکی آن پنبوق است. اعراب به من قطن گویند. من دارای گونه های مختلف هستم و چندین هزار سال است که بشر مرا شناخته و به کشت من اقدام کرده است. گیاه من به ارتفاع ۱/۵ تا ۱/۵ متر است، برگهای گیاه من پنجه ای و دارای سه تا پنج بریدگی نوک تیز است. سطح برگهای من پوشیده از کرک است. گلهای من دارای رنگ زرد روشن، و لکه های ارغوانی است. میوه من غوزه نامیده می شود، و دارای جدار خشک و سه تا پنج خانه است. در این خانه پس از شکفتن غوزه، الیاف پنبه نمایان می شود، و دارای دانه های فراوان است. بهترین زمین برای کشت من، زمینهای پوک است که کمی شوره داشته باشد، الیاف پنبه من سفید مایل به زرد است، ولی اخیرا دانشمندان کوشیده اند که انواعی از من را در اثر تربیت به دست آورند

که به رنگهای مختلف مخصوصا قرمز و بنفش باشد. سعی دیگر دانشمندان بر این است که بتوانند انواعی از من پرورش دهند که الیاف آنها بلندتر باشد. در سنوات اخیر محصول ایران دچار آفتی به نام کرم خاردار شده بود که خوشبختانه مبارزه با آن ثمر بخش بوده، و تا اندازه ای از بین رفته است.

دانه های من که به پنبه دانه معروف شده اند، دارای بیست تا سی درصد روغن قابل استخراج می باشند. من زرد رنگ بوده، و در زمستان در حرارت دو تا چهار درجه بالای صفر منجمد می شود، و دارای ویتامین «ای» می باشد. روغن من خوراکی است، مشروط بر اینکه کاملا تصفیه شده و بوی آن گرفته شده باشد. در غده های ترشحاتی واقع در ضخامت لپه دانه من، دو ماده رنگی و سمی وجود دارد و دانه های من موقعی به مصرف خوراکی و دارویی می رسند بایستی عاری از این غده های ترشح کننده باشند. مغز دانه های من مصارف متعدد و فواید بسیار دارد، ولی بزرگترین این خواص زیاد کردن نطفه است و کسانی که به علت کمی نطفه بچه دار نمی شوند، بایستی سه ماه مرتبا روزی پنج مثقال مغز دانه های مرا میل نمایند.

خوردن مغز مقشر دانه های من سینه و شکم را نرم می کند، و درمان سرفه است. با دارچین و شکر برای سرد مزاجان و با سکنجبین برای آنهایی که مزاجی گرم دارند برای تقویت غرایز جنسی به کار می رود. مغز دانه های من برای زنان بچه شیرده نیز نافع است، چون شیر را زیاد می کند و مقدار چربی و مواد سفیده آن را بالا می برد. شکوفه گیاه من نشاط آور است، و شربتی که با آن بسازند برای رفع خفقان و اختناق سود فراوان دارد و برای درمان وسواس و ابتدای جنون مفید است و داروسازان سنتی ایران را عقیده بر آن بود که عقل و هوش را زیاد می کند. ضماد شکوفه و برگ من همراه با پنبه سوخته ورمها را فرو می برد و خارش بدن را برطرف می کند، و از تاول زدن پس از سوختن جلوگیری می نماید، آب برگ من اسهال را بند می آورد مشروط بر اینکه با آب سیب مخلوط شده و خورده شود. پوست ریشه گیاه من قاعده آور است، و خون رحم را بند می آورد، پنبه مخصوصا وقتی چربی آن گرفته شده و هیدروفیل، یعنی جاذب آب شود، دارای مصارف و فواید پزشکی زیاد است، و بسیاری از بانوان هنگام عادت ماهانه از آن و فراورده های آن استفاده می نمایند.

در صنعت از پنبه و روغن من زیاد استفاده می شود و پزشکان سنتی ایران، پوشیدن لباس پنبه ای را مفید می دانستند. من دارای انواعی به صورت درختچه نیز می باشم که در مشرق بنگال، نواحی مصر علیا، ایران، چین، و ژاپن می روید و انواع وحشی آن نیز به طور خودرو در ایران دیده شده است.

چنانچه زخمهای گود شده را از پنبه سوخته پر کنید، چرک آنها را کشیده و آنها را خشک می کند. اگر مرا گرم کرده و بر روی ورمهای دردناک ببندید، درد آنها را تسکین خواهد داد، و برای اینکه نتیجه بهتر بدهد بهتر آن است که قبلا روی آن زنجبیل و زرنباد نرم کرده بمالید، و بعد روی آن پنبه گرم کرده گذاشته و ببندید و همینکه پنبه سرد شد، دوباره آن را گرم کنند و مدتی بگذارند. برای فروکش ورم بیضه و تسکین درد آن دستور داده اند که دانه پنبه را از غوزه جدا کرده، و بکوبند و پس از گرم کردن بر روی برگ بیدانجیر پهن کنند و بر روی ورم بیضه بگذارند و همچنین دستور داده اند که اگر تخم پنبه را کوبیده، با کمی زنجبیل مخلوط کرده و پنبه را با آن آغشته کرده، فتیله سازند و بعد یک سر آن را برزگیل میخی بسته و سر دیگر آن را آتش

بزند به طوری که گرمی و حرارتش به زگیل برسد، ولی نسوزاند، و این عمل را سه روز متوالی روزی یک بار تکرار کنند، زگیل افتاده و از بین می رود.

کف که در گیلان و مازندران می روید و با آن گونه می بافند، از خانواده پیبه بوده و گیاه آن خواصی نظیر پنبه دارد، و همچنین نوع دیگر از آن در بلوچستان می روید که تاکنون در اطراف آن مطالعه و تحقیق نشده است. ممکن است این گیاه سینبل باشد که داروسازان سنتی به آن اشاره کرده و آن را چنین تعریف کرده اند: درختی است هندی بسیار بزرگ، چوب آن شبیه انجیر سفید و سبک برگ آن شبیه برگ گردو و از آن درازتر و گل آن سرخ تیره و بزرگ شبیه لاله و ریشه درخت کوچک و آن شبیه کوبک و شقاق و مغز آن سفید و پوست آن نباتی رنگ و میوه آن شبیه غوزه پنبه و در چوب آن پنبه بسیار نرمی وجود دارد و درخت آن دو نوع است. خاردار و بی خار، و خاردار آن بهتر از بی خار است، و قسمت مورد استفاده این گیاه بیخ آن است که قبل از آنکه گیاه گل کند، باید آن را در آورده و با کارد چوبی ورق ورق کرده، و در سایه خشک نمایند و بعد کوبیده با هم وزن آن نبات سفید دوباره کوبیده و به صورت قاووت در آورند. خوردن آن قاووت روزی یک تا سه گرم به مدت چهل روز برای تقویت جسمانی و غریزی نتیجه بسیار عالی دارد، و همچنین اسهال خونی و بلغمی را بند می آورد و برای معالجه دمل و زخمهای جلدی، جذام، فساد خون و صفرا سودمند است، و همچنین شهرت دارد که اگر پنبه این گیاه را در گوش نمایند آن را کر می کند.

### پنبه نسوز

فارسی من پنبه نسوز است، به من پنبه کوهی و آذرشست هم می گویند. عربی من حجر الفتیله است. من نوعی سنگ آتشفشانی هستم که از ترکیب سیلیکات کلسیم و سیلیکات منیزی به صورت الیاف در آمده ام، الیاف من مانند پنبه نرم و قابل انعطاف و تاییدن است و از این رو در نساجی می توان از من استفاده کرد و پارچه های نسوز بافت، در گذشته از من برای خانه های اعیان و اماکن مذهبی فتیله درست می کردند و در چراغهای روغن نسوز می گذاشتند، امروز در صنایع برای تهیه الیاف نسوز بیشتر از من استفاده می شود، داروسازان سنتی ایران عقیده داشتند که پنبه نسوز برای التیام جراحات مخصوصا جراحات حیوانی نظیر ندارد. معادن پنبه نسوز در کرمان فراوان است، و خارج از ایران در چین و چند کشور دیگر دیده می شود. در طب جدید هیچگونه مصرف دارویی برای آن قایل نیستند.

کاری از:

**Vahideh**

**Vahideh۳۰۰۸@yahoo.com**



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

